

بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



می 2016 - اردیبهشت 1395

شماره 58

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com



گرامی باد اول ماه مه،

روز همبستگی جهانی کارگران

به کمپین و کارزار آزادی

کارگران زندانی،

زندانیان سیاسی و

لغو احکام صادره بپیوندیم!



کارگران زندانی - زندانی سیاسی آزاد باید گردید!

کارگران اتحاد اتحاد

اول ماه مه امسال
 با خواست لغو احکام علیه فعالین و کارگران اعتصابی،
 با خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط
 کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی،
 جلب همبستگی با مبارزات و مطالبات جنبش کارگری به پیش!



زنده باد اول ماه مه

در اول ماه مه صف خود را متحد تر و متشکل تر کنیم!
 اول ماه مه پیش بسوی تشکیل تشکلهای مستقل کارگری
 پیش بسوی هر چه با شکوه برگزار کردن اول ماه مه!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

گرامی باد اول ماه مه،

روز همبستگی جهانی کارگران

در آستانه روز اول ماه مه هستیم، روز رزم کارگری علیه سرمایه، روز تجدید پیمان برای انقلاب و براندازی حاکمیت استثمارگران، روز همبستگی بین‌المللی طبقه کارگر، روز گرامی‌داشت کارگران جان فشان شیکاگو، روز رزم و شادی از دستاوردهای مبارزاتی کارگران جهان.

کارگران در سالی که پشت سر می‌گذاریم در بسیاری از کشورهای جهان، فریاد اعتراضی علیه اجحافات سرمایه برآوردند، اعتصاب کردند و تظاهرات کارگری را سازمان دادند و همچنین به‌مراه سایر انسانهای مترقی، خیابانها و میادین را به صحنه مبارزه تبدیل کردند. کارگران فرانسه در همراهی با سایر انسانهای آزادیخواه، رژیم سرمایه داری فرانسه و دولت ارتجاعی سوسیال دموکراتها را به چالش کشیده‌اند و استوارانه در برابر تصویب قوانین پیشنهادی دولت ایستادگی می‌کنند. کارگران حتی در بسیاری از کشورهای سرمایه داری غربی همچون آمریکا، آلمان، سوئد، اسپانیا، یونان و... در مقابل برنامه‌های اقتصادی دولت خود دست به مبارزه زده و خواسته‌های خود را مصرانه دنبال کرده‌اند. کارگران در بسیاری از کشورهای موسوم به کشورهای پیرامونی از جمله کره جنوبی، تونس، بنگلادش، مکزیک، آرژانتین، ترکیه و... برای رسیدن به خواسته‌های خود اقدام به اعتصاب و تظاهرات کرده‌اند. هم‌اکنون کارگران نفت گر کویت علیه اجحافات سرمایه و دولت در اعتصاب می‌باشند.

در حالیکه کارگران بسیاری از کشورهای جهان، در چنین روزی در مارش‌های هزاران و دهها هزار نفره، اعتراض علیه اجحافات سرمایه داران را فریاد می‌زنند و خواسته‌های خود را آزادانه مطرح میکنند، کارگران در جمهوری اسلامی محروم از گردهمایی آزادانه و طرح خواسته‌های صنفی و سیاسی خود می‌باشند. آن تجمع خود ساخته حکومتی و تحت نظر مزدورانی را که در رأس خانه کارگر جای کرده‌اند، نبایستی یک گردهم‌آئی کارگری دانست. تجمعی که محل ستایش گویی از حاکمیت سرمایه و با شعارهای فاشیستی علیه کارگران مهاجر افغانستانی باشد، نه تنها مضمون کارگری ندارد، بلکه کارگرس‌تیز می‌باشد. کارگران آزاده ایران علیرغم تمامی فشارهای حکومتی، امسال نیز با تحمل مشکلات فراوان، گرد هم‌آئی‌های مستقل کارگری را در این و آن مکان برپا خواهند داشت، چون سالیان پیش به گفتگو برای رهایی از استثمار و ستم سرمایه دار خواهند پرداخت، سرودهای انقلابی خواهند خواند، پیمان همبستگی خود را پایدارتر خواهند کرد، شیرینی و تنقلات دیگر، پخش

کرده و در روز متعلق به خود شادی خواهند کرد... بکوشیم با شادی آنها، شاد باشیم و پیمان خود را با آنان مستحکم تر سازیم.

کارگران ایران در سالی که گذشت، در فاصله اول ماه مه سال پیش و امسال، مبارزات درخشانی را به پیش برده اند. اعتراضات کارگران ایران در سالی که گذشت از آن چنان گسترش و فزونی برخوردار بود که به جرأت می‌توان گفت، بالاترین رقم را در جهان دارا بوده است. پنج اعتراض کارگری در روز، میانگین مبارزات کارگری در ایران می‌باشد. یکی از ارزنده ترین دستاوردهای جنبش کارگری ایران در سال پیشین، اطلاعیه های مشترک هفت تشکل مستقل کارگری و مدافعین جنبش کارگری، پنج گروه مستقل کارگری و هم چنین سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با مضمونی مشابه در مورد دستمزد و اشاره به ضرورت تشکل یابی مستقل و سراسری کارگران بوده است. ادامه مبارزاتی مستمر این همکاریها، تعمیق و گسترش آنها و ارتباط فشرده با پایه های کارگری در کارخانجات و کارگاهها، میتواند شالوده ی تشکل مستقل و سراسری را پایه ریزی کند. وظیفه ی عمده و مرکزی هر فعال و مدافع کارگری، در ضمن پیش بردن مبارزه کارگری در زمینه های گوناگون، تلاش متحد و یکپارچه در پی ریزی ایجاد تشکل مستقل و سراسری کارگری می باشد، چه اینکه بدون چنین تشکلی هیچگونه بهبودی پایدار در زندگی کارگران و خاصه دستمزدها و حقوق های معوقه ی آنان حاصل نخواهد شد و موفقیت های کوچک نیز در خطر دستبرد سرمایه داران و دولت حامی سرمایه قرار دارند. باشد که روز اول ماه مه امسال، به عنوان روز پیمان همبستگی و اقدامات مشترک انقلابی کارگران و فعالین کارگری ایران برای خدمت به تحقق وظیفه ی عمده و مرکزی ثبت گردد.

اول ماه مه روز جهانی پرولتاریا ست، ولی این بدان معنا نیست که پرولتاریا در این روز در مبارزه دائمی خود علیه سرمایه، تنها به هم طبقه ای های خود می اندیشد. پرولتاریا در این روز در مبارزات خود، روبه دیگر اقشار ستم دیده جامعه دارد و از خواستهای بحق صنفی و سیاسی آن اقشار نیز دفاع کرده و آنان را در مبارزه برای براندازی حاکمیت استثمار و ستم از جمله یاران خود می داند.

فعالین کارگری ایران در سالی که سپری شد، علاوه بر توجه به مسائل کارگری، از خواستهای بحق سایر اقشار تحت ستم نیز جانبداری کردند، از جمله علیه تبلیغات و اقدامات فاشیستی و نژاد پرستانه ضد کارگران مهاجر افغانستانی افشاگری کردند، به دفاع از مبارزات زنان، معلمان، پرستاران، دانشجویان، جانبداران محیط زیست و... ادامه دادند و از حقوق اقلیتهای ملی پشتیبانی کرده و تضعیفات و جنایات حکومتی را نسبت به آنان ضد انسانی دانستند. بطوری که اول ماه مه امسال را به سنگ پرشی برای همراهی و همگامی پاسخگویی به مطالبات کارگران و خواسته های انباشته شده نیروی عظیم معلمان و فریاد آزادی کارگران و معلمان زندانی اعلام داشته اند، این همه نشان از آن دارد که فعالین کارگری درون کشور به درستی به ضرورت برقراری پیوند بین جنبش کارگری با مبارزات بحق سایر اقشار تحت ستم پی برده اند.

پشتیبانی از مبارزات کارگران ایران، فعالان انقلابی کارگری، زندانیان مبارزات آزادیخواهانه و حق طلبانه و خانواده های آنان یکی از مهمترین وظایف مدافعین جنبش کارگری در خارج از کشور میباشد. ما، نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران به این وظیفه خود همچنان ادامه خواهیم داد و می بینیم و می دانیم که برخی دیگر نیروها و انسانیهای مبارز نیز در این راه گام برمی دارند، ولی قویاً بر این باوریم که این مبارزات در خارج کشور به علت پراکندگی و عدم یک سوئی زمانی، در ضمن مثبت بودن، آن ثمربخشی را که در صورت همکاریها حاصل خواهد شد، در بر ندارند. لذا همچون گذشته برای زدودن این ضعف کوشا هستیم و تمامی نیروها و انسانیهای را که دل به جنبش کارگری دارند، دعوت به همکاریها و هم پیوندیهای ضروری متحدانه دراز مدت و موردی می نمائیم. باشد که روز اول ماه مه، روز همبستگی کارگری، ما همگان را جداً به اندیشه وادارد و همکاری و همدلی را جایگزین تفرقه و خود مرکز بینی کنونی کنیم.

زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر،

روز جهانی پرولتاریا

زنده باد سوسیالیسم

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

23 آوریل 2016

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

بیانیه نهاد های همبستگی

اول ماه مه امسال، روز رزم جهانی کارگران را

به پرچم آزادی کارگران زندانی و دفاع از مطالبات کارگران بدل نماییم!

به کارگران جهان و ایران

به انسان های آزادیخواه و عدالت خواه

فرصت زیادی به اول ماه مه (اردیبهشت ۱۳۹۵)، روز جهانی کارگر (۲۰۱۶) نمانده است. امروز کارگران جهان در پهنه رویارویی های بزرگ با نظام سرمایه هستند. در سراسر فرانسه، از طریق مبارزات سندیکایی و اتحادیه ای خود، یکی از بزرگترین درگیری های طبقاتی خویش را علیه اصلاحات قانون فوق ارتجاعی کار فرانسه و کاهش دستمزد، افزایش بیکاری و بالا رفتن سود سهامداران و پایمال شدن حقوق کارگران را در پیش از ۲۵۰ نمایش خیابانی به همراه اعتصابات و تظاهرات به پیش برده اند و ادامه دارد.

اعتراضات کارگران ساختمانی در چند نقطه سوئد بدل به تظاهرات و اعتصاب وسیع شده و در این میان کارفرمایان شرکت های تاسیسات ساختمانی و اتحادیه صاف کاران ساختمانی به مصاف هم بر آمده اند. کارفرمایان با چند اتحادیه به توافق ۲ درصدی افزایش دستمزد رسیدند که مورد قبول چندین اتحادیه دیگر نیست. در همین رابطه پنج اتحادیه کارگری در سوئد کماکان برای افزایش دستمزد به مذاکره مشغولند و این روند در آستانه اول ماه مه امسال همچنان ادامه دارد.

در پاکستان شاهد انفجار معدن زغال سنگ و کشته شدن ۵ کارگر معدن و زیرآوار ماندن بیشمار کارگران هستیم. در قطر و در دوحه و نقاط دیگر خاورمیانه و همچنین در ترکیه کارگران با مشکلات عدیده ای روبرو هستند.

در بخش وسیعی از دنیا اعتراضات و اعتصابات بخشی از زندگی کارگران و زحمتکشانشان شده است.

در چنین وضعیتی کارگران ایران به پیشواز اول ماه مه می روند.

رژیم ضد کارگری و عوامل سرکوب گر، نمایش باصطلاح هفته کارگر را از مدت ها پیش به نام طبقه کارگر ایران براه انداخته اند. از هم اکنون خیر می رسد؛ که تحرکات نژاد پرستانه علیه کارگران مهاجر افغان را که توسط عوامل خانه کارگر و نهاد های امنیتی همچون سال گذشته طراحی شده است، قصد دارند بار دیگر به نمایش گذارند.

امروز همچون گذشته اعتراضات و اعتصابات کارگران برای جلوگیری از بیکار سازی، عدم دریافت حقوق های ماهیانه کارگران از دولت و کارفرماهای بخش خصوصی و مسئله اعتراض وسیع کارگران به دستمزد ۸۱۲ هزار تومانی تعیین شده در سال جاری که دست کم با خط فقر برای یک خانواده چهار نفره فاصله چند برابری دارد، همچنان مضمون اصلی تحرکات کارگری دوره اخیر است.

هزاران کارگر فازهای چندگانه منطقه ویژه عسلویه، هر روزه با تجمع و اعتراضات خود برای حقوق های عقب افتاده از سوی پیمانکارهای اصلی و دست چندم تلاش می کنند. کارگران معادن سراسر کشور، همآهنگ و همزمان علیه اخراج های هر روزه و برای حقوق ها و مزایای پرداخت نشده، همراه با خانواده هایشان می کوشند. کارگران مبارز مجتمع نیشکر هفت تپه و بویره نی بران، برای امنیت شغلی و علیه خصوصی سازی پیگیرانه مبارزه می کنند. کارگران نفت و پتروشیمی ها هر روز برای کسب مطالبات خود به مبارزه ادامه می دهند. کارگران صنایع نساجی، کاشی سازی ها، سیمان، کوره پزخانه ها، مخابرات، اتوبوسرانی ها و متروها و کشتی سازی صدرا، شهرداری ها، راه آهن، برق و ... به اشکال مختلف و با استفاده از هر امکانی و محروم از هر گونه تشکلی، به صورت خودجوش، دست از کار کشیده، به خیابان می آیند و مطالبات خود را فریاد می زنند. اما پاسخ تمامی این تلاش ها و حقوق اولیه از سوی رژیم، فشار، تهدید، اخراج، سرکوب و بگیر و ببند است.

طی روزهای گذشته کارگران معادن مس میدوک در شهر بابک به دلیل اعتراض به شرایط مزد نابرابر، اقدام به سازماندهی اعتراض کرده بودند. مأموران امنیتی ۱۵ نفر از آنان را بازداشت می کنند، که بعد از دو روز با قرار تامین و وثیقه آزاد می شوند.

پرونده قضایی ۹ کارگر معترض و سازمانگر معدن سنک آهن بافق هنوز که هنوز است؛ مختومه اعلام نشده و آنها را برای چندمین بار به دادگاه ها می کشانند. همچنین پرونده قضایی کارگران مجتمع مس خاتون آباد و طرز مختومه نشده است.

هنوز معلمان دلسوز و سازمانگر همچون؛ اسماعیل عبدی، علیرضا هاشمی، محمود بهشتی لنگرودی در زندانند و اکبر باغانی را به زندان ده ساله اش به منطقه بد آب و هوای زابل از شهرستان های سیستان و بلوچستان تبعید کرده اند. حکم سه سال حبس مجدد رسول بدایق در دادگاه تجدید نظر تأیید شد و رسول بعد از شش سال حبس بدون مرخصی، تقریباً پنجاه در صد از بینایی چشم چپ خود را از دست داده است. هنوز کارگران مبارز بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی، جعفر عظیم زاده دبیر هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران با حکم شش سال حبس، در زندانند!

آزادی موقت حسن رسول زاده از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و جلیل محمدی فعال کارگری، با قرار وثیقه های سنگین انجام گرفته است.

در پایان سال گذشته بار دیگر با احکام دستگیری و زندان برای آقایان داوود رضوی، ابراهیم مددی و رضا شهبانی از چهره های شناخته شده سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه رویرو بودیم. شاهد محکومیت یکسال زندان تعزیری برای عثمان اسماعیلی فعال کارگری عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری؛ صدور نه سال زندان برای محمود صالحی این چهره شناخته شده فعال کارگری، در کنار تداوم بازداشت واله زمانی و علی نجاتی و تعرض گسترده به فعالین کارگری در معادن و جنبش اعتراضی معلمان، پرستاران، زنان، اعتراضات دستفروشان و اقلیت های بهایی و عرب زبان و دستگیری و اعدام وسیع این اقلیت ها بوده ایم.

از اینرو امسال در حالی به پیشواز گرامی داشت اول ماه مه، روز رزم مشترک جهانی کارگر می رویم که رژیم جمهوری اسلامی ایران، فشار سنگینی را علیه فعالین کارگری و فعالین سایر جنبش های رادیکال، گسترش داده است. در همین حال اعتراضات و مبارزات کارگران، زنان و معلمان و دانشجویان ترقیخواه و اوج اعتراضات طرفداران محیط زیست و جوانان، شرکت فعال خانواده های کارگران در اعتصابات و حمایت از کارگران اعتصابی و نیز حمایت مردم را شاهدیم.

مطالبات بیواسطه و انباشته شده کارگران از سال ها پیش بقوت خود باقی است. اخراج هر روزه و گسترده کارگران و بیکار سازی ها و به تعطیلی کشاندن واحد های تولیدی و صنعتی، بی آبی و خشکسالی، کوچ اجباری روستائیان به طرف شهرها، رشد حاشیه نشینی و افزایش بیکاری جوانان و ویرانی تولیدات روستایی را بدنبال دارد.

در چنین شرایطی مبارزات مداوم کارگران، همچنان از پراکندگی رنج می برد. همگرایی های چند جانبه بر سر میزازه تعیین حداقل دستمزدها به شکل بیانیه های مشترک، ادامه ی سطح وسیع تر همگرایی و هم پیوندی های فعالان کارگری را در آستانه اول ماه مه امسال طلب می نماید.

ما، فعالان نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، در آستانه اول ماه مه ۱۳۹۵ (۲۰۱۶)، با برافراشتن شعار آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، خواست لغو احکام صادره و علیه تعرضات رژیم به مبارزات حق طلبانه کارگران، در هماهنگی با دیگر تشکل های موازی در سطح کشور های مختلف، دیگر نیرو های مدافع جنبش کارگری ایران را به همکاری و اتحاد عمل وسیع در این زمینه فرا می خوانیم.

با تلاش بر اینکه بتوانیم با برپایی شب های همبستگی، میزهای اطلاعاتی و فراخوان های مشترک، شرکت موثر در مارش های خیابانی اول ماه مه در کشورهای مختلف، افکار عمومی مترقی و آزادیخواه را به حمایت هر چه گسترده تر بین المللی از جنبش کارگری ایران بخصوص کارگران زندانی فراخوانیم و اول ماه مه امسال را به سنگر اعتراض برای رهایی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و دفاع از خواسته ها و مطالبات بیواسطه کارگران بدل نماییم!

زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

سه شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۹۵ - ۱۲ آوریل ۲۰۱۶



بیانیه شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر - ایران سال ۱۳۵۹

روز جهانی کارگر-اول ماه مه 2016، برابر با دوازده اردیبهشت 1395- روز تاکید بر همبستگی جهانی کارگران فرا میرسد. طبقه کارگر در ایران و جهان کماکان و به شکل های مختلف در حال نبرد با سرمایه داری است؛ تجربه ی تاریخی مبارزات طبقه کارگر نشان میدهد که کارگران نه تنها در یک روز خاص بلکه همیشه، در هر رده و دسته و محل کاری که هستند تنها و تنها در اتحاد و همبستگی و سازمانیابی مستقل از دولت های سرمایه داری و مستقل از کارفرمایان قادر خواهند بود بر جناح ها و گروه های مختلف سرمایه داری پیروز شده و به مطالبات و خواست های طبقاتی خود دست یابند.

کارگران ایران اعم از کارگران کارخانه ها، کارگران عرصه ی آموزش (همچون معلمان)، کارگران معادن، کشاورزی، ساختمانی و عمرانی، کارگران خدماتی، کارگران عرصه های بهداشت و درمان (مانند پرستاران و بهیاران)، کارگران حمل و نقل، نانوایی ها، کوره یز خانه ها، زنان خانه دار، کارگران عرصه های فروش و توزیع، کارگران در سطوح مختلف همچون فنی و ماهر، کارگرانی که در امور هنری و یا فنی که با فروش نیروی کارشان امرار معاش میکنند، بازنشستگان، کارگران فصلی و پروژه ای و نیز کارگران بیکار، همه و همه جزوی از طبقه ی کارگرند؛ آنها برای کسب مطالبات خود، چاره ای جز مبارزه ی متحد و سازمان یافته در مقابل سرمایه داری (چه خصوصی و چه دولتی) و نیز چاره ای جز استقلال از تمام جناح های مختلف سرمایه داری اعم از اصولگرا و اصلاح طلب نداشته و ندارند.

فقر و فلاکت، گرانی، تورم، قدرت خرید بسیار پایین مردم، حقوق های چندین برابر زیر خط فقر، سرکوب فعالین، سرکوب بیان و اندیشه و نبود آزادی های اجتماعی و سیاسی هر روز بیش از پیش چهره ی واقعی نظام استثمار و سرکوب سرمایه داری را به طبقه کارگر نشان میدهد؛ در سالی که گذشت، مبارزات کارگران در ایران روز به روز روندی رو به افزایش داشته است؛ اعتراضات معلمان و پرستاران، اعتراضات کارگران خودروسازی ها و نیز پالایشگاه ها، کارگران معدن و کارگران در بخش های مختلف خدماتی و در کارخانجات به امری هر چه بیشتر عمومی بدل میشود. با گسترش شکاف طبقاتی در جامعه ی ایران و پیاده سازی هر چه بیشتر سیاست های نئولیبرالی و ضد کارگری (منجمله خصوصی سازی و تعدیل نیرو و شرکت های واسط و پیمانکاری)، اعتراضات بیشتری انجام میشود؛ اعتصابات مختلف کارگران برای افزایش دستمزد، علیه بیکاری و عدم امنیت شغلی، علیه خصوصی سازی، برای کسب حقوق معوقه، علیه شرکت های واسط و پیمانکاری، علیه عدم ایمنی در محیط های کار و اعتراضات دیگر، روز به روز در حال گسترش است. همچنین در اروپا (و منجمله اخیرا در فرانسه)، در آمریکا و سایر نقاط جهان اعتراضات کارگری علیه سیاست های سرمایه داری رو به رشد گذاشته است و سازمانیابی هر چه مستقل تر از سرمایه داری و کارفرماها در سراسر جهان به نیازی ضروری بدل میشود.

اجرای سیاست های اقتصادی-سیاسی دولت روحانی (مانند دولت های قبل، بر اساس همان منافع و سیاست های کلی نظام، ولی هر روز با شدتی بیشتر از پیش) و نیز تحریم های خانمان برانداز در راستای منافع سرمایه داری ایران و جهان و بر علیه طبقه کارگر و در هر دو حالت، علیه هستی و معیشت ماست؛ رفع تحریم از طریق ساخت و پاخت دولت سرمایه داری ایران با سرمایه داری جهانی، به سیاست های اقتصادی-نظامی-سیاسی دیگری ختم میشود که باز هم منافع ما کارگران را نشانه رفته است. همچنین سرمایه گذاری های خارجی در بخش های نفت و گاز و پتروشیمی و خودروسازی و انواع و اقسام بخش های تولید و خدمات بیش از هر چیز نیروی کار ارزان در ایران را نشانه رفته است. در همین راستاست که سرمایه داری جهانی برای باز کردن هر چه بیشتر راه خود برای استثمار کارگران و منابع ایران، تلاش میکند تا تشکل های حکومتی و غیر مستقل را در نهاد

های مرجع و جهانی به اصطلاح کارگری به رسمیت بشناسد. کارگران باید با هشیاری و سازمانیابی مستقل و طبقاتی خود به مقابله با خصوصی سازی، غارت منابع مالی عمومی و مقابله با روشهای نئولیبرالیسم، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بر خیزند؛ مبارزات متحد ما میتواند باعث شود تا سرمایه های عمومی ما کارگران و مزدگیران به جای سر ریز شدن به جیب طبقه سرمایه دار، بیشتر و بیشتر در راستای منافع و رفاه عمومی ما کارگران هزینه گردد.

ما کارگران به خوبی میدانیم جنگ ها، آشوب ها و کشتارهای مختلفی که در منطقه و جهان و منجمله در سوریه و عراق و افغانستان در حال وقوع است و با تامین مالی-تسلیحاتی قدرت های سرمایه داری جهانی و منطقه ای و با سو استفاده از ابزارهایی چون تفاوت های قومی، ملی، مذهبی و غیره و با هزینه هایی از جیب ما کارگران صورت میگیرد، اقداماتی برای سودآوری سرمایه داری در منطقه و جهان است و برای ما کارگران تنها خانه خرابی و فلاکت و فقر و مرگ به همراه میآورد؛ بدیهی است که ما کارگران و هم سرنوشتان، باید با چشم پوشی از تفاوت های قومی، ملی و مذهبی و با تاکید بر اتحاد کارگری و طبقاتی در سطح منطقه و جهان بر علیه تمامی نیروهای اجیر سرمایه داری متحد شده و اجازه ندهیم بیش از این زندگی و هستی ما دستخوش فلاکت های ایجاد شده توسط سرمایه داری گردد.

شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر ایران، مطابق سنت هر ساله و در آستانه ی روز جهانی کارگر، 12 اردیبهشت سال 95 - اول ماه مه 2016 - این روز باشکوه را شادباش میگوید و از تمامی کارگران و گروه های کارگری برای برگزاری هر چه باشکوه تر مراسم های مستقل روز جهانی کارگر دعوت بعمل میآورد. ما ضمن اعلام حمایت از بیانیه های تشکل ها و گروه های مستقل کارگری، مهم ترین مطالبات جاری طبقه کارگر ایران را در موارد شش گانه زیر اعلام میداریم. این شورا از تمامی جریانان و افراد مدافع مبارزات طبقاتی کارگران و نیز از کارگران و فعالان کارگری میخواهد که در نشر و تبلیغ بیانیه این شورا و نیز بیانیه های دیگر گروه های مستقل و غیر حکومتی کارگری تلاش کنند:

1- هر مقدار دستمزد دریافتی زیر مبلغ سه و نیم میلیون تومان در ماه، تحمیل دستمزد زیر خط فقر و تحمیل مرگ و فلاکت سبب از پیش بر ما کارگران است؛ ما ضمن حمایت از بیانیه های تشکل های و گروه های کارگری مستقل در مورد دستمزد اعلام میکنیم که تحقق دستمزد حداقل و مناسب بر اساس سد معیشت و یک زندگی شرافتمندانه و مطابق با استانداردهای روز، از طریق سه جانبه گرایی و توسط شورای عالی کار به دست نمی آید و تنها با اتحاد و اعتراض سازمان یافته ی کارگری محقق خواهد شد؛ ما در این راه و همچنین علیه حداقل دستمزد فلاکت بار 812 هزار تومان در ماه، دست از اعتراض و تلاش برنخواهیم داشت.

2- ما کارگران در بخش های مختلف ضمن اعلام حمایت از اقدامات کارگران در دیگر بخش ها مانند اعتراضات معلمان و پرستاران، اعتراضات کارگران معدن، پتروشیمی و خودروسازی ها، اعتراضات علیه حقوق های معوقه و دستمزد های زیر خط فقر، علیه اخراج، علیه سرکوب فعالین و نمایندگان کارگری، علیه شرکت های واسط و پیمانکاری و اعتراض علیه نابرابری جنسیتی در محیط های کار و اجتماع، اعلام میداریم که تنها راه کسب مطالباتمان ایجاد تشکل های مستقل کارگری (و عالی ترین شکل آن یعنی شوراهای مستقل کارگری) در محیط های کارمان است؛ تشکل های مستقلی که از خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و انجمن های صنفی و به طور کلی از سرمایه داری (و از کارفرما ها و دولت) مستقل باشند.

3- ما ضمن اعلام اینکه بار اصلی تحریم های اقتصادی بر دوش ما کارگران بوده و سود آن به جیب سرمایه داران داخلی و خارجی رفته است، تلاش خواهیم کرد در فضای پس از توافق، نیز علیه تمامی سیاست های اقتصادی-سیاسی سرمایه داری ایران و شرکای جهانی اش باستیم تا پس از تحریم نیز بازچه ی قدرت و سود طلبی سرمایه داری جهانی و داخلی نباشیم. ما کارگران ایران نقشه هایی که سرمایه گذاران خارجی برای استثمار ارزان نیروی کار و منابع ما کشیده اند و نیز تلاش برای به رسمیت شناختن تشکل های وابسته ی حکومتی و ظاهراً کارگری توسط نهادهای جهانی، کارگری را محکوم کرده و علیه آن مبارزه خواهیم کرد.

4- کارگران و فعالان کارگری که در راه ایجاد و یا تثبیت تشکل های مستقل در جنبش کارگری ایران و در راستای دفاع از حقوق طبقاتی کارگران مورد سرکوب حاکمیت سرمایه داری ایران قرار گرفته اند و نیز خانواده های این عزیزان باید پیش از پیش مورد حمایت های مادی و معنوی هر چه عمومی تر افسار مختلف در طبقه کارگر قرار گیرند. ما ضمن اعلام حمایت از این عزیزان خواستار پایان دادن به تعقیب قضایی و آزار و سرکوب و احضار کارگران و فعالین کارگری هستیم و در راه رفع این فشار و سرکوب ها تمامی تلاش خود را خواهیم کرد.

5- ما کارگران ایران ضمن اعلام حمایت از کارگران مهاجر در ایران منجمله کارگران افغانستانی، از مبارزات کارگران در دیگر نقاط جهان حمایت کرده و همچنین خود را متعهد به پشتیبانی از جنبش های اجتماعی دیگر منجمله جنبش های مدافع حقوق زنان، کودکان (و به ویژه کودکان کار و خیابان)، جنبش دانشجویی، جنبش های مدافع محیط زیست و سایر جنبش های مترقی، زیر مجموعه مبارزه ی طبقاتی میدانیم.

6- ما کارگران اعلام میداریم که برای کسب آزادی های اجتماعی، برای لغو مجازات اعدام، برای کسب آزادی بیان و عقیده و آزادی پوشش، برای کسب حق تشکل، تحزب، اعتصاب، اعتراض و حق تجمع و نیز حق برگزاری مراسم های روز جهانی زن، روز جهانی کارگر و امثالهم که حق اساسی ما کارگران است تلاش خواهیم کرد و هر گونه برخورد و ممانعت در برگزاری مراسم های روز جهانی کارگر را محکوم مینماییم.

زنده باد اول ماه مه و همبستگی جهانی طبقه کارگر
پیش به سوی ایجاد تشکل های مستقل کارگری در محیط های کار و زیست
شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر ایران؛

12 اردیبهشت 1395، اول ماه مه 2016

may.iran@gmail.com1



«قطعنامه سندیکاها و تشکل های مستقل کارگری» (به مناسبت اول ماه مه، دوازده اردیبهشت 1395)

اول ماه مه (دوازده اردیبهشت 1395)، روز جهانی کارگر و روز اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران، برای بیان خواست ها و مطالبات این طبقه، جهت بهبود شرایط کار و زندگی و رهایی از ستم و نابرابری اقتصادی و طبقاتی است. اول ماه مه همچنین روز فریاد مشترک تمامی کارگران در سرتاسر گیتی علیه بیداد و بهره کشی سرمایه است.

در چنین روزی، کارگران در سرتاسر دنیا از جمله به مقابله با سیاست های ضدکارگری و نئولیبرالیستی سرمایه داری جهانی و فرمول های خانمان برانداز آن برمی خیزند و نارضایتی و اعتراض خود را نسبت به این سیاست ها اعلام می کنند. در روز جهانی کارگر، بیش از هر زمان دیگری لزوم اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران احساس می شود و به ضرورتی حیاتی و اجتناب ناپذیر تبدیل می گردد.

کارگران ایران، امسال نیز در شرایطی به استقبال اول ماه مه، روز جهانی کارگر می روند که گرانی افسار گسیخته و فزاینده دیگر رمقی برای کارگران باقی نگذاشته است. سرمایه داری در ایران، درهماهنگی با سرمایه بحران زده جهانی و نهادهای مالی و واسطه ای آن، همچون «سازمان تجارت جهانی»، «صندوق بین المللی پول» و «بانک جهانی»، در جهت تامین شرایط مطلوب برای انباشت و سود آوری سرمایه، کارگران را به شدیدترین شکل ممکن استثمار می کند و به بیکاری، فقر و فلاکت می کشاند. سفره کارگران امروزه بیش از هر زمان دیگر خالی است و آنان مجبورند برای سیر کردن خود و فرزندانشان به هر دری بزنند و ساعت ها کار اضافی را به جان بخرند. سرمایه همچنین همه ی تلاش خود را به کار می برد تا حتی المقدور بار بحران های دامن گیر و کمرشکن خود را در سرتاسر گیتی بر دوش ما کارگران بگذارد؛ تعیین حداقل دستمزد 812 هزار تومانی در سال 95 توسط «شورای عالی کار» که تا 4 برابر زیر خط فقر و در واقع به منزله تحمیل مرگ تدریجی بر خیل عظیمی از کارگران است؛ وعدم پرداخت به موقع دستمزدها در ابعادی فراگیر و گسترده؛ نهادینه کردن شرکت های پیمانکاری و واسطه ای در بخش های وسیعی از مراکز کار و تولید و صنایع بزرگ و متوسط دولتی و غیردولتی و در همین رابطه نابودی کامل امنیت شغلی اکثریت قریب به اتفاق کارگران با رواج قراردادهای موقت و سفید امضا، به تعطیلی کشاندن بسیاری از کارخانه ها، کارگاه ها و معادن کشور همراه با اخراج و بیکارسازی های گسترده کارگران عمدتا به دلیل زیاده خواهی ها و حرص و ولع پایان ناپذیر صاحبان سرمایه، رشد فزاینده حوادث کار و در واقع تبدیل مراکز کار و تولید به قتلگاه کارگران، غارت مضاعف دسترنج کارگران از راه های مختلف از جمله قطع سوبسید کالاهای اساسی مانند نان، آب، برق، گاز و ...، چپاول صندوق تامین اجتماعی و بازنشستگی و ناکارآمدی این صندوق ها در قبال کارگران ... و موارد متنوع و بیشتری از این دست، تنها نمونه هایی از این تهاجم لجام گسیخته و طبقاتی و وضعیت اسفناک ما کارگران را به نمایش می گذارند.

به این سیاهه البته باید تبعیض جنسیتی و ستم و استثمار مضاعف نسبت به زنان و کارگران مهاجر، بی کاری جوانان و گسترش کار کودکان، فقدان آزادی های دموکراتیک و سیاسی و امنیتی کردن هر شکلی از اعتراض و حق طلبی کارگران که برای پیگیری خواست ها و مطالبات این طبقه صورت می گیرد، ممنوعیت ایجاد تشکل های مستقل کارگران و یورش به معدود تشکل های کارگری موجود، احضارهای مکرر کارگران و فعالان کارگری و تهدید، دستگیری و زندانی کردن آنان به بهانه های مضحک و نخ نمایی چون «اجتماع و تباہی به قصد برهم زدن امنیت ملی» و ... امثال آن را نیز اضافه نمود. عوامل سرمایه به ویژه در یکی - دو ساله اخیر شمشیر را از رو بسته و همه هم و غم خود را بکار گرفته اند تا هر خواست و مطالبه کارگری و هر اعتراض حق طلبانه ای را که از سوی کارگران برپا می شود با توسل به زور و تهدید و دستگیری و زندان پاسخ گویند و فعالین آن را به بند کشیده، به کنج زندان ها بفرستند.

بدون شک ما کارگران در مقابل چنین وضعیت بغایت غیر انسانی و گسترش روزافزون فقر و سیه روزی در جامعه سکوت نمی کنیم و اجازه نخواهیم داد که بیش از این حق حیات و هستی مان را به نابودی بکشند. ما کارگران تولید کنندگان اصلی رفاه و ثروت در جامعه هستیم و برخوردار از یک زندگی انسانی، مطابق با بالاترین استانداردهای حیات بشری را حق مسلم خود می دانیم و برای تحقق آن تمامی موانع پیش روی را با برپایی تشکل های مستقل از دولت و کارفرما و با اتکا به قدرت همبستگی و اتحاد کارگری و طبقاتی مان از سر راه بر خواهیم داشت. ما کارگران اجازه نخواهیم داد که همچون گذشته توافق های سرمایه داری جهانی و داخلی برای بهره کشی از نیروی کار ارزان و غارت دسترنج و حاصل ما کارگران، قرین موفقیت گردد و ما را همچنان در فرودستی باقی بگذارد.

در این راستا، ما سندیکاها و تشکلهای امضا کننده زیر، متحد و یکصدا مطالبات و نقطه نظرات خود را بدین شرح اعلام می داریم:

1- در حالی که خط فقر سه و نیم میلیون تومان در ماه است، تعیین حداقل دستمزد اعلام شده از سوی «شورای عالی کار» (812 هزار تومان) در واقع به منزله تحمیل فلاکت بیش تر به کارگران و خانواده های آنان می باشد. ما همچنین، عملکرد این «شورا» که در طول سالیان گذشته همواره در راستای منافع کارفرمایان و صاحبان سرمایه و بر ضد کارگران بوده است را محکوم می کنیم. ما کارگران اعتقاد داریم که تعیین دستمزدهای عادلانه تنها از طریق نمایندگان واقعی کارگران در تشکل های مستقل کارگری و با پشتوانه وسیع توده کارگران امکان پذیر خواهد بود.

2- دستمزدهای پرداخت نشده و معوقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شوند و عدم پرداخت آن ها می بایست به مثابه جرم قابل تعقیب، مورد پیگرد قضائی قرار گیرد. ما کارگران خواهان پرداخت فوری و بدون قید و شرط دستمزدهای معوقه کارگران و خسارت های ناشی از آن هستیم.

3- قراردادهای موقت و سفید امضای کار، فقدان امنیت شغلی و وجود شرکت های پیمانکاری و واسطه ای؛ حوادث، بیماری ها و سوانح مرگبار ناشی از فقدان ایمنی و بهداشت کار، به ویژه در بخش های ترابری، معادن و ساختمان سازی، همواره از معضلات و مشکلات توان فرسای کارگران در کشور بوده است. ما کارگران ضمن اعتراض به چنین وضعیت ناگواری، خواهان برچیده شدن قراردادهای موقت و سفید امضا، حذف شرکت های پیمانکاری و واسطه ای، قرار گرفتن کلیه کارگران شاغل از کارگاههای کوچک گرفته تا کارگران مناطق آزاد، تحت پوشش کامل قانون کار و اجرای فوری بیمه کارگران ساختمانی و در یک کلام پایان دادن به شرایط سخت و زجرآور کار در مراکز و محیط های کار و تولید هستیم.

4- ما کارگران به ویژه در شرایط تورم و گرانی روزافزون کالاهای اساسی در جامعه، اعمال برخی سیاست های معروف به ریاضت اقتصادی همچون رها سازی قیمت ها و حذف سوبسیدها، اخراج و بیکار سازی کارگران با بهانه ها و ترفندهایی چون تعدیل نیرو و خصوصی سازی، مقررات زدایی از حقوق کار و نابودسازی برخی از دستاوردهای چند ده ساله حقوق کارگری و تعرض ضد کارگری به قانون کار و ... را محکوم نموده و خواهان پایان بخشیدن به این قبیل سیاست های اسارت آور و ضد عدالت اجتماعی هستیم.

5- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از يك زندگی مرفه و رفع هرگونه تبعیض و نابرابری در پرداخت مستمری و حقوق و مزایای این بخش از کارگران می باشیم. ما کارگران همچنین خواهان بیمه ی درمان رایگان هستیم.

6- اخراج و بیکارسازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده اند می بایست تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری مکفی، متناسب با استانداردهای امروزی جوامع بشری برخوردار شوند.

7- ما کارگران خواهان برابری کامل حقوق زنان و مردان در تمامی شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی و محو کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه آنان می باشیم.

8- بیمه های تأمین اجتماعی اگر قرار باشد که به نحو مطلوبی از آن استفاده شود می بایست که به دست نمایندگان منتخب و واقعی خود کارگران و مردم زحمتکش جامعه اداره شود. ما کارگران خواهان برخورداری همه آحاد کارگر و زحمتکش جامعه از امکانات و مزایای بیمه های تأمین اجتماعی هستیم.

9- ما کارگران سرکوب و کارشکنی و عدم به رسمیت شناختن حقوق سندیکاهای کارگری و تشکل های مستقل کارگری را محکوم کرده و خواستار تشکیل سندیکاها و تشکل های مستقل کارگری و رعایت حقوق بنیادین کار، به ویژه مقابله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار دایر بر «آزادی ایجاد تشکل های مستقل» و «عقد قراردادهای دستجمعی»

هستیم. و دادخواهی و شکایت کارگران را در این باره به نهادها و سازمان های بین المللی حق مسلم تمامی کارگران می دانیم.

10- برخورداری از حق ایجاد تشکل های مستقل کارگری و حق اعتراض، اعتصاب، تجمع، تحصن، راهپیمایی و حق آزادی بیان و نشر ... امروزه جزء حقوق اولیه و انکارناپذیر کارگران و همه ی آحاد مردم در سرتاسر دنیاست. ما کارگران خواهان برخورداری از تمامی این حقوق و مطالبات بوده و آن ها را در ردیف حقوق مسلم و خدشه ناپذیر خود می دانیم.

11- ما خواهان پایان دادن به برخوردهای امنیتی و قطع فوری و بدون قید و شرط هر گونه اعمال فشار، پرونده سازی و صدور احکام قضایی علیه کارگران و فعالان کارگری، مدنی و اجتماعی و به طور مشخص منع تعقیب، تهدید، احضارهای مکرر، بازداشت و زندانی کردن این کارگران و فعالین از جمله اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای کارگران ساختمانی و نقاش استان البرز، کارگران معادن بافق، دورود، خاتون آباد و کارگران پتروشیمی و عسلویه و ... تحت عناوین و بهانه هایی چون «تبلیغ علیه نظام»، «اقدام علیه امنیت ملی»، «تجمع به قصد تباہی» و ... می باشیم. ما همچنین خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه کارگران، فعالان کارگری و معلمان زندانی از جمله بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی، جعفر عظیم زاده، رسول بداغی، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی لنگرودی، علی اکبر باغانی و فرزند مرادی نیا و منع تعقیب و لغو احکام صادره علیه ابراهیم مددی، رضا شهابی، داود رضوی، واله زمانی، علی نجاتی، محمود صالحی، عثمان اسماعیلی، جمال میناشیری، هادی تنومند، قاسم و ابراهیم مصطفی پور و محمد کریمی، جلیل محمدی و دیگر کارگران هستیم.

12- ما کارگران، نه تنها تشکل های دست ساز و همسو با دولت و کارفرما همچون خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و انجمن های صنفی را نمایندگان واقعی کارگران ایران نمی دانیم بلکه به رسمیت شناختن این تشکل ها همچون خانه کارگر (شوراهای اسلامی کار) در WFTU و تلاش برای عضو کردن تشکل غیر کارگری موسوم به «مجمع عالی نمایندگان کارگران ایران»، در ITUC را محکوم نموده و به عضویت در آوردن این قبیل تشکل های دست ساز و فرمایشی در این نهادها را به منزله باز کردن راه برای سرکوب هر چه بیشتر سندیکاها و تشکل های مستقل کارگری در ایران محسوب می کنیم.

13- پدیده کار کودک به شکل غیر قابل تصوری در حال افزایش و گسترش است. کار کودکان باید ممنوع اعلام گردد و هر طرحی برای رسمیت بخشیدن به این پدیده نامیمون، تحت هر عنوان و بهانه ای می بایست ملغا شده و محکوم گردد. همه ی کودکان مطابق منشور بین المللی حقوق کودک باید جدا از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین و نوع جنسیت و وابستگی های ملی، نژادی، مذهبی و ... از امکانات تحصیلی و آموزشی، رفاهی و بهداشتی رایگان و برابر برخوردار باشند.

14- ما خواهان رفع هر گونه تبعیض و بی عدالتی نسبت به کارگران مهاجر به ویژه کارگران افغان در ایران و نیز سایر کارگران مهاجر در سراسر جهان می باشیم.

15- ما به همراه عموم کارگران ایران و جهان سیاست های جنگ افروزان و تجاوز کارانه علیه کشورها را محکوم کرده و خواهان برقراری صلح و امنیت در منطقه و جهان و دفاع از منافع عمومی و آزادی و رفاه و پیشرفت مردم ایران و منطقه و جهان هستیم.

16- همه کارگران، معلمان و پرستاران که به خاطر احقاق حقوق و مطالبات خود از کار اخراج یا بازداشت و یا زندانی شده اند باید بدون قید و شرط و با احراز شرایط قبلی کار، همراه با خسارت ایام اخراج و زندان به کار سابق خود باز گردند.

17- اول ماه مه، روز جهانی کارگر باید تعطیل رسمی اعلام شده و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود. ما خواهان لغو هرگونه محدودیت در برگزاری مراسم این روز جهانی هستیم.

کارگر متفرق هیچ چیز،

کارگر متحد همه چیز!

کارگران جهان متحد شوید!

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

سندیکای کارگران ساختمانی و نقاش استان البرز

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

اردیبهشت 1395

پیام برای متحد شدن به کارگران ایران

در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر

رفقای کارگر:

نظر به اینکه تصویب حداقل مزد سال ۱۳۹۵ به میزان ۸۱۲ هزار و ۱۶۶ تومان با توافق نمایندگان کارفرمایان و دولت سرمایه داری اسلامی بر ما کارگران تحمیل شده است، که باید با کمتر از یک سوم خط فقر و یا کمتر از یک چهارم هزینه متوسط زندگی یک خانوار ۴ نفره شهری زندگی کنیم،

این مبلغ توسط شورای عالی کار، مرکب از نمایندگان دولت، کارفرمایان و گماشتگان دولت (نمایندگان شورای اسلامی کار، خانه کارگر و غیره) که نام نماینده کارگر بر خود نهاده اند و به حکم قانون سرمایه و پشتوانه ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی تصویب شده است.

نظر به اینکه فقر و گرانی و بیکاری، کارگران و زحمتکشان و خانواده هایشان را به فروپاشی کشانده و بخش عظیمی از جامعه را به سمت اعتیاد، افسردگی و بی اعتنایی به مسایل سیاسی و اجتماعی سوق داده است،

نظر به اینکه ما کارگران با انبوهی از مشکلات و مطالبات، از حق اعتراض و اعتصاب به وضع موجود، از داشتن سندیکای طبقاتی و حزب سیاسی خود محرومیم و در مبارزه برای به دست آوردن خواست های خود از کار اخراج و با زندان و شلاق روبرو می شویم،

ضروری است که به اتحاد طبقاتی خود بیاندیشیم و مبارزه گسترده و سراسری به ضد ستم سرمایه داری را سازماندهی کنیم، زیرا: «این درد مشترک هرگز جدا جدا درمان نمی شود.»

طبقه کارگر در مبارزه خود می تواند زنجیرهایی را که نظام سرمایه داری بر دست و پایش بسته است، پاره کند و دنیای نوینی فارغ از ستم و استثمار برای همه انسان ها بسازد.

رفقای کارگر، با افتخار به یاد آورید مبارزات پیروزمندانه خود را در شرکت نفت که چگونه مبارزه برای خواست های فوری اقتصادی را تا مبارزه ای سیاسی و انقلابی و تشکیل شورای سراسری کارگران در مناطق نفت خیز جنوب، آبادان، اهواز، آغاچاری، مسجد سلیمان، ماهشهر، گچساران و تهران ارتقا بخشیدید.

رفقای کارگر، با افتخار به یاد آورید مبارزات انقلابی موفق خود در صنایع فولاد، ملی حفاری و شرکت گاز و پتروشیمی های وابسته به آن در ماهشهر و عسلویه و سازماندهی اعتصاب و ایجاد تشکل های مستقل کارگری در این مراکز کارگری را.

رفقای کارگر، به یاد آورید مبارزات انقلابی و پیروزمندانه خود در نوب آهن، ایران خودرو، پارس خودرو و سایپا، کفش ملی، سازمان آب و برق، ماشین سازی اراک، تبریز، صنایع مس و معادن بافق و کرمان و ... را.

رفقای کارگر، به یاد آورید مبارزات موفق خود برای تشکیل سندیکای طبقاتی در نیشکر هفت تپه و شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه را.

این افتخارات را به سادگی کسب نکرده ایم. اینها تجاربی اند که تاریخ مبارزه طبقه کارگر ایران را غنا بخشیده است.

اکنون در آستانه اول ماه مه قرار داریم. روز کارگر روز نمایش قدرت و اتحاد طبقه کارگر و از جمله مبارزه برای تثبیت اجتماعی حداقل مزد بر اساس هزینه متوسط یک خانوار ۴ نفره شهری است (که در سال ۱۳۹۵ معادل سه و نیم میلیون تومان در ماه است).

روز اول ماه مه را با تبادل نظر و تشریح مساعی خود به آغاز مبارزه مصممانه برای ایجاد تشکل توده ای مستقل طبقاتی خود، مبارزه مصممانه برای آزادی کارگران و فعالان کارگری، معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی از زندان های رژیم اسلامی، مبارزه مصممانه با اخراج و بیکارسازی کارگران، مبارزه مصممانه برای حق بیمه بیکاری، مبارزه مصممانه برای آزادی اعتصاب و اعتراض و مزد برابر برای زنان و مردان کارگر، مبارزه مصممانه برای برابری حقوق اجتماعی زن و مرد در جامعه، و حمایت از کارگران مهاجر و ... تبدیل کنیم. این خواست ها بدون عمل مشترک همه کارگران و حمایت دیگر زحمتکشان، به پیروزی نخواهد رسید.

اتحاد طبقاتی ما نیروی عظیمی خواهد بود که هیچ قدرت دولتی قادر به درهم شکستن آن نیست. تضمین برآورده شدن خواست های اقتصادی فوری و مبرم ما و نیز تلاش برای تغییر بنیادی جامعه در جهت محو استثمار و ستم طبقاتی ایجاب می کند که وارد مبارزه سیاسی در جامعه شویم و برای به ثمر رسیدن اهداف طبقه کارگر، بر استقلال سیاسی و تشکیلاتی و نظری این طبقه پافشاری کنیم.

کارگران پروژه های پارس جنوبی

جمعی از کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندر امام

فعالان کارگری جنوب

جمعی از کارگران محور تهران - کرج

فعالان کارگری شوش و اندیمشک

۲۳ فروردین ۱۳۹۵

kargaran.parsjonobi@gmail.com

گرامی باد اول «می» روز جهانی کارگر

پیشروان جنبش کارگری 130 سال پیش به یاد کارگران شهر شیکاگو در آمریکا که در اعتراض به شرایط بد کار و زیست، بخصوص ساعات کار طولانی مورد یورش پلیس قرار گرفتند و جان باختند، روز اول «می» را روز جهانی کارگر اعلام کردند. از آن زمان تا کنون طبقه کارگر در سراسر جهان بر حسب سنت اعتراضی به نابرابریهای اقتصادی و شرایط بردگی مزدی خود تحت حاکمیت سرمایه داری در این روز متحدانه و همبسته مارش جهانی بر پا می کنند. 130 سال پیش سرمایه داری هنوز بسیاری از مناطق دنیا را تسخیر و به زیر سلطه خود در نیاورده بود و هنوز به شیوه امروز کل بشریت را با نا امنی، فقر، گرسنگی، جنگ و آوارگی و ویرانی تا این حد و حتی کشاندن تا مرز نابودی مواجه نکرده بود. هنوز بحرانهای اقتصادی در سطح جهانی قرن بیستم را نیافریده و با جنگهای جهانی و منطقه ای دنیای میلیونها انسان را بر سرشان ویران نکرده بود. امروز ستم نظام سرمایه داری دیگر منحصر و محدود به استثمار و بهره کشی از طبقه کارگر نمی شود. حرص و آز یک درصد سرمایه دار حاکم بر جهان، بشریت و کل حیات را تهدید می کند. از اینرو روز اول «می» روز همبستگی کل بشریت 99 درصدی بستوه آمده در مقابله با سرمایه داری است که با یورش گسترده به دستاوردهای رفاهی و خالی کردن سفره های اکثریت مردم و تحمیل فقر و گرسنگی، در صدد جبران کاستیهای ناشی از بحرانهای عمیق اقتصادی و در کنار آن در حال شدت بخشیدن به جنگهای منطقه ای برای حل بحرانهای سیاسی و حاکمیتی خود می باشد.

در ایران شرایط طبقه کارگر و همه مزدبگیران و ستم دیدگان جامعه ضمن متأثر بودن از اوضاع حاضر بحرانهای مختلف سرمایه داری جهانی، شرایطی مشابه با شرایط کارگران آمریکا و اروپای قرن نوزدهم را می گذرانند. از حق متشکل شدن، اعتراض و اعتصاب و برگزاری مراسم روز جهانی کارگر و غیره محرومند. به خاطر پایین بودن سطح دستمزد به میزان بیشتر از 4 برابر زیر خط فقر مجبور به تن دادن به ساعات کاریهای تا 18 ساعت در روز هستند و دهها مورد دیگر از اجحافات را متحمل شده اند. فعالین و رهبران جنبش کارگری، کارگران، معلمان و هر انسان مزدبگیر و ستم دیده ای که به شرایط غیر انسانی زیست خود اعتراض کند شدیداً سرکوب می شود و خلیها راهی بازداشتگاهها می شوند که به اتهامات امنیتی از قبیل «اقدام علیه امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام، اخلال در نظم عمومی» محاکمه می گردند. هم اکنون تعداد زیادی از فعالین جنبش کارگری و انسانهای معترض از جمله جعفرعظیم زاده و اسماعیل عبدی که در اعتراض به امنیتی کردن فعالیتهای کارگری و صنفی و تشکیل پرونده های به این اتهامات علیه فعالین و معترضان در عرصه های مذکور، اعلام کرده اند از روز دهم اردیبهشت اعتصاب غذا خواهند کرد، در زندان هستند.

این شرایط غیر انسانی و قرن نوزدهمی شایسته ما اکثریت مردم جامعه در قرن بیست و یک نیست. روز جهانی کارگر در ایران نیز روز اعتراض عمومی و متحدانه به همه مصائبی است که سرمایه داری بانی و عامل بوجود آورنده آنهاست. با بیان خواستههای خود از جمله، افزایش حداقل دستمزد به بالای خط فقر (3 میلیون و پانصد هزار تومان) پرداخت بیمه بیکاری به همه بیکاران اعم از زن و مرد و حذف اتهامات امنیتی از پرونده های فعالین جنبشهای کارگری و اجتماعی و آزادی همه آنها مراسمات روز جهانی کارگر را گرامی برگزار کنیم.

زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر

اتحادیه آزاد کارگران ایران

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

اردیبهشت 95

قطعه‌نامه مشترک کارگران خبازیهای سنندج و مریوان بمناسبت روز جهانی کارگر

کارگران، مردم شریف ایران

امسال در حالی به پیشواز اول ماه مه (روز جهانی کارگر) می‌رویم که نظام سرمایه‌داری کماکان در بحران ساختاری خود دست و پا می‌زند. اقتصاد چین همانند گلوله برفی در حال ذوب شدن است، قیمت نفت به پایین‌ترین سطح خود طی چند سال اخیر رسیده و بازارهای بورس دنیا به یک پنجم ارزش خود نزول کرده‌اند. تغییر قوانین کار و تامین اجتماعی در کشورهای بحران زده به نفع صاحبان سرمایه، ادامه سیاست جنگ افروزان آمریکا، ناتو و متحدین منطقه‌ای شان در شمال آفریقا، منطقه بالکان، خاورمیانه و... تحت لوای مبارزه با تروریسمی که خود باعث و بانی آن هستند و دهها و صدها طرح و برنامه ضد انسانی دیگر از جمله سیاست‌های تاکنونی سرمایه‌داری برای برون رفت از بحران اقتصادی بوده که چیزی جز جنگ و کشتار، آوارگی و ویرانی، فقر و فلاکت و... برای توده‌های کارگر و زحمتکش به‌مراه نداشته است.

کشور ما ایران نیز از تغییر و تحولات حاکم بر اقتصاد جهان بدور نمانده و تاکنون نتوانسته از بحرانی که سالهاست گریبان اقتصاد کشور را گرفته رهایی یابد. بیکاری در جامعه همچنان بیداد میکند، سفره کارگران زیر سایه گرانی و تورم لجام گسیخته، دستمزدهای بشدت زیر خط مرگ، عدم امنیت شغلی با رواج قراردادهای موقت و سفید امضاء و... کمرنگ تر شده است، به طوریکه طی سالهای اخیر تمامی برنامه‌های اقتصادی ارائه شده برای برون رفت از بحران، کاملاً تابعی از برنامه‌های ریاضتی دیکته شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بوده است. از قانونی کردن اخراج کارگران در قانون کار گرفته تا افزایش سن بازنشستگی به صورت پله‌کانی، افزایش ساعات کار، پایین آوردن دستمزدها، حذف تمامی حق و مزایای قانونی در برنامه ششم توسعه، همه و همه در راستای حفظ منافع صاحبان سرمایه و حامیانشان می‌باشد.

با وجود تعرضات جبهه سرمایه‌علیه معیشت طبقه کارگر، هر چند کارگران بصورت پراکنده و گاه متحده و سراسری علیه بی‌حقوقی‌های اعمال شده اعتراض کرده‌اند اما نتوانسته‌اند آنچنان باید و شاید کارفرمایان و حامیانشان را به عقب برانند. به همین خاطر هم بوده که هر سال دولت و کارفرمایان بسته به اوضاع و احوال خودشان دستمزدها را تعیین می‌نمایند نه براساس قدرت طبقه کارگر، چون اساسی‌ترین فاکتوری که در تحمیل مزدی برابر با بالاترین استانداردهای امروزی بشر نقش موثری ایفا می‌کند؛ همانا سازمانیابی طبقاتی کارگران به صورت مستقل از دولت و کارفرما در سطحی سراسری است که متأسفانه غایب است، نه در تعیین تکلیف هر تشکل یا سازمان و ارگان دیگری... ما کارگران شاغل در خبازیهای سنندج و

مربیان بدینوسیله بار دیگر اعلام می نمایم که سازمانیابی طبقاتی کارگران امری ضروری و روز آمد است که همواره در برابر ما قد می کشد و ما باید برای تحقق آن گام های استوار خویش را برداریم و از تمامی موانع پیشرو از برخوردهای انحصارطلبانه، نگاه های فرقه ای ، گرایشات خرده بورژوازی و که محلی از اعراب در جنبش کارگری ندارند، عبور کنیم.

به همین خاطر ما کارگران خبازی های سنندج و مربیان بمناسبت روز جهانی کارگر و در راستای تحقق خواست های برحق خود، مطالباتمان را به شرح زیر اعلام می داریم

1. ما حق ایجاد تشکل های مستقل کارگران ، تجمع، اعتصاب، آزادی بیان و اندیشه را خواستاریم.
2. برابری کامل زن و مرد در تمام جوانب زندگی اجتماعی و اقتصادی و لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه آنها
3. لغو کلیه احکام غیر قانونی زندان، شلاق، تبعید و... علیه فعالین صنفی کارگری و معلم
4. ممنوعیت کار کودکان، حق تحصیل رایگان برای کودکان ایرانی و اتباع خارجی
5. توقف اخراج و بیکارسازی ها، لغو کلیه قراردادهای موقت و سفید امضا
6. ما با اعلام پشتیبانی از اعتراضات برحق کارگران، معلمان، پرستاران و... حمایت قاطع خود را از ایجاد تشکل سراسری و طبقاتی کارگران، که بتواند این اعتراضها را بصورت متحدانه و یکپارچه رهبری کند اعلام می نمایم
7. ما کارگران جنگ افروزی دول غربی و متحدین منطقه ای آنان را محکوم و خواستار پایان دادن به کشتار و کوچاندن اجباری مردم بی دفاع مناطق جنگ زده دنیا هستیم
8. تعیین دستمزد 812 هزار تومانی از سوی شورای عالی کار را تحمیل مرگ تدریجی بر میلیون ها کارگر دانسته و خواهان افزایش دستمزدها متناسب با بالاترین استانداردهای امروزین بشر، برای تمامی کارگران و مزدبگیران را خواستاریم
9. ما کارگران بر این عقیده ایم که طبقه کارگر می بایست مستقیماً در تعیین سرنوشت خود دخیل باشد و ضمن اینکه هرگونه تعیین تکلیف برای کارگران از بالا را امری غیر کارگری می دانیم، خواستار لغو جلسه سه جانبه شورای عالی کار در تعیین دستمزد کارگران هستیم
10. ما کارگران مراسم های دولتی روز جهانی کارگر را مراسم هایی فرمایشی می دانیم و خواستار آن هستیم که روز جهانی کارگر به عنوان روز تعطیل در تقویم رسمی کشور گنجانده و هرگونه ممنوعیت و محدودیت در برگزاری مراسم های مستقل این روز برداشته شود

گرامی باد روز جهانی کارگر

انجمن صنفی کارگران خبازی های سنندج و حومه

انجمن صنفی کارگران خبازی های مربیان و سروآباد

اطلاعیه مشترک جمعی از کارگران خرم‌آباد بمناسبت اول ماه مه

کارگران کارخانه‌های یخچال سازی، کارگران اخراجی پارسیلون خرم‌آباد، کارگران کارخانه سامان کاشی بروجرد، جمعی از کارگران صنایع کوچک خرم‌آباد و جمعی از کارگران ساختمانی خرم‌آباد بمناسبت روز جهانی کارگر اطلاعیه مشترکی صادر کردند.

متن اطلاعیه بمناسبت روز جهانی کارگر:

ما جمعی از کارگران کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی استان لرستان، اول ماه مه روز جهانی همبستگی کارگران جهان، روز اعتراض علیه تمامی ستمها و ظلمهایی که بر ما تحمیل شده است را گرامی می‌داریم.

امسال در شرایطی به استقبال این روز می‌رویم که فقر و گرسنگی و بیکاری و مشکلات ایجاد شده از طرف ایادی و سرمایه‌داران حکومتی، برای کسب سود بیشترشان کمر ما را زیر بار مشکلات خم نموده و نان را از سفره‌هایمان ربوده و محرومیت را برایمان به ارمغان آورده‌اند.

تعیین حقوق هشتصد هزار تومانی برای سال جاری ستمی مضاعف بر ما تحمیل می‌نماید. و این به‌معنای فقر افزون‌تر بر ما و خانواده‌هایمان است.

ما امروز هم صدا و هم گام با سایر کارگران خواستار تعیین دستمزد عادلانه و در خور توجه با توجه به تورم موجود در اقتصاد کشور بوده و بر زندگی بهتر اصرار داریم.

از طرفی تعدیل نیروی کار و تعطیلی برخی از واحدهای صنعتی و تولیدی موجب بیکار شدن عده دیگری از کارگران گردیده است.

ما کارگران حمایت خود را از کارگران معترضی که برای حقوق عادلانه و قانونی خود اعتراض نموده و دستگیر و زندانی شده‌اند اعلام نموده و خواستار آزادی بی‌قید و شرط همکارانمان هستیم.

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی همبستگی کارگران

کارگران کارخانه‌های یخچال سازی

کارگران اخراجی پارسیلون خرم‌آباد

کارگران کارخانه سامان کاشی بروجرد

جمعی از کارگران صنایع کوچک خرم‌آباد

جمعی از کارگران ساختمانی خرم‌آباد





بیانیه جمعی از زندانیان سیاسی و با اتهامات غیر سیاسی دربند به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

در آستانه فرارسیدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر که تقارن جالبی با روز معلم دارد، ضمن ارج نهادن به این دو مناسبت و با استقبال از فراخوان مبتکرانه آقایان جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی مبنی بر دعوت از تمامی تشکلهای، سندیکاهای صنفی کارگران، معلمان و اعضا و گروهها و افراد آزادیخواه و معترض برای حمایت از خواستههای برحق جنبش مشترک کارگران و معلمان، که بطور واقعی خواستههایی همگانی است، تاکید داریم که موفقیت این حرکت به حق اعتراضی منوط به همیاری و نیروی محرکه کارگران، معلمان و تمامی زحمتکشان مبارزی میدانیم که که با پتانسیل عظیم خود میروند برای ساختن تغییراتی بنیادی برای داشتن زندگی ای شایسته انسان.

اینک ضمن گرامیداشت یاد و خاطره عزیزان از دست رفته شاهرخ زمانی، کورش بخشنده، فرزاد کمانگر و دهها فعال کارگری و معلمان معترضی که در راه حقوق انسانها، بویژه کارگران و معلمان، از جان گذشتند، یادآور میشویم که بی گمان در مقطعی حساس از تاریخ مبارزات آزادیخواهانه و عدالت طلبانه خود قرار داریم. در شرایطی که بی تدبیری حاکمان در عرصه امور داخلی و ماجراجویی های آنان در منطقه پر آشوب خاورمیانه، سبب ایجاد شرایط بحرانی در اقتصاد و معیشت اکثر ایرانیان خصوصا کارگران و معلمان گردیده است. و متأسفانه شاهد آنیم که حاکمیت به جای تدبیر و چاره جویی برای رفع مشکلات مردم همچون گذشته بیش از پیش تمرکز بر قوای قهریه گذاشته است.

سرکوب اعتراضات و اعتصابات کارگران و معلمان و مردم معترض، مخالفت با هر گونه تلاش برای ایجاد تشکل در میان کارگران، معلمان و تشکلهای مستقل کارگری و غیر کارگری، تهدید و فشار همراه با بازداشت و زندانی کردن تعداد کثیری از فعالین کارگری و اجتماعی و حقوق بشری. و.. همگی دال بر صحت هر چه بیشتر میلیتاریزه شدن حاکمیت است.

اما هر عقل سلیم و آزاداندیشی به سادگی در می یابد که این اوضاع و احوال دیری نمی یابد.

هم میهنان، مردم به ستوه آمده ایران!

ما زندانیان سیاسی و غیر سیاسی در بند مجدداً ضمن گرامیداشت روز جهانی کارگر و معلم بار دیگر بر خواستههای به حق کارگران، معلمان و مردم به جان آمده از فقر و این زندگی جهنمی پافشاری میکنیم:

۱- خارج کردن اتهام «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور» و دیگر اتهامات امنیتی از پرونده مفتوح کارگران و معلمان معترض و همه اکتیویست های سیاسی و لغو احکام صادر شده زندان برای آنان.

۲- افزایش دستمزدها به بالای خط فقر

۳- بیمه درمانی و تحصیل رایگان برای همه

۴- افزایش حقوق بازنشستگان به بالای خط فقر و پرداخت باموقع آن

۵- اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور و امن شدن فوری محیط های کار

۶- پرداخت فوری حقوقهای معوقه کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و حقوق بگیرانی که ماهها پرداخت حقوقشان به تعویق می افتد.

۷- زندگی شایسته برای تمام کودکان و برخورداری آنها از حق تحصیل رایگان و یک زندگی شاد

۸- برابری کامل زن و مرد

۹- لغو مجازات اعدام

۱۰- رفع تبعیض حقوق کارکنان دولت

۱۱- رعایت مواد ۱ و ۴۱ قانون کار و نیز ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد و مقاله نامه های سازمان جهانی کار

در پایان اعتراض خود را به ازدیاد فشار های نهادهای امنیتی اطلاعاتی بر تمام فعالین کارگری و اجتماعی در زندان و در بیرون از زندان از جمله بر روی آقایان محمود صالحی، رضا شهابی، داود رضوی، امددی علیرضا بهشتی، محمد رضا آغوشی و بسیاری از فعالین کارگری و معلمان معترض و بسیاری دیگر اعلام میداریم..

ما از همه کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، جمعیت عظیم بیکاران، خانواده های کارگری و همه محرومان جامعه میخواهیم در اول مه با اتحاد و همبستگی به میدان آیند تا ضمن دفاع از خواستهای بر حق خود و برای دست یابی به یک زندگی بدور از بردگی و استثمار به میدان آیند و خواستار آزادی فوری همه کارگران زندانی، معلمان در بند و زندانیان سیاسی شوند.

در آخر خوبست متذکر شویم. که شنیده ایم افرادی معدود تحت عنوان فعال کارگری و معلم با تنگ نظری و خرده حسابهای شخصی، طی بیانیه ای تلاش کرده اند، حرکت ارزشمند دوستان همبندمان جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی را که به راستی صدای اعتراض همه ما کارگران زندانی و زندانیان دربند را نمایندگی کرده اند، تحت عنوان اینکه اینها فرد هستند، و غیره، تخطئه کنند. اگر چه نتوانستند، در برابر حقانیت خواسته آنان سکوت کنند. این افراد چشمشان را بر این واقعیت بسته اند، که در شرایطی که خبری از حق تشکل و حق بیان آزاد عقیده نیست، و هر حرکت و اعتراضی در این راستا همانطور که دوستان ما جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی اعلام کرده اند، با مهر اخلاص در امنیت ملی کشور، با پیگرد و زندان روبرو میشود، حتی اگر یک نفر هم صدایش را بلند کند و در برابر این وضعیت قد علم کند، باید با حمایت وسیع و گرم ما کارگران، ما معلمان و ما مردم روبرو شود. این افراد میتوانستند سکوت کنند، اما این کار آنها چیزی جز تفرقه افکنی و به ضرر ما کارگران و ما زندانیان دربند نیست. اگر چه این نوع بحث ها ذره ای از حقانیت موضوع کم نکرده و کم هم نخواهد کرد.

برقرار باد اتحاد کارگران، معلمان و تمامی زحمتکشان ایران گرامی باد اول مه روز همبستگی کارگران و معلمان

امضا ها

زندانیان با اتهامات سیاسی: ۱- مهدی عظیمی، ۲- محمد جراحی از زندان تبریز، ۳- بهنام ابراهیم زاده، ۴- زانیا مرادی، ۵- رمضان احمد کمال، ۶- وحید موسوی، ۷- محمد

ابراهیمی، ۸- احمد کریمی، ۹- ناصر حمیدی شهرابی

۱۰- ابراهیم پیروزی، ۱۱- حمید نوروزی، ۱۲- مسعود عرب چوپدار، ۱۳- رضا کاهی، ۱۴- حسن کلکاوند

۱۵- ایرج حاتمی، ۱۶- علیرضا فراهانی

زندانیان با اتهامات غیر سیاسی:

اسماعیل سفری، جواد انبار، سامان محمدی، شکرالله یاری، مجید عابدینی، حسین کریمی، خداداد حسنی، رضا قاسمی، محمد طاهری، سعید احمدی، مجید آسف خانی، علیرضا

ناصر، اسد محمدی، آرش وصلی، شهاب افشار زاده

دانیال حسن یاری، سعید عباسپور، حسن حسین پور، رحیم نظری، ناصر بابایی، داود جهانگیری، فاضل دین پرور

احمد پوررنگ، احمد نیک نژاد، میر محمد موسوی، از زندان رجایی شهر

مبارزه ای که در اعماق جامعه جاری است، نابود شدنی نیست!

دوشادوش هم، متحد و متشکل علیه ستم و استثمار

نظام سرمایه داری، جهان را بیش از پیش به ورطه دائمی فقر، بیکاری، گرسنگی، جنگ و آوارگی و تخریب منابع زیست رانده است. این نظام برای نجات از بحران های ذاتی اش، هستی و وضعیت تأمین معاش کارگران و توده های زحمتکش را به فاجعه کشانده است.

«راه حل اقتصادی» طبقه سرمایه دار و دولت های سرمایه داری در این شرایط عبارتند: از تشدید باز هم بیشتر استثمار کارگران و ستم بر آنان برای افزایش ارزش اضافی حاصل از کار کارگران و انداختن بار بحران به دوش آنها، باز پس گرفتن دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی طبقه کارگر، تعطیل کردن یک رشته بنگاه ها و مؤسساتی که سودآوری شان را «کافی» نمی دانند و افزودن بر خیل بیکاران تا از این طریق زمینه های از سرگیری فعالیت برای بزرگترین بنگاه ها که توانائی ادامه حیات دارند آماده شود. بزرگترین قدرت های سرمایه داری می کوشند این الگو را بر همه کشورها تحمیل کنند.

«راه حل سیاسی» طبقه سرمایه دار و دولت های سرمایه داری تلاش برای تثبیت و تداوم سلطه سیاسی استثمارگران، به اطاعت درآوردن کارگران و دیگر زحمتکشان، سرکوب و یا منحرف کردن جنبش های آنان است. طبقه سرمایه دار و دولت های سرمایه داری همین سیاست را در عرصه بین المللی و جهانی نیز به عمل درمی آورند: تجاوز نظامی، سرکوب جنبش های آزادی خواهانه و استقلال طلبانه و تحمیل سیاست بزرگترین قدرت های سرمایه داری با استفاده از اهرم های اقتصادی و سیاسی؛ حمایت از دولت های مرتجع کشورهای عقب مانده و دار و دسته های جنایتکار، ایجاد بلوک ها به نفع این یا آن قدرت، تحمیل خواست های خود از طریق نهادهای بین المللی بر جهان. یک جلوه دیگر از ددمنشی نظام سرمایه داری افزایش قدرت و نفوذ سیاسی احزاب فاشیست و نژادپرست است که برای تسخیر قدرت سیاسی در کشورهای سرمایه داری و یا دست کم اجرای برنامه هایشان از جانب احزاب دیگر تلاش خود را افزایش داده اند.

نظام سرمایه داری ایران در زمینه اقتصاد و سیاست همین الگوهای را که در بالا ذکر شد به کار می بندد با این تفاوت که به خاطر شرایط ویژه ایران، هم در عرصه اقتصادی و هم در عرصه سیاسی، فشار وارد بر کارگران و زحمتکشان در ایران از فشار و ستمی که بر هم طبقه ای های ما در کشورهای پیشرفته سرمایه داری وارد می شود به مراتب بیشتر و شدیدتر است. مصداق این واقعیت: تعیین مزد حداقل کارگران ایران برای سال ۱۳۹۵ معادل ۸۱۱ هزار و ۶۸۰ تومان در ماه یعنی کمتر از یک سوم خط فقر و کمتر از یک چهارم متوسط هزینه زندگی یک خانواده چهار نفره شهری توسط شورای عالی کار، در ماه گذشته است. هنوز مرکب بخشنامه حوزه قضائی دادگاه عمومی بندر امام، که هشدار می داد در صورت لزوم کشتار کارگران خاتون آباد بار دیگر در مورد سایر کارگران می تواند تکرار گردد ("از این تاریخ با هر گونه تجمع غیر قانونی و اخلال در نظم شرکت ها، برخورد خواهد شد.")، خشک نشده بود که به گلوله بستن بیرحمانه کارگران بیکار و جوانان جویای کار روستای شهبویه از توابع بهبهان در استان خوزستان و به خون غلطین «مرتضی فرج نیا»، در آذر ماه ۹۴ توسط نیروی انتظامی، نشان داد که کشتار کارگران بیکار (که سابقه طولانی آن به کشتار کارگران بیکار اندیمشک در سال ۱۳۵۸ می رسد) نشانه ضعف حاکمان کارگرکش در پاسخ گویی به بیکاری کارگران است. حضور صدها کارگر و فعال کارگری، اجتماعی و سیاسی زندانی در بازداشتگاه های ایران

که «جرمی» جز خواست زیستن همچون انسان متمدن امروزی ندارند، همه و همه بیانگر گوشه کوچکی از ستم و استثمار است که بر کارگران ایران اعمال می شود.

اما در چنین وضعیت و درست به خاطر چنین وضعیتی طبقه کارگر می تواند و باید اوضاع را تغییر دهد! برای این کار باید تنها به نیروی پایان ناپذیر خود و دیگر زحمتکشان تکیه کند؛ به مدیران اقتصادی، سیاسی و اداری سرمایه داری کوچک ترین اعتمادی نداشته باشد و فریب ایدئولوژی پردازان رنگارنگ طبقه سرمایه دار را نخورد. طبقه کارگر باید با سیاست مستقل خود و با سازمان های مستقل خود (ضرورت ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری و حزب سیاسی مستقل طبقه کارگر) وارد عمل، به ویژه وارد میدان مبارزه اقتصادی و مبارزه سیاسی، شود. تا هنگامی که این طبقه وارد مبارزه سیاسی مستقل خود نگردد، امیدی به تغییر و تحول واقعی نیست. طبقه کارگر باید چشم انداز روشنی از تحول جامعه و آگاهی عمیقی از اهداف خود و اراده محکمی برای تحقق آنها داشته باشد و این آگاهی و چشم انداز و راه دست یابی بدان را به توده های وسیع مردم منتقل کند.

کارگران با چنین نگرشی و با اتحاد و همبستگی و مبارزه پیگیر می توانند نه تنها اوضاع موجود را به نفع خود تغییر دهند بلکه زمینه های ایجاد جامعه ای فارغ از ستم و استثمار در سراسر جهان را فراهم کنند.

ما خواستار مبارزه مشترک و همکاری با همه نیروهای طرفدار آزادی طبقه کارگر هستیم. ما اتحاد و همبستگی کارگران همه کشورهای را یک اصل بزرگ و اساسی بین المللی می دانیم و برای تحقق این وظیفه خطیر تلاش می کنیم. ما برآنیم که مبارزه مشترک برای خواست های زیر که اکثریت قریب به اتفاق آنها تاکنون از سوی اغلب کارگران پیشرو، فعالان کارگری و سازمان های سیاسی مدافع آزادی طبقه کارگر مطرح شده اند می توانند و باید به محورهایی برای همکاری وسیع سازمان های کارگری تبدیل گردند.

مبارزه برای خواست های فوری اقتصادی و اجتماعی طبقه کارگر:

- به رسمیت شناختن حق تشکل های مستقل کارگری (مستقل از دولت و همه نهادهای حکومتی، از کارفرمایان، از احزاب سیاسی و نهادهای مذهبی) در همه رشته های فعالیت اقتصادی، اجتماعی، اداری، فرهنگی و غیره.
- حق شرکت و دخالت سازمان های مستقل کارگری در تدوین قانون کار.
- به رسمیت شناختن حق انعقاد پیمان های جمعی کار بین کارگران و کارفرمایان.
- برقراری بازرسی کارگری مرکب از نمایندگان منتخب کارگران با حقوق و اختیارات کافی برای نظارت بر شرایط کار در همه مؤسساتی که در آنها کار مزدی انجام می شود.
- برقراری حداکثر ۴۰ ساعت کار و دو روز متوالی استراحت در هفته، و حداقل یک ماه مرخصی در سال با حقوق و مزایای کامل، برای کارگران مزدی.
- تعیین حداقل مزد براساس هزینه متوسط خانوار شهری (بر طبق آمار بودجه خانوار) و افزایش آن به نسبت تورم و بارآوری اجتماعی کار با تأیید نمایندگان منتخب کارگران. بر همین اساس پافشاری بر مزد حداقل سال ۱۳۹۵ به میزان سه و نیم میلیون تومان در ماه.
- آزادی بی قید و شرط کارگران و معلمان زندانی و تمام زندانیان سیاسی و عقیدتی.
- ممنوعیت کار کودکان و نوجوانان کمتر از ۱۶ سال و محدود کردن کار کارگران ۱۶ تا ۱۸ ساله به حداکثر ۴ ساعت کار در روز.
- رفع هرگونه تبعیض جنسی، دینی، ملی و قومی در استخدام، تصدی مشاغل و مسئولیت ها و حقوق و مزایا و غیره.
- مزد برابر زنان با مردان برای کار برابر.

- حق بیمه عمومی بیکاری برای کارگران بیکار و همه جویندگان کار.
- بیمه درمان
- تعطیل رسمی و با حقوق روز اول ماه مه در همه مؤسساتی که کارگران مزدی در آنها به کار اشتغال دارند.
- حق بازنشستگی کارگران پس از حداکثر سی سال کار یا شصت سال سن بر مبنای بالاترین حقوق دریافتی؛ افزایش سالانه حقوق آنان به نسبت افزایش مزد کارگران شاغل؛ کاهش میزان حداکثر سنوات کار و یا سن بازنشستگی در مشاغل دشوار و خطرناک: تعیین این امور در صلاحیت اتحادیه های کارگری مستقل و دیگر ارگان های منتخب کارگران است.
- مرخصی زایمان به میزان حداقل ۴ ماه با حقوق و مزایای کامل برای زنان کارگر شاغل یا بیکار؛ تقبل همه هزینه های مراقبت و درمان پیش و پس از زایمان توسط سازمان بیمه های اجتماعی.
- تضمین پرداخت مزد کارگران در پایان هر ماه برای کاری که انجام داده اند، توسط دولت، در صورتی که کارفرما به هر دلیل از پرداخت آن شانه خالی کند.
- ممنوعیت بستن کارخانه ها توسط کارفرمایان بدون تأیید اتحادیه های کارگری یا دیگر سازمان های منتخب کارگران.
- ممنوعیت اخراج کارگران توسط کارفرمایان بدون تأیید اتحادیه های کارگری یا دیگر سازمان های منتخب کارگران.
- بازگشت فوری کارگرانی که به علت مبارزه برای خواست های کارگری زندانی و اخراج شده اند به کار خود؛ رفع اتهام و منع تعقیب آنها و پرداخت حقوق و مزایای مدتی که از کار برکنار شده بودند.
- آموزش رایگان در تمام سطوح برای همه؛ آموزش اجباری تا پایان ۱۶ سالگی برای همه کودکان و نوجوانان دختر و پسر؛ تأمین رایگان کتاب ها و وسایل درسی؛ تأمین دست کم یک وعده غذا برای دانش آموزان.
- بیمه درمانی رایگان برای همه کسانی که تحصیل می کنند.
- مبارزه برای تأمین مسکن مناسب برای همه.
- برابری حقوق کلیه کارگران ساکن ایران فارغ از ملیت، جنسیت و مذهب آنان و رفع هر نوع تبعیض به ضد همه کارگران مهاجر یا دیگر کارگران سایر ملیت ها که در ایران شاغل و یا ساکن اند.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگران!

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران همه کشورها برای محو استثمار از جهان!

کارگران پروژه های پارس جنوبی،

جمعی از کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندر امام

فعالان کارگری جنوب،

جمعی از کارگران محور تهران - کرج،

فعالان کارگری شوش و اندیمشک

اردیبهشت ۱۳۹۵

kargaran.parsjonobi@gmail.com

از سری جلسات تجارب و مباحث کارگری

جنبش کارگری و مبارزه متشکل برای افزایش مزد

سخنران: سهراب شباهنگ عضو هیئت تحریریه نشریه خیزش

نهادهای همبستگی به برگزاری یک سلسله جلسات عمومی با فعالین کارگری و با عضو تشکلهای و نهادهای کارگری، برای انتقال تجربه و بحث حول مسائل مهم سیاسی جنبش کارگری و ... برای کمک به ایجاد تشکلهای مستقل کارگری در دوره حاضر میپردازد.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

جلسه در مورد جنبش کارگری و مبارزه متشکل برای افزایش مزد در یکشنبه 17 آوریل برگزار شد. در زیر صحبت‌های سهراب شباهنگ را ملاحظه میکنید. جلسه مباحث مهم و ضروری در مورد جنبش کارگری و جنبش طبقاتی کارگران را به بحث و گفتگوی جمعی گذاشت. ادامه این مباحث لازم بوده و در برنامه های آتی اتاق تجارب و مباحث کارگری در دستور کار قرار خواهد داد.



جنبش کارگری و مبارزه متشکل برای افزایش مزد

این نوشته مبنای یک سخنرانی است که در جلسه پالتاکی «نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران - خارج از کشور» در تاریخ ۱۷ آوریل ۲۰۱۶ ایراد شد.

سهراب شباهنگ

با درود به همه حضار و با سپاس از رفقای «نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران - خارج از کشور» در برگزاری این جلسه پالتاکی و به خاطر دعوتی که از من برای شرکت و ارائه گفتاری در آن کرده اند. موضوع گفتار من «جنبش کارگری و مبارزه متشکل برای افزایش مزد» است. این موضوع سه مفهوم مهم را در برگیرد: **جنبش کارگری، مزد و تشکل** که خود این مفاهیم بر مفاهیم بنیادی تری استوارند. از این رو من نخست به طور مختصر به آن مفاهیم بنیادی می پردازم و تعریف و دریافتی را که از آنها دارم بیان می کنم تا از یک سو مسیر بحث و سمت پیشروی آن مشخص باشد و از سوی دیگر رابطه نزدیک بحث حاضر که مربوط به مسایل روز و خواست های فوری است با شرایط عمومی تر اقتصادی و سیاسی ای که طبقه کارگر با آنها درگیر است روشن تر گردد. افزون بر آن پرداختن به مفاهیم بنیادی باعث استحکام نظری و استواری پایه علمی خواست های کارگران پیشرو و سازمان های سیاسی انقلابی می شود. چنین برخوردی از جمله نشان خواهد داد که خواست مزد حداقل به میزان سه و نیم میلیون تومان در ماه برای سال ۱۳۹۵، پایه و اساس دارد و براساس فانتزی چند فعال کارگری و یا شعار «هرچه بیشتر بهتر»، طرح نشده است. می دانیم که خواست مزد حداقل سه و نیم میلیون تومان در ماه برای سال ۱۳۹۵ از جهات مختلف مورد حمله بورژوازی و بخش هایی از روشنفکران و اقتصاددانان قرار گرفته است که در ادامه این بحث به این انتقادات اشاره خواهم کرد و پاسخ خواهم داد.

جنبش کارگری با مقولات بنیادی تری مانند کارگران یا طبقه کارگر و به طور عام تر با طبقه یا طبقات اجتماعی و مبارزه طبقاتی پیوند دارد. در واقع جنبش کارگری نام دیگری از مبارزه طبقاتی است و با حوزه ها و شکل های مختلف این مبارزه مربوط است.

بدین سان من **جنبش کارگری** را صرفاً اسم دیگری از روند تاریخی مبارزه طبقه کارگر برای خودآزادی این طبقه و آزادی کل بشریت از استثمار و نظام طبقاتی می دانم. اطلاق جنبش کارگری صرفاً به جنبش خودجوش یا جنبش اتحادیه ای یا صرفاً به اعتصابات و تظاهرات، رویکردی یک جانبه است، همان گونه که اطلاق این نام تنها به جنبش انقلابی کارگران یا فقط جنبش سیاسی طبقه کارگر نیز یک جانبه است. مبارزه طبقاتی پرولتاریا مبارزه ای همه جانبه و بیچیده است که اجزا و مؤلفه های آن در طول تاریخ این مبارزه و در سطح جهانی شکل گرفته و در یک کل واحد عجین شده اند.

ترتیب این مقولات به لحاظ منطقی چنین است: طبقه اجتماعی، مبارزه طبقاتی، طبقه کارگر یا پرولتاریا، مبارزه طبقاتی پرولتاریا و مضمون آن. من نخست به تعریف این مقولات می پردازم.

طبقه اجتماعی

من در نوشته های مختلف تقسیم بندی جامعه به «طبقه بالا»، «متوسط» و «پائین» را نقد کرده ام (مثلا رجوع کنید به «صنف» یا طبقه؟ "مبارزه صنفی" یا مبارزه طبقاتی با سرمایه داری در عرصه اقتصادی - اجتماعی؟» آبان ۱۳۹۲ و «طبقه اجتماعی» یا «طبقه اجتماعی» و ویژگی های ساختار اقتصادی - اجتماعی ایران» شهریور و مهر ۱۳۹۳. این دو نوشته در سایت آدرخش قابل دسترسی اند.) در اینجا مجال بازگویی معایب این تعریف بورژوائی و عامیانه از طبقه - که متأسفانه از سوی برخی از فعالان چپ هم تکرار می شود - نیست. درک من از طبقه، تعریفی است که لنین در مقاله «آغاز بزرگ» [ابتکار عظیم] که در ژوئن ۱۹۱۹ نوشته، از این مقوله ارائه داده است. این تعریف چنین است:

«طبقات، گروه های بزرگی از مردم اند که برحسب جایگاهشان در نظام تاریخاً تعیین شده تولید اجتماعی، برحسب روابط شان با وسایل تولید (که در غالب موارد در قانون تثبیت و فرمول بندی شده)، برحسب نقش شان در سازمان اجتماعی کار، و در نتیجه برحسب شیوه تصاحب سهم شان از ثروت اجتماعی و ابعاد این ثروت، از یکدیگر متمایز می شوند. طبقات، گروه هائی از مردم اند، که به خاطر جایگاه های متفاوتی که در نظام معین اقتصاد اجتماعی دارند، یکی از آنها می تواند [ثمره] کار دیگری را تصاحب کند».

بدین سان طبقات بر اساس روابط تولیدی یا ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه تعریف می شوند و رابطه بین طبقات، و همچنین چگونگی سهم بری از تولید اجتماعی و استثمار فرد از فرد متکی بر روابط تولیدی است. علت اصلی استثمار، شکل معین روابط تولیدی و اقتصادی و جایگاه متفاوت افراد در این روابط است. در جامعه سرمایه داری طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار طبقات اصلی را تشکیل می دهند که نظام سرمایه داری متکی بر آنهاست. خرده بورژوازی شهر و روستا و زمینداران مدرن دو طبقه دیگر این جامعه اند.

طبقه کارگر

منظور من از طبقه کارگر یا کارگران مزدی، کلیه کسانی هستند که فاقد وسایل تولید و وسایل معیشت اند و برای گذران زندگی، نیروی کار خود را در بازار کار به عنوان یک کالا به صاحبان وسایل تولید و زندگی برای فروش عرضه می کنند. منظور از نیروی کار یا توانائی کار، مجموع توانائی های بدنی و فکری یک آدم برای تولید محصولات مادی و خدمات است.

طبقه کارگر نه تنها کارگران مزدی کارخانه ها، کارگاه ها، معدن ها، کارگاه های ساختمانی، کارگران مزدی در رشته های مختلف کشاورزی، دامداری، ماهیگیری، جنگل داری و غیره، بلکه کارگران مزدی خدمات گوناگون مانند حمل و نقل، بندر ها، انبار ها، پست، مخابرات و ارتباطات، فناوری اطلاعات، بخش اعظم آموزگاران، دبیران، مدرسان دانشگاه ها، پرستاران، بهورزان و بهیاران و دیگر کارکنان مزدی بیمارستان ها و درمانگاه ها، کارکنان عادی بانک ها و شرکت های بیمه، کارکنان مزدی فروشگاه ها و دیگر بنگاه های تجاری، بسیاری از کارمندان ادارات، شهرداری ها و غیره بجز مدیران و کادرها در همه موارد یاد شده را نیز دربر می گیرد. محدود کردن طبقه کارگر تنها به کارگران پیدی

یا محدود کردن کارگران صرفاً به کارگران مولد (اعم از فکری و بدنی)، نگرشی تقلیل گرایانه است. البته نیروهای سرکوبگر را، هر چند مزد بگیرند و هر چند ممکن است وضع زندگی بخش های زیادی از آنها نامساعد و ناگوار باشد، به خاطر عملکردشان در مبارزه طبقاتی و به دلایل سیاسی جزء طبقه کارگر به حساب نمی آوریم.

طبقه سرمایه دار

وجود طبقه کارگر در جامعه، به معنی جدا شدن همه یا دست کم بخش مهمی از تولید کنندگان مستقیم از وسایل تولید و تجمع وسایل تولید یا بخش عظیم و تعیین کننده آن وسایل در دست یک اقلیت و یا زیر کنترل یک اقلیت است. وسایل تولید اساساً از دو بخش تشکیل شده اند: الف) سرمایه و ب) زمین و دیگر منابع طبیعی. (در اینجا آن وسایل تولیدی، اعم از زمین و دیگر منابع طبیعی و ابزار کاری، که توسط تولید کنندگان خرد مستقل به کار گرفته می شوند و بخش کوچکی از کل وسایل تولید در جامعه سرمایه داری را تشکیل می دهند، مورد نظر ما نیست، زیرا ما روابط تولید سرمایه دارانه را بررسی می کنیم.)

منظور از سرمایه در درجه اول آن وسایل تولید مصنوع مانند ابزارهای دستی، ماشین آلات و تجهیزات، ساختمان ها و تأسیسات تولیدی، وسایل حمل و نقل، ارتباطات و اطلاعات، راه ها، کانال ها، شبکه ها، بندرها، انبارها، سیلوها، سدها و غیره، و نیز مواد خام و کمکی و انرژی ای هستند که در رابطه تولید سرمایه دارانه کالاها و خدمات، یعنی از طریق استخدام کارگر مزدی، به کار گرفته می شوند.

صاحبان این وسایل تولید یا کسانی که آنها را به نفع مالکان خصوصی (یا در خدمت یک اقلیت) تصاحب و کنترل می کنند طبقه سرمایه دار را تشکیل می دهند. اما سرمایه به وسایل تولیدی که در بالا توصیف شد محدود نمی شود. سرمایه داران علاوه بر داشتن این وسایل - که آنها را سرمایه ثابت می نامیم -، و علاوه بر در اختیار داشتن منابع طبیعی (که یا به خودشان تعلق دارد یا از زمینداران و یا از مؤسسات دولتی و غیره اجاره می کنند)، باید منبعی هم در اختیار داشته باشند تا بتوانند نیروی کار را خریداری کنند. این منبع عبارت است از پولی که با آن نیروی کار خریداری می شود یعنی مزدی که به کارگران برای ادامه زندگی و تداوم نیروی کارشان پرداخت می شود. خلاصه اینکه سرمایه دار علاوه بر سرمایه ثابت باید سرمایه دیگری برای خرید نیروی کار در اختیار داشته باشد که سرمایه متغیر نامیده می شود.

همچنین وجود طبقه کارگر در جامعه مستلزم سطح معینی از تکامل نیروهای مولد و در نتیجه بارآوری کار اجتماعی است به طوری که مقدار تولید مولد مستقیم (کارگر) در زمان معین از هزینه نیروی کار او (یا ارزش نیروی کار او یا مزد) برای آن زمان بیشتر باشد. بدین سان خریدار نیروی کار یا سرمایه دار با خرید این کالا (نیروی کار) و مصرف آن (یعنی به حرکت درآوردن نیروی کار در روند تولید)، مقداری محصول اضافی (یعنی افزون بر هزینه های تولید) به دست می آورد که تجسم کار پرداخت نشده یا رایگانی است که از کارگر فروشنده نیروی کار استثمار کرده است و ارزش اضافی نام دارد. استثمار ارزش اضافی اساساً به خاطر وجود رابطه تولیدی معین یعنی شرایط و شکل کار در شیوه تولید سرمایه داری امکان می یابد. بدین سان کارگر اساساً در اثر جبر اقتصادی (نداشتن وسایل تولید و وسایل معیشت) است که استثمار می شود نه جبر بدنی یا قهر سیاسی.

صاحبان زمین و دیگر منابع طبیعی (جنگل ها، منابع طبیعی آب، بیشه ها، چراگاه ها، معادن و غیره) یعنی صاحبان وسایل تولیدی که مصنوع نیستند را می توان زمیندار نامید. گاهی سرمایه داران، یعنی صاحبان وسایل تولید مصنوع،

در عین حال صاحب منابع طبیعی هم هستند اما غالباً این منابع را از زمینداران یا دولت و یا دیگر مؤسسات اجاره می کنند. اجاره پرداختی این منابع به صاحبان منابع طبیعی از ارزش اضافی ای که از کارگران مزدی مولد بخش های مختلف صنعت، کشاورزی و خدمات تولید می کنند، تأمین می شود. البته صاحبان منابع طبیعی می توانند زمین یا دیگر منابع طبیعی را به دهقانان، صنعتگران و غیره هم اجاره دهند. این زمینداران، که می توان آنها را زمینداران مدرن در جامعه سرمایه داری نامید، زمیندار فئودال به حساب نمی آیند چون اجاره زمین ها و دیگر منابع شان نه از رعیت های وابسته به زمین بلکه اساساً از طریق استثمار کارگران - با میانجی گری سرمایه داران تولیدی در کشاورزی، صنعت و معدن و غیره - به دست می آید. بخش دیگری از اجاره هم از دهقانان آزاد گرفته می شود و نه از رعیت وابسته به زمین یا ارباب.

سرمایه داران رشته های مختلف تولیدی برای توسعه سرمایه گذاری ممکن است از بانک ها یا دیگر مؤسسات مالی یا اشخاص خصوصی وام بگیرند. بهره این وام ها نیز از ارزش اضافی استثمار شده از کارگران مولد بخش های مختلف صنعت، کشاورزی و خدمات تأمین می گردد. بدین سان ارزش اضافی استثمار شده از کارگران مولد نه تنها منبع معیشت سرمایه داران تولیدی، تجاری و بانکی و نیز زمینداران است بلکه مهم تر از آن منبع انباشت و افزایش سرمایه و دارائی آنها هم هست. به عبارت دیگر: ارزش اضافی ای که از طبقه کارگر استثمار می شود منبع اصلی سود سرمایه دار تولیدی و تجاری، اجاره زمین و دیگر منابع طبیعی که در تولید سرمایه دارانه مورد بهره برداری قرار می گیرند و بهره وام - سرمایه ای است که از سوی بانک ها و دیگر مؤسسات یا اشخاص در اختیار مؤسسات تولیدی و تجاری قرار می گیرد. بخش اعظم هزینه های دولتی نیز از همین ارزش اضافی تأمین می گردد.

خرده بورژوازی

ویژگی اقتصادی - اجتماعی خرده بورژوا در این است که برخلاف طبقه کارگر، صاحب وسیله تولید و کار خود و در نتیجه صاحب محصول کار خویش است، و برخلاف طبقه سرمایه دار، تمامی یا بخش عمده درآمدش ناشی از کار اوست و نه مالکیتش بر وسایل تولید. بدین سان خرده بورژواها بین سرمایه داران (و زمینداران) از یک سو، و کارگران از سوی دیگر قرار دارند. از این رو، دهقانان خرده مالک آزاد، پیشه وران و صنعتگران مستقل، دکان داران و اکثر صاحبان مشاغل آزاد، بخش وسیعی از نویسندگان، هنرمندان، روزنامه نگاران و مانند آنها از نظر اقتصادی - اجتماعی خرده بورژوا هستند. خرده بورژوا در روند تولید و مبادله در جامعه سرمایه داری، نه نیروی کار بلکه اساساً محصول کار خود را در شکل کالا یا خدمات به فروش می رساند. اگر وسیله تولید یا وسیله کاری که در اختیار دارد برای تأمین زندگی اش کافی نباشد مجبور می شود مانند کارگران مزدی، بخشی از نیروی کار خود را در بازار کار بفروشد: دهقانان کم زمین و پیشه وران و صنعتگران تهی دستی که مجبورند برای تأمین زندگی خود بخشی از سال را به کارگری بپردازند از این جمله اند. به عکس، این وضعیت نیز وجود دارد که وسیله تولید و کار خرده بورژوا به اندازه ای باشد که خود یا خانواده اش به تنهایی قادر به بهره برداری از آن نباشند. وضعیتی که به او امکان استخدام کارگران مزدی را می دهد و در این صورت بخشی از درآمدش از استثمار کار دیگران تأمین خواهد شد. این وضعیت نیز باعث می شود که خرده بورژوازی همچون طبقه ای بین بورژوازی و پرولتاریا به حساب آید.

مبارزه طبقاتی پرولتاریا و مضمون این مبارزه: خودآزادی طبقه کارگر

نیروی محرک مستقیم تاریخ، مبارزه طبقاتی است که منکی بر تضاد بین نیروهای مولد و روابط تولیدی است اما عکس برگردان یا رونوشت ساده آن نیست.

استثمار کارگران توسط سرمایه داران، یا کار توسط سرمایه، علت و پایه اصلی مبارزه طبقاتی پرولتاریا را تشکیل می دهد. در نظام سرمایه داری نه تنها کارگران استثمار می شوند و شدت این استثمار (یا نرخ ارزش اضافی) با افزایش بارآوری کار و با پیچیده شدن روش ها و سازماندهی کار بیشتر می شود بلکه در عین حال این نظام آستن بحران های بزرگ اقتصادی و سیاسی، سرچشمه جنگ های تجاوزگرانه و غارتگرانه، استثمار کهن و نو، تولید و کاربرد و اشاعه سلاح های کشتار جمعی، تکیه گاه اصلی اختناق و سرکوب سیاسی، و اعمال ستم ها و تبعیض های جنسیتی، ملی، نژادی، دینی، فرهنگی و غیره است. سرمایه داری عامل اصلی از خود بیگانگی کارگر و به طور کلی فرد است. نظام سرمایه داری بزرگترین مخرب طبیعت و محیط زیست است. این نظام، زندگی کارگران و اکثریت مردم را همواره در معرض فقر و بیکاری، ناامنی و بی اعتمادی به آینده، جنگ های تجاوزگرانه و جنگ های بنیان کن جهانی قرار داده و می دهد.

بدین سان مضمون مبارزه طبقاتی پرولتاریا و فرجام این مبارزه، همچون طبقه ای که هیچ نفع و آینده ای در نظام سرمایه داری ندارد، تنها می تواند برانداختن این نظام و هر نظام طبقاتی استثمارگر و ستمگر دیگر باشد. مضمون مبارزه پرولتاریا، برانداختن نظام بردگی مزدی و رها ساختن خود و تمام بشریت از استثمار و نظام طبقاتی به طور کلی است. این رهائی توسط خود طبقه و با نیروی فکری، سیاسی و فیزیکی خود او باید صورت گیرد. خودآزادی طبقه کارگر یکی از بنیادی ترین اصول سوسیالیسم علمی است. همان گونه که در اسناد بنیادی انترناسیونال اول آمده: "آزادی طبقه کارگر امر خود طبقه کارگر است".

وجوه مختلف مبارزه طبقاتی پرولتاریا؛ شکل های مختلف طبقاتی پرولتاریا

مبارزه طبقه کارگر با سرمایه داری و با کل نظام طبقاتی، مبارزه ای همه جانبه است که باید در حوزه های مبارزه اقتصادی، مبارزه سیاسی و مبارزه نظری و به طور هماهنگ و در جهت اهداف عمومی و جهانی پرولتاریا و اهداف ویژه مبارزه کارگران هر کشور ادامه داشته باشد.

مبارزه اقتصادی طبقه کارگر مبارزه ای روزانه است. کارگران هر روز و هر ساعت استثمار می شوند و هر روز و هر ساعت اعتراض و مقابله و مقاومت از نفس زندگی کارگران برمی خیزد. اما رفع نیازهای روزانه و مبارزه برای بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی و غیره نه تنها برای حل مسایل زندگی روزانه، بلکه برای تدارک و تمرین مبارزات بزرگ آینده نیز ضرورت دارد.

یکی از محورهای مهم و دائمی مبارزه اقتصادی طبقه کارگر به ضد نظام سرمایه داری مبارزه برای افزایش مزد است. زیرا همان گونه که دیدیم سرچشمه ارزش اضافی ای که از کارگر استثمار می شود عبارت است از تفاوت بین ارزشی که کارگر در زمان معینی تولید می کند و مزدی که بابت این کار می گیرد. بنابراین اگر کارگران در مبارزه با سرمایه داران و دولت سرمایه داری موفق شوند مزد بیشتری به دست آورند به معنی این است که کمتر استثمار شده اند (به

شرط ثابت ماندن دیگر عوامل). البته سرمایه داران همواره می کوشند با افزایش بارآوری کار و ایجاد ارتش بیکاران یا شدت استثمار را بالا ببرند و یا با افزودن عرضه نیروی کار دوباره مزدهای افزایش یافته را کاهش داده به حالت قبل برگردانند. اما اینها توجیه گر عدم مبارزه برای افزایش مزد نیست زیرا اولاً تا به ثمر رسیدن این دو روند سرمایه داری برای مبارزه با افزایش مزد، مدتی زمان لازم است و ثانیاً موفقیت کارگران در مبارزه آنان را برای مبارزات آتی دلگرم تر و آبدیده تر می کند و ثالثاً افزایش مزد به معنی به دست آوردن بهبودی هرچند کوچک در زندگی کارگران است و بازستاندن آن از سوی سرمایه داران با مقاومت روبرو می شود. من پائین تر مبارزه برای افزایش مزد در ایران را بررسی خواهم کرد اما پیش از آن اشاره ای به دو عرصه دیگر مبارزه طبقاتی پرولتاریا، یعنی مبارزه سیاسی و مبارزه نظری، لازم به نظر می رسد.

مبارزه سیاسی طبقه کارگر با بورژوازی و دیگر طبقات استثمارگر حاکم از آنجا اهمیت حیاتی دارد که روینای سیاسی حاکم (ماشین دولتی شامل دستگاه های اجرائی، قانون گذاری و قضائی و دیگر نهادهای سیاسی بورژوازی) حافظ و حامی سلطه طبقات ارتجاعی و روابط تولیدی استثمارگرانه است و تا ماشین دولتی بورژوائی (به ویژه دستگاه نظامی، انتظامی و امنیتی و دستگاه اداری و بوروکراتیک) در هم شکسته نشود، طبقه انقلابی قادر به تغییر بنیادی شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نخواهد بود. مبارزه سیاسی در همان حال مبارزه ای است برای شکل سیاسی طبقه کارگر و ایجاد قدرت سیاسی این طبقه. بدون این قدرت سیاسی انقلابی، یعنی بدون دولت کارگری، طبقات استثمارگر و ارتجاعی سرنگون شده می توانند دوباره به قدرت بازگردند و روابط استثمارگرانه را تداوم بخشند.

در «قطعنامه در باره ایجاد احزاب طبقه کارگر، مصوب کنگره لاهه به عنوان ماده ۷ اساسنامه انترناسیونال اول، سپتامبر ۱۸۷۲» چنین آمده است:

«در برابر قدرت جمعی طبقات دارا، طبقه کارگر نمی تواند همچون یک طبقه عمل سیاسی کند مگر با شکل خود در یک حزب سیاسی، متمایز از و مخالف با همه احزاب کهنی که طبقات دارا تشکیل داده اند. این شکل طبقه کارگر در حزب سیاسی برای تضمین پیروزی انقلاب اجتماعی و هدف نهائی آن یعنی انحلال طبقات، اجتناب ناپذیر است.

تشکل نیروهائی که تاکنون طبقه کارگر با مبارزات اقتصادی خود به وجود آورده باید در همان حال همچون اهرمی در مبارزات او به ضد قدرت سیاسی سرمایه داران و زمینداران خدمت کند. زمینداران و سرمایه داران همواره امتیازات سیاسی خود را برای دفاع از انحصارات اقتصادی و برده کردن کار و جاودانه کردن آنها به کار خواهند برد. بنابراین، فتح قدرت سیاسی وظیفه بزرگ طبقات کارگر گردیده است.»

مارکس (پیشنهاد کننده این بند) به طور روشن نقش و وظایف اصلی دو سازمان طبقه کارگر را خاطر نشان می کند: الف) حزب سیاسی انقلابی طبقه کارگر و ب) سازمان هائی که مبارزه اقتصادی پرولتاریا را به پیش می برند (مارکس در جای دیگر آنها را «مراکز مقاومت در برابر چپاول و تعدی سرمایه» می نامد)، به عبارت دیگر حزب و اتحادیه. همچنین به روشنی دیده می شود که از نظر مارکس وظایف اتحادیه ها در مبارزه اقتصادی خلاصه نمی شود و اتحادیه ها علاوه بر مبارزه اقتصادی، وظایف سیاسی نیز بر عهده دارند و می توانند و باید همراه با حزب انقلابی پرولتاریا و توده های انقلابی کارگر و دیگر زحمتکشان سهم مهمی در برانداختن سلطه بورژوازی، فتح قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و محور نظام سرمایه داری ایفا کنند.

مبارزه نظری به ویژه از دو جهت اهمیت دارد:

الف) ضرورت روشن کردن وضعیت اقتصادی - اجتماعی طبقه کارگر و ریشه فقر و استثمار و انواع ستم‌هایی که بر این طبقه و دیگر زحمتکشان جامعه وارد می‌شود، تحلیل وضعیت طبقاتی و صف بندی طبقات در جامعه، تحلیل شرایط اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جهان و تضادهای جهانی، روشن کردن امکان و ضرورت نفی سرمایه داری و جانشین کردن نظامی اقتصادی - اجتماعی که استثمار و از خود بیگانگی در آن نباشد، شرایط تکامل همه جانبه همه افراد جامعه را فراهم کند و پیشرفت های فنی، علمی و اقتصادی را در خدمت بهبود زندگی، افزایش سطح فرهنگی و آزادی انسان به کار گیرد.

ب) بورژوازی و ایدئولوژی پردازان او به طور دائم برای توجیه نظام سرمایه داری و رد سوسیالیسم علمی و هر صدائی که سرمایه داری را نقد کند زرادخانه نظری خود را به کار می‌اندازند و از آنجا که دانشگاه ها و مراکز آموزشی، مراکز تحقیق، وسایل انتشار و رسانه های جمعی گوناگون را در اختیار دارند از توانائی بالائی در پیشبرد ایده های خود برخوردارند. نهادهای دینی - چه نهادهای دینی حکومتی و چه نهادهای دینی سنتی و نهادهای مشابه - هم اساساً در خدمت استثمارگرانند. از این رو مبارزه نظری برای پیشبرد اندیشه و برنامه انقلابی و شکست دادن بورژوازی در عرصه نظری ضرورت دارد.

این دید کلی و همه جانبه از مبارزه طبقاتی پرولتاریا، یعنی ضرورت پیشبرد مبارزه در عرصه های اقتصادی، سیاسی و نظری بیانگر پختگی جنبش کارگری است که تجارب و دستاوردهای مبارزات گذشته کارگران در همه کشورها و دستاوردهای علمی و انقلابی تمام بشریت را مورد استفاده قرار می‌دهد.

وضعیت مزد در نظام سرمایه داری ایران

من از سال ها پیش در نوشته های مختلف و به مناسبت های گوناگون دو موضوع را در مورد مردها در ایران بررسی کرده ام:

۱) اینکه مزد حداقل، و به طور کلی مردها، در طول حکومت جمهوری اسلامی بسیار کمتر از نرخ رسمی تورم افزایش یافته اند

۲) اینکه حتی اگر مزد حداقل در ایران - که برخلاف کشورهای سرمایه داری پیشرفته بخش اعظم مردها برابر یا کمتر از آنند و مبنای دیگر مردهاست - از سال ۱۳۵۸ تا کنون به نسبت نرخ تورم هم افزایش یافته بود باز این مزد از خط فقر مطلق و به طریق اولی از خط فقر نسبی بسیار کمتر می‌بود. من این موضوعات را به شکلی مبسوط و با ارائه آمار و داده های فراوان توضیح داده ام.

مثلاً در مقاله « مزد حداقل برای سال ۱۳۸۹: گامی دیگر در تشدید استثمار مطلق کارگران» که در اسفند سال ۱۳۸۸ نوشته و منتشر شده، من جدولی تنظیم کردم که مزد حداقل و نرخ رسمی تورم از سال ۱۳۵۸ به بعد را دربر می‌گرفت. من طی سال های بعد از ۱۳۸۹ این جدول را به روز کرده ام و آخرین روایت آن در مقاله اخیرم تحت عنوان «نقد اظهارات یک اقتصاد دان در باره مزد حداقل و خط فقر در ایران» - فروردین، ۱۳۹۵ درج شده است. (این جدول در پیوست نوشته حاضر آمده است.)

با استفاده از جدول مذکور می‌توان به سادگی مزد حداقلی را که همه ساله مطابق نرخ تورم افزایش یافته باشد حساب کرد و ملاحظه نمود که مردهای حداقل در طول سال های ۱۳۵۸ تا کنون به تناسب تورم افزایش نیافته اند.

من در مقاله دیگری تحت عنوان «سیر قهقرائی مردهای حقیقی و استثمار مضاعف زنان در جهان و ایران» که در اول اردیبهشت ۱۳۹۰ نوشته شده در نقد دیدگاه احزاب، سازمان های سیاسی و تشکل های کارگری ای که شعار افزایش مزد به تناسب تورم را مطرح می کردند (و هنوز هم برخی به آن چسبیده اند) با تکیه بر جدول مذکور و محاسباتی بر پایه داده های مندرج در آن چنین گفتم:

«... اگر بورژوازی ایران و رژیم جمهوری اسلامی همان قانون کار خود را، که طبق آن افزایش مزد حداقل می باید هر سال به نسبت تورم صورت گیرد، رعایت می کردند، [می بایست] حداقل مزد اسمی برای سال ۱۳۹۰ به مبلغ ۴۱۶۸۱۴ تومان در ماه می رسید در حالی که این رقم از جانب شورای عالی کار ۳۳۰ هزار و ۳۰۰ تومان اعلام شده که ۸۶۵۱۴ تومان در ماه از مزد حداقل براساس قانون کار خود رژیم هم کمتر است!

البته همه اینها در صورتی است که واقعاً مزد هیچ کارگری از ۳۳۰ هزار و ۳۰۰ تومان در ماه کمتر نباشد در حالی که می دانیم میلیون ها کارگر حتی همین ۳۳۰ هزار و ۳۰۰ تومان در ماه را هم ندارند.

اما مسأله و مشکل اصلی کارگران در زمینه مزد این نیست که مردها به نسبت تورم بالا نرفته اند. حتی اگر مردها واقعاً به نسبت نرخ تورم بالا رفته بودند، یعنی اگر مزد حداقل بجای ۳۳۰ هزار و ۳۰۰ تومان به ۴۱۶۸۱۴ تومان در ماه رسیده بود و بقیه مردها هم به همین نسبت بالا رفته بود باز هم کارگران زیر خط فقر می بودند. زیرا ۴۱۶۸۱۴ تومان در ماه کمتر از یک سوم خط فقر در یک خانوار ۴ نفری در تهران است.» (سیر قهقرائی مردهای حقیقی و استثمار مضاعف زنان در جهان و ایران، ص ۲۲)

محاسبه مشابهی برای تخمین مزد حداقل رسمی در سال ۱۳۹۳ در صورتی که مردها همه ساله مطابق نرخ تورم افزایش یافته بودند می توان انجام داد:

اگر شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی را در سال ۱۳۹۰ برابر ۱۰۰ فرض کنیم، این شاخص بنا بر داده های بانک مرکزی در سال ۱۳۵۸ برابر ۰/۳۸ بوده (سند تورم از ۱۳۱۶ تا ۱۳۹۰) و در سال ۱۳۹۳ به ۲۰۳/۲ رسیده است (سند شاخص کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران سال ۱۳۹۳).

پس بهای کالاها و خدمات مصرفی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۳ به میزان $۵۳۴/۷۴ = \frac{۲۰۳/۲}{۰/۳۸}$ برابر و مردهای حداقل اسمی $۳۵۸ = \frac{۶۰۸۹۱۰}{۱۷۰/۱}$ برابر افزایش یافته اند. یعنی قیمت کالاها و خدمات مصرفی به طور متوسط حدود ۵۰ درصد از مردها بیشتر افزایش یافته اند. اگر مردها همه ساله به نسبت تورم افزایش می یافتند مزد حداقل در سال ۱۳۹۳ می بایست به ۹۰۹۵۸۷ تومان می رسید که البته باز از خط فقر مطلق در سال ۱۳۹۳ یعنی یک میلیون و ۱۶۵ هزار تومان در ماه کمتر می بود.

بر همین اساس می توان مزد حداقل برای سال ۱۳۹۵ را، در صورتی که این مزد همه ساله مطابق تورم افزایش می یافت، حساب کرد. کافی است مزد حداقل سال ۱۳۹۳ که بر اساس نرخ تورم از سال ۱۳۵۸ حساب شده به نسبت نرخ تورم در سال ۱۳۹۴ و پیش بینی نرخ تورم در سال ۱۳۹۵ افزایش دهیم. در این صورت مزد حداقل برای سال ۱۳۹۵ در صورتی که این مزد همه ساله مطابق تورم افزایش می یافت می بایست به $۹۰۹۵۸۷ \times ۱/۱۴ \times ۱/۱۵$ و یا ۱۱۹۲۴۶۸ تومان در ماه برسد. مبلغ ۱۱۹۲۴۶۸ تومان در ماه که به این صورت به دست می آید که تقریباً به میزان

۳۸۰ هزار تومان از ۸۱۲ هزار و ۶۶۰ تومان مزد ماهانه مصوب شورای عالی کار بیشتر می بود. اما حتی این مبلغ از خط فقر مطلق سال ۱۳۹۵ بسیار کمتر است (حدود ۴۰۰ هزار تومان در ماه).

مبارزه برای افزایش مزد و معیارهای این افزایش

در تمام دوران حکومت جمهوری اسلامی کارگران به شیوه های مختلف برای افزایش مزد مبارزه کرده اند. من در اینجا به توصیف و تشریح این مبارزات نمی پردازم بلکه معیارهای افزایش مزد را که از سوی برخی کارگران، سازمان های کارگری و یا برخی احزاب سیاسی مطرح شده بررسی می کنم.

الف) افزایش مزد به تناسب تورم

افزایش مزد به تناسب تورم یکی از شعارهایی است که از سوی یک رشته تشکل ها و فعالان کارگری و غالب احزاب و سازمان های سیاسی که خود را حزب طبقه کارگر یا مدافع این طبقه می دانند طی سی و هفت سال اخیر مطرح شده است.

من در زیر شعارهای برنامه ای حزب توده، سازمان فدائیان خلق (اکثریت)، سازمان فدائیان (اقلیت)، چریک های فدائی خلق (سیاهکل)، سازمان چریک های فدائی خلق ایران (نبرد خلق)، حزب رنجبران، راه کارگر، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران را از اسناد این سازمان ها نقل می کنم.

باید توجه داشت که احزاب موسوم به حکمتیست، سازمان اتحاد سوسیالیستی کارگری و غیره از نظر برنامه ای و به ویژه در مسأله مزد همان دیدگاه حزب کمونیست کارگری و منصور حکمت را بیان می کنند از این رو خواست این جریانات اخیر به طور جداگانه مطرح نشده است.

در مورد احزاب و سازمان های چپ دیگری که نامشان در زیر نیامده من نتوانستم یک سند برنامه ای یا رسمی در مورد مزد حداقل به دست آورم.

از آنجا که منظور من صرفاً بررسی خواست افزایش مزد به تناسب تورم و ردیابی این خواست در دیدگاه و گفتمان احزاب و سازمان هایی است که خود را حزب طبقه کارگر و یا مدافع این طبقه می دانند، از تفاوت های سیاسی و نظری مهمی که این سازمان ها با یکدیگر دارند انتزاع به عمل آورده ام. افزون بر آن نقد دیدگاه های این یا آن سازمان - جز در مسأله افزایش مزد به تناسب تورم -، در اینجا مورد نظر من نیست. هدف من ریختن همه این احزاب و سازمان ها (که تفاوت های مهم سیاسی و نظری با یکدیگر دارند) در یک سبد نیست بلکه نشان دادن این موضوع است که سازمان ها و احزاب مذکور به رغم تفاوت های مهم شان در زمینه های دیگر، در مسأله مزد موضع کمابیش مشابهی دارند. این موضع به مضمون ماده ۴۱ قانون کار رژیم (بندهای ۱ و ۲) بسیار نزدیک است.

حال نگاهی به مواضع احزاب و سازمان های یاد شده در مورد مزد حداقل بیانداریم:

حزب توده

«تأمین و تضمین قانونی حداقل دستمزدها برای زحمتکشان، متناسب با نیازهای موجود در جامعه و ترمیم سالانه حقوق و دستمزدها متناسب با نرخ تورم در کشور.» (برنامه حزب توده ایران، مصوب چهارمین کنگره حزب ۱۳۷۶)

«تأمین و تضمین قانونی حداقل درآمد و بازنشستگی برای تمام زحمتکشان، متناسب با نیازهای موجود در جامعه، و ترمیم سالانه حقوق و دستمزدها متناسب با نرخ تورم در کشور» (برنامه حزب توده ایران، مصوب کنگره ششم ۱۳۹۱)

سازمان فدائیان خلق (اکثریت)

«حداقل دستمزد باید بر پایه محاسبه دقیق حداقل معیشت تعیین شود و همه ساله متناسب با نوسان قیمت ها و تغییر تناسب انباشت و مصرف تولیدات اجتماعی ترمیم گردد.» (طرح برنامه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - مصوب هیأت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، خرداد ماه ۱۳۶۱)

«تورم و هزینه های زندگی، باید مبنای تعیین حداقل دستمزد کارگران قرار گیرد.» (اعلامیه ها و بیانیه های اخیر این سازمان)

سازمان فدائیان (اقلیت)

«افزایش پایه دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه ها هر سال یک بار» (برنامه سازمان فدائیان (اقلیت) - چاپ ۱۳۸۷ با اصلاحات کنفرانس یازدهم)

چریک های فدائی خلق

«آنچه که مانع افزایش دستمزد کارگران به نسبت نرخ تورم می شود همانا ظرفیت پایان ناپذیر حرص و طمع طبقه حاکم و سود جویی آنان است که چنین اجازه ای را نمی دهد.» (از اعلامیه «دستمزدهای سال ۹۳، تضمین زندگی در زیر خط مرگ!» - اسفند ۱۳۹۲)

سازمان چریک های فدائی خلق ایران (نبرد خلق)

«تعیین حداقل دستمزد با مشارکت نمایندگان واقعی کارگران و تشکلهای مستقل کارگری، متناسب با افزایش نرخ واقعی تورم. محاسبه حداقل حقوق بر اساس تامین نیازهای زندگی شرافتمندانه و انسانی یک خانوار چهار نفره.»

حزب رنجبران

« مبارزه برای بالابردن مزد حداقل کارگران به ۳ برابر مزد کنونی، با احتساب تورم سالانه » (برنامه حزب رنجبران)

راه کارگر

«طبقه بندی مشاغل و تعیین حداقل دستمزد بر اساس هزینه معیشت یک خانواده پنج نفره» (برنامه راه کارگر)

حزب کمونیست ایران

«تعیین حداقل دستمزد رسمی با تصویب نمایندگان سراسری منتخب کارگران بر پایه هزینه وسایل معیشت و رفاه خانواده ۵ نفری و افزایش سطح دستمزدها متناسب با بالا رفتن بهای وسایل معیشت و با در نظر داشتن بهبود سطح زندگی.» (برنامه حزب کمونیست ایران، مصوب کنگره مؤسس حزب کمونیست ایران، شهریور ۱۳۶۲)

حزب کمونیست کارگری ایران

«بالارفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم» (بند ۱۳ «قوانین رفاه و کار اجتماعی» از «یک دنیای بهتر» برنامه این حزب)

یکی از رهبران حکمتیست خواست «بالا بردن دستمزدها به تناسب تورم» را در کنار بیمه بیکاری، حق تشکل و حق اعتصاب، «پرچم طبقه کارگر» می نامد!

دیده می شود که خواست تقریباً تمامی احزاب و سازمان های بالا (بجز حزب رنجبران) دقیقاً همان ماده ۴۱ قانون کار است و البته برخی بیشتر به بند ۱ این ماده و برخی بیشتر به بند ۲ این ماده گرایش دارند. مسأله «تأمین هزینه معیشت»

و «سطح هزینه ها» و «رفاه» که در شعارهای برنامه ای برخی سازمان های بالا آمده از آنجا که معیار و استاندارد برای این مقولات تعریف نشده، مبهم و ناروشن اند و نمی توانند مبنائی برای ارائه یک خواست مشخص در مبارزات کارگران باشند. درست مانند بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار: بند ۲ ماده ۴۱ می گوید: «۲ - حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه ای باشد تا زندگی يك خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تأمین نماید.» اینکه مزد به اندازه ای باشد «تا زندگی يك خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تأمین نماید» بسیار مبهم است و مانند تمام قوانین بورژوائی در مورد حقوق کارگران و توده ها به شیوه های مختلف قابل تأویل و تفسیر است و اساساً برای فریب و تحمیل کارگران آمده است. باید پرسید تأمین یک زندگی یعنی چه؟ معیار این تأمین چیست؟ چه هزینه هائی را باید بپوشاند؟ وقتی که معیاری مطرح نباشد هیچ محتوا و معنای روشنی نمی توان انتظار داشت (زندگی کارتن خواب هم بالأخره یک جور «تأمین» می شود!)

در مورد خواست «حزب کمونیست کارگری ایران»، یعنی «بالارفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم» باید گفت که این حزب با طرح این شعار نسبت به شعار «حزب مادر» خود یعنی «حزب کمونیست ایران» که خواست «تعین حداقل دستمزد رسمی با تصویب نمایندگان سراسری منتخب کارگران بر پایه هزینه وسایل معیشت و رفاه خانواده ۵ نفری و افزایش سطح دستمزدها متناسب با بالا رفتن بهای وسایل معیشت و با در نظر داشتن بهبود سطح زندگی» را مطرح می کرد، «ترقی معکوس» کرده و یک یا دو گام به عقب برداشته است!

برخی از فعالان و یا اعضای سازمان هائی که افزایش مزد به تناسب تورم را مطرح می کنند در مقابل این انتقاد که حتی اگر از سال ۱۳۵۸ تا کنون مردها به تناسب تورم افزایش یافته بودند باز هم مزد حداقل از خط فقر مطلق پائین تر می بود چنین پاسخ می دهند که نرخ های تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی دروغ است و برای فریب مردم ساخته شده اند و تورم واقعی بسیار بیشتر از ارقامی است که اعلام می شود. هنگامی که از آنها پرسیده می شود که تورم واقعی چقدر است و شما چگونه آن را محاسبه کرده اید پاسخی ندارند. با این حال به کارگران پیشنهاد می کنند برای افزایش مزد به تناسب تورمی که نمی دانند چقدر است مبارزه کنند!

می دانیم که مردها حتی اگر به نسبتی چند برابر نرخ تورم اعلام شده هم افزایش یابند باز از خط فقر بسیار پائین تر خواهند بود و کفاف هزینه زندگی کارگران را نخواهند داد. یعنی مثلاً مزد حداقل سال ۱۳۹۵ که بر اساس نرخ تورم ۱۴ درصد تعیین شده اگر بر پایه نرخ تورم معادل ۵۰ درصد تعیین می شد تازه به رقم یک میلیون و ۶۸ هزار تومان در ماه می رسیدیم که از نصف خط فقر هم کمتر می بود. طرفداران شعار «افزایش مزد به تناسب تورم» حتی در مقابل چنین واقعیتی دست از این شعار که برایشان به کلامی مقدس و آیه تبدیل شده است نمی کشند! واقعیت این است که شعار افزایش مزد به تناسب تورم که هنوز شماری از سازمان های سیاسی که خود را انقلابی هم می دانند آن را تکرار می کنند شعاری است که محتوای آن تثبیت وضع موجود فاجعه بار طبقه کارگر در ایران است: شعاری است محافظه کارانه و دقیق تر و روشن تر بگوئیم شعاری است قهقرائی.

ب) معیار خط فقر

برخی از فعالان کارگری خط فقر (مطلق یا نسبی) را به عنوان معیاری برای خواست افزایش مزد مطرح می کنند. من بر آنم که هر چند توضیح و بازکردن مسأله خط فقر (مطلق و نسبی) برای افزایش آگاهی توده کارگران و افشای سرمایه داران و دولت اسلامی سرمایه اهمیت زیادی دارد، اما رسیدن به خط فقر، چه مطلق و چه نسبی، نمی تواند هدف کارگران باشد! به عبارت دیگر رسیدن به خط فقر (چه مطلق و چه نسبی) نمی تواند شعار مثبت یا ایجابی کارگران

پیشرو باشد. کسانی که خط فقر (حتی فقر نسبی) را مبنائی برای سطح مزد درخواستی مطرح می کنند تلویحا سطح معینی از فقر را پذیرفته اند هر چند که این سطح از مزدهای کنونی بیشتر باشد. سرمایه داران و نظام سرمایه داری کارگران را به فقر مطلق و در بهترین حالت به فقر نسبی محکوم می کنند، اما خود کارگران نباید این «سرنوشت» را برای خود بپذیرند و خواستار مزدی در حول و حوش فقر مطلق باشند!

مبنائی برای خواست افزایش مزد

اگر افزایش مزد به تناسب تورم به دلایلی که گفتیم نمی تواند مبنای خواست کارگران برای افزایش مزد باشد، اگر بند ۲ ماده ۴۱ به دلیل سکوت در مورد سطح زندگی خانوار کارگری که باید توسط مزد حداقل «تأمین» شود هیچ ارزش عملی ندارد و تنها برای فریب کارگران مطرح شده است، و اگر نباید سطحی از فقر (نسبی یا مطلق) افق ما را تشکیل دهد، پس چه معیار و مبنائی برای افزایش مزد در این برهه باید در نظر گرفته شود؟

مبنائی که ما پیشنهاد می کنیم و در سال های گذشته هم توضیح داده ایم چنین است: کارگران مزدی ایران طبقه واجد اکثریت مطلق در جامعه اند (۶۰ درصد یا بالاتر) و در همان حال مولد بخش اعظم ثروت کشورند (بالای ۸۰٪)، پس طبیعی است که درآمد آنها دست کم در سطح درآمد متوسط جامعه باشد و متوسط هزینه زندگی یک خانوار چهار نفره را بر اساس داده های بودجه خانوار شهری که هر ساله بانک مرکزی اعلام می کند ببوشانند. مثلا در صفحه ۸ سند «نتایج بررسی بودجه خانوار در سال ۱۳۹۳» که در شهریور ۱۳۹۴ منتشر شده آمده است: متوسط هزینه ناخالص ماهانه یک خانوار شهری در سال ۱۳۹۳ معادل دو میلیون و هفتصد و سی و نه هزار و هفت صد تومان در ماه بوده است.

برای محاسبه تقریبی متوسط هزینه ماهانه یک خانوار شهری در سال ۱۳۹۵ باید این مبلغ را با در نظر گرفتن تورم سال ۱۳۹۴ و پیش بینی تورم سال ۱۳۹۵ به روز کرد. بدین سان متوسط هزینه زندگی ماهانه یک خانوار چهار نفری در سال ۱۳۹۵ برابر $1/15 \times 1/14 \times 2739700$ تومان و یا تقریباً 3.6 میلیون تومان خواهد بود.

من در مقاله «سهم مزدها در تولید ناخالص داخلی ایران» که در دی و بهمن سال ۱۳۹۲ نگاشته شده بر پایه محاسبه یکسانی سطح مزد حداقل برای سال ۱۳۹۳ را $2/5$ میلیون تومان حساب کردم و نوشتم:

«برای تأمین هزینه متوسط یک خانوار کارگر شهری در سطح کشور $2/5$ میلیون تومان در ماه نیاز است، در تهران حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد بیشتر از این مبلغ و در استان هائی که هزینه زندگی کمتر است حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد کمتر. البته اگر کارگران چنین مزدی دریافت کنند به معنی این نیست که دیگر استثمار نمی شوند. در ضمن طرح این پیشنهاد بدان معنی نیست که در هر مبارزه ای می توان بدان دست یافت یا اگر این خواست را کارگران به هر دلیلی مطرح نکنند نباید در مبارزه شرکت کرد. طرح این موضوع برای نشان دادن آلترناتیوی در مقابل ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی است که متأسفانه برخی از سازمان های سیاسی چپ نیز طوطی وار آن را تکرار می کنند باید با طرح دقیق و وسیع این بحث ها و استدلال ها تبلیغات ضد کارگری رژیم، سرمایه داران، اقتصاددان های بورژوا و نیز کارگزاران دولت و کارفرماها را که به عنوان نمایندگان کارگری می کوشند اهداف سرمایه داران را به پیش برند خنثی کرد. کارگران آگاه می توانند با توضیح میزان و شدت استثمار کارگران از سوی کارفرمایان، با طرح امکان به وجود آوردن شرایطی دیگر، ضرورت مبارزه برای تغییری جهشی در وضع مزدها و شرایط کار و غیره را برای توده های کارگر توضیح دهند و آنان را برای چنین مبارزه ای بسیج و سازماندهی کنند.»

در اینجا توجه به نکته مهمی ضروری است: اینکه کارگران در مبارزه معینی تا چه اندازه می توانند پیشروی کنند به توازن نیروها یا به گفته مارکس به توان هریک از دو طرف مبارزه بستگی دارد. مارکس در مورد مبارزه برای کاهش ساعات روزانه کار به نکته مهمی اشاره دارد که در مورد مزد هم می توان آن را به کار بست. مارکس با توضیح اینکه حداکثر سود از یکسو توسط مزد حداقل فیزیکی و از سوی دیگر توسط حداکثر فیزیکی ساعات کار روزانه محدود می شود می نویسد: «تثبیت درجه واقعی آن تنها با مبارزه دائمی بین سرمایه و کار حل و فصل می شود، سرمایه دار همواره گرایش به کاهش مردها به حداقل فیزیکی و طولانی کردن ساعات کار به حداکثر فیزیکی دارد، در حالی که کارگر همواره در جهت مخالف فشار وارد می آورد. موضوع به مسأله توان هریک از دو طرف مبارزه [توازن نیروها] تبدیل می شود.» (مارکس، "ارزش، بها، سود" - بخش آخر.)

اکنون نیز مسأله همان است.

آیا رقم سه و نیم میلیون تومان برای مزد سال ۱۳۹۵ از نظر اقتصادی ناممکن است؟

می دانیم که فریبرز رئیس دانا مزدی معادل یک و نیم میلیون تومان در ماه پیشنهاد می کند که از نظر او با ۶۰ درصدی که به طور متوسط به خاطر حق سنوات، حق اولاد، حق مسکن، حق ایاب و ذهاب، تأمین هزینه یک وعده غذا از سوی کارفرما در محل کار، یارانه ها، اشتغال سایر افراد خانوار (معادل $\frac{1}{3}$ نفر) و غیره به آن اضافه می شود به سطح خط فقر مطلق یا کمی بالاتر از آن می رسد. بدین سان طبیعتاً با مزد درخواستی ۱۳ تشکیل کارگری که طی بیانیه هایی حداقل مزد را رقم سه و نیم میلیون تومان در ماه اعلام کرده اند مخالفت می کند. اما آموزنده است که دلیل مخالفت او را بدانیم. رئیس دانا می گوید این مبلغ عملی نیست و مدعی می شود کسانی که این رقم را اعلام کرده اند از اقتصاد چیزی سرشان نمی شود و بورژوازی و کارشناسانش به آنها می خندند.

حال ببینیم «استدلال» رئیس دانا که مورد تمسخر بورژوازی و کارشناسانش قرار نمی گیرد (و امید رئیس دانا این است که نظرش از جانب بورژوازی یا دست کم بخشی از این طبقه مورد حمایت هم قرار گیرد) در مورد رد خواست مزد سه و نیم میلیون تومانی از سوی ۱۳ تشکیل کارگری چیست؟ رئیس دانا می گوید اگر رقم سه و نیم میلیون تومان را در «تعداد کارگران» ضرب کنیم از کل تولید ناخالص ایران بیشتر می شود! سپس برای اثبات ادعای خود نخست ۶۰ درصد به رقم سه و نیم میلیون تومان اضافه می کند (در حالی که هیچ یک از تشکل هایی که خواست مزد سه و نیم میلیون تومان را مطرح کرده اند حرفی از ۶۰ درصدی که باید به آن اضافه شود نزده اند!) سپس آن را در عدد ۵/۲۷ میلیون و بعد در ۱۲ ضرب می کند تا رقم ۱۸۱۸ تریلیون تومان را به دست آورد که از تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۳۹۳ بیشتر است!!

(از اظهارات رئیس دانا در مصاحبه با رادیو پیام. www.radiopayam.ca. این مصاحبه را در پیوند زیر می توان

گوش کرد: https://www.youtube.com/watch?v=8r_CoEK-c_8)

باید توجه داشت رقم ۲۷/۵ میلیون نفری که رئیس دانا مطرح می کند معادل کل جمعیت فعال اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۵ است یعنی کل کسانی که کار می کنند به علاوه بیکاران جویای کار. جمعیت کارگران ایران، اعم از شاغل و بیکار، ۲۷/۵ میلیون نفر نیست و هیچ یک از ۱۳ تشکلی که مزد سه و نیم میلیونی مطرح کرده اند در مورد درآمد غیر کارگران چیزی نگفته اند. ۲۷/۵ میلیون نفر علاوه بر کارگر، شامل دهقان، پیشه ور، وکیل دادگستری، مستغلات دار، نزول خور، کادر اداری و خصوصی، مداح، زندانبان، روضه خوان، افسر، پاسدار، ژاندارم، مالک، سرمایه دار،

پزشک، تاجر، محضر دار، دعانویس، زیارتنامه خوان و غیره می شود که آنها را نباید با کارگر یکی گرفت. در ضمن باید توجه داشت که هر نوع درآمدی، مزد نیست. هیچ آدم عاقل، حتی هیچ اقتصاددان، هزینه زندگی دهقان خرده مالک یا پیشه ور آزاد (که مجموعاً بیش از ۸ میلیون نفر از ۲۷/۵ میلیون نفر ارائه شده از سوی رئیس دانا را تشکیل می دهند) یا هزینه زندگی وکیل دادگستری یا پزشک صاحب مطب یا صاحب بنگاه معاملات ملکی را از سرمایه دار خصوصی یا از دولت طلب نمی کند!

رئیس دانا بارها در سخنان خود جمعیت کارگران ایران را ۱۳/۳۵ میلیون نفر برآورد کرده است. حال اگر برای تمام این ۱۳/۳۵ میلیون نفر مزدی معادل سه نیم میلیون تومان در ماه در نظر بگیریم به رقم $(3/5 \times 10^6) \times (10^6)$ یا تقریباً ۵۶۱ تریلیون تومان در سال خواهیم رسید. اکنون ببینیم تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۳۹۵ چقدر خواهد بود و آیا آن گونه که رئیس دانا هشدار می دهد پرداخت چنین مبلغی از ظرفیت آن بیرون است؟! ما ارقام رسمی تولید ناخالص داخلی سال های ۱۳۹۳، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ را نداریم. در بهمن ماه ۱۳۹۴، مرکز آمار ایران، سندی زیر عنوان «ایران در آئینه آمار» منتشر کرده که در آن تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۳۹۲ معادل ۱۰۰۴۹ تریلیون ریال یا تقریباً ۱۰۰۵ تریلیون تومان به قیمت جاری ذکر شده است (ص ۱۷۵). بانک مرکزی در «خلاصه تحولات اقتصاد واقعی ایران در سال ۱۳۹۳» (منتشر شده در خرداد ۱۳۹۴) در برآورد مقدماتی رشد تولید ناخالص داخلی سال ۱۳۹۳ به قیمت جاری را، ۱۷/۱ درصد اعلام کرده است. بدین سان تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۳ به قیمت جاری تقریباً ۱۱۷۷ تریلیون تومان است. می بینیم که همین رقم تولید ناخالص داخلی سال ۱۳۹۳، یعنی ۱۱۷۷ تریلیون تومان که بیش از دو برابر کل مبلغ سالیانه مزدهای درخواستی بر اساس سه و نیم میلیون تومان در ماه است برای ابطال اعتراض رئیس دانا کافی است.

تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت های جاری در سال ۱۳۹۵ را می توان چنین برآورد کرد:

نخست تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۵ را بر اساس قیمت های سال ۱۳۹۳ و نرخ رشد های ارائه شده برای سال های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ تخمین می زنیم. نرخ رشد این دو سال به ترتیب ۲٪ و ۵٪ است. با این فرض ها تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۵ به قیمت های سال ۱۳۹۳ چنین خواهد بود: $1177 \times 1/05 \times 1/02$ و یا تقریباً ۱۲۶۰ تریلیون تومان.

برای به دست آوردن تخمینی از تولید ناخالص داخلی به قیمت های جاری ۱۳۹۵ باید رقم ۱۲۶۰ تریلیون تومان را در دفلاتورهای سال های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ ضرب کنیم (deflator یا ضریب تعدیل: نسبت قیمت های جاری سال ۱۳۹۴ و سال ۱۳۹۵ به قیمت های سال مرجع که در اینجا سال ۱۳۹۳ فرض شده). اما چون دفلاتورها یا ضریب تعدیل قیمت های مربوط به ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ را در دست نداریم رقم ۱۲۶۰ تریلیون تومان را به تناسب تورم سال های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ به روز می کنیم تا تخمینی از تولید ناخالص داخلی سال ۱۳۹۵ به دست آوریم. البته دفلاتور با شاخص تورم یکی نیست و از نظر عددی نیز با آن کمی تفاوت دارد اما این تفاوت هیچ خللی در بحث ما ایجاد نمی کند. بدین سان بر اساس فرض هایی که در مورد رشد اقتصادی و ضریب تعدیل قیمت ها کرده ایم، تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۵ به قیمت های جاری این سال چنین خواهد بود: $1260 \times 1/14 \times 1/15$ و یا تقریباً ۱۶۵۲ تریلیون تومان.

اگر مبلغ ۵۶۱ تریلیون تومان معادل مجموع مزدهای سالیانه کارگران بر اساس سه و نیم میلیون تومان در ماه را به تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۵ یعنی به ۱۶۵۲ تریلیون تومان تقسیم کنیم به عدد ۳۳۹/۰ و یا ۳۳/۹٪ می رسیم که رقم کاملاً «معقولی» است و قاعدتاً باید نگرانی رئیس دانا و دیگر کسانی که تصور می کنند اگر مزد حداقل به سه و نیم میلیون تومان در ماه برسد چیزی برای سرمایه گذاری و تأمین دیگر هزینه های ملی باقی نخواهد ماند رفع شده باشد!

ممکن است گفته شود همهٔ مزدها معادل مزد حداقل نیستند و این پرسش مطرح گردد که اگر مزدهای بالاتر از حداقل و نیز هزینهٔ بیمهٔ بیکاری و غیره را در نظر بگیریم وضع چگونه خواهد بود؟

پاسخ این است که با افزودن حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد به مبلغ ۵۶۱ تریلیون تومان که در بالا حساب کردیم، می‌توان علاوه بر پرداخت سه و نیم میلیون تومان در ماه به عنوان مزد حداقل، هزینه‌های زیر را نیز تأمین کرد:
الف) مستمری قابل قبول (در حدود مزد حداقل) برای تودهٔ چندین میلیونی کارگران بیکار و جویندگان کار که رقمی در حدود ۵ تا ۶ میلیون نفرند

ب) تأمین مزدها و حقوق‌های بالاتر از مزد حداقل

پ) ضرورت ترمیم مستمری بازنشستگان، از کار افتادگان و غیره

ت)
در این حالت حجم کل مبلغی که صرف مزد بعلاوهٔ هزینهٔ مستمری بیکاران بعلاوهٔ بهبود مستمری بازنشستگان و غیره می‌گردد معادل $۵۶۱ \times ۱/۶۰$ و یا ۸۹۸ میلیارد تومان خواهد گردید که تقریباً ۵۴٪ تولید ناخالص داخلی خواهد شد و می‌بینیم که باز هم هشتاد رئیس دانا مبنی اینکه مزد حداقل به میزان سه و نیم میلیون تومان در ماه از تولید ناخالص داخلی بیشتر خواهد شد بی‌اساس است.

در این حالت حجم کل مبلغی که صرف مزد بعلاوهٔ هزینهٔ مستمری بیکاران بعلاوهٔ بهبود مستمری بازنشستگان و غیره می‌گردد معادل $۵۶۱ \times ۱/۶۰$ و یا ۸۹۸ میلیارد تومان خواهد گردید که تقریباً ۵۴٪ تولید ناخالص داخلی خواهد شد و می‌بینیم که باز هم هشتاد رئیس دانا مبنی اینکه مزد حداقل به میزان سه و نیم میلیون تومان در ماه از تولید ناخالص داخلی بیشتر خواهد شد بی‌اساس است.

در اقتصاد، نسبت مجموع دریافتی‌های کارگران و دیگر مزدبگیران به تولید ناخالص داخلی را سهم کار یا سهم مزد می‌نامند (labour share یا wage share). این نسبت به فرض برقراری مزد حداقل و در نظر گرفتن مزدهای بالاتر از حداقل و غیره در ایران کمتر از ۵۴٪ خواهد بود.

رئیس دانا قاعدتاً می‌داند که سهم کار به رغم اینکه طی دو دههٔ گذشته کاهش معادل ۵ تا ۱۰ واحد درصدی در کشورهای پیشرفتهٔ سرمایه‌داری داشته هم اکنون در آمریکا حدود ۵۶٪ و در آلمان، انگلستان و فرانسه کشورهای اسکانندیناوی بیش از ۶۰٪ است. این نسبت در روسیه بیش از ۵۰٪، در چین حدود ۴۷٪، در کرهٔ جنوبی حدود ۶۲٪، در ترکیه حدود ۳۰٪ (در سال ۲۰۱۱) است. در ایران در سال ۱۳۹۲ این نسبت در حدود ۲۴٪ تخمین زده می‌شود!

بدین سان فریادهای «انذار» و هشتاد رئیس دانا در مورد اغراق آمیز بودن مزد حداقل به میزان سه و نیم میلیون تومان در ماه، دانسته یا ندانسته و خواسته یا ناخواسته، چیزی جز پژواک فریاد بورژوازی ایران نیست که از آغاز روی کار آمدنش به پرداخت مزد زیر خط فقر (تازه اگر این مزد را بپردازد!) عادت کرده و در طول نزدیک چهار دهه حکومت ننگین رژیم اسلامی بدعادت تر نیز شده است. آری:

مطلق آن آواز خود از شه بود / گرچه از حلقوم عبدالله بود!

رابطهٔ بین افزایش حقیقی مزدها و تورم به طور کلی (بحث نظری)

رئیس دانا در مورد تأثیر افزایش مزد بر نرخ تورم می‌گوید: «یکی از مبانی استدلالی کارفرمایان و دولت برای جلوگیری از افزایش متناسب در حداقل دستمزد نظریهٔ ایجاد تورم است که می‌گویند کمی بعد دامن خود کارگران را می‌گیرد.» رئیس دانا این نظر را که افزایش مزد باعث تورم می‌شود رد نمی‌کند بلکه می‌کوشد نشان دهد که چنین تأثیری کم است و با توجه به نرخ بالای تورم در کشور چندان قابل ملاحظه نیست.

من برآنم که افزایش مزد، تا زمانی که میزان افزایش مزد از ارزش اضافی کمتر باشد این افزایش هیچ تأثیری در تورم ندارد و تنها می‌تواند باعث کاهش سود سرمایه دار گردد.

اشکال اصلی در بحث کسانی که افزایش مزد را موجب تورم می دانند این است که نیروی کار را مانند سرمایه ثابت (ماشین آلات، تجهیزات، ساختمان ها و تأسیسات تولیدی، انرژی، مواد خام و کمکی و غیره) به حساب می آورند و چنین تصور می کنند - یا می خواهند مخاطب شان چنین تصور کند - که همان گونه که تغییرات در ارزش سرمایه ثابت مصرف شده در تولید (مواد خام، ماشین آلات، انرژی و غیره)، در ارزش محصولات تولید شده نهائی وارد می شوند، تغییرات در مزد (یا در سرمایه متغیر) هم باید به همان صورت در ارزش محصولات تولید شده وارد شوند و بنابراین باعث افزایش ارزش کل محصولات نهائی و در نتیجه افزایش عمومی قیمت ها و یا تورم گردند. در حالی که میان این دو یعنی سرمایه ثابت و سرمایه متغیر تفاوت بسیار مهمی وجود دارد: در روند تولید سرمایه داری سرمایه ثابت با ارزش خود وارد محصول تولید شده، (محصول نهائی) می گردد، در حالی که سرمایه متغیر و یا دقیق تر بگوئیم کارگرانی که این سرمایه متغیر صرف خرید نیروی کارشان شده ارزشی معادل این سرمایه متغیر (مجموع مزدها) به علاوه ارزشی جدید که همان ارزش اضافی است وارد محصول نهائی می کنند. بنابراین تا زمانی که افزایش مزد از ارزش اضافی کمتر و یا حتی با آن مساوی باشد چنین افزایشی باعث افزایش ارزش کل محصولات تولید شده نمی گردد و در نتیجه باعث افزایش عمومی قیمت ها که همان تورم است نمی شود.

طبیعی است که اگر ارزش سرمایه ثابت مصرف شده افزایش یابد، این تفاوت ارزش به محصول نهائی منتقل شود. اما اگر هزینه نیروی کار به خاطر افزایش مزد و نه استخدام جدید یا اضافه کاری کارگران موجود افزایش یابد این امر به هزینه تولید می افزاید (به شرط ثابت ماندن سایر عوامل از جمله بارآوری کار) اما در کل ارزش تولید شده تغییری ایجاد نمی کند. تنها توازن میان مزد و ارزش اضافی عوض می شود، یعنی مجموع مزدها نسبت به قبل بیشتر می شود و مجموع ارزش اضافی نسبت به گذشته کمتر، اما جمع کل مزدها و ارزش اضافی ثابت می ماند. به همین ترتیب اگر هزینه نیروی کار به خاطر کاهش مزد و نه کم شدن تعداد کارگران کاهش یابد (به شرط ثابت ماندن سایر عوامل از جمله بارآوری کار) در کل ارزش تولید شده تغییری ایجاد نمی شود و در این حالت مجموع مزدها کمتر از قبل و مجموع ارزش اضافی بیشتر از قبل خواهد شد، اما جمع کل مزدها و ارزش اضافی ثابت می ماند. از آنجا که قیمت، بیان پولی ارزش است و مجموع کل قیمت کالاها و خدمات تولید شده معادل مجموع ارزش های آنهاست، پس افزایش یا کاهش مزدها، تا زمانی که این افزایش از ارزش اضافی بیشتر نباشد، به شرط ثابت ماندن عوامل دیگر، باعث تورم نمی شود، زیرا تورم چیزی نیست جز افزایش عمومی و مستمر قیمت ها و دیدیم که مجموع قیمت ها ثابت می ماند. در یک کلام، افزایش مزدها به شرط آنکه این افزایش از ارزش اضافی بیشتر نباشد باعث تورم نمی گردد. آنچه گفته شد مبتنی بر قانون ارزش و قانون ارزش اضافی مارکس است و پذیرش اینکه هر چند قیمت کالاها جداگانه الزاما معادل ارزش انفرادی آنها نیست، اما مجموع قیمت کل کالاها معادل مجموع ارزش های آنهاست.

تورم عبارت است از افزایش مستمر و عمومی قیمت کالاها و خدمات مصرفی و نه قیمت یک یا چند کالا و خدمت. به عبارت دیگر تورم پدیده ای است که به کل اقتصاد، به اقتصاد کلان، مربوط می شود و نه به اقتصاد خرد یا تولید در این یا آن بنگاه یا رشته تولیدی. پس برای درک تورم باید به کل اقتصاد و به ویژه به تولید و چگونگی شکل گیری قیمت کالاها و خدمات پرداخت. بدین سان برای درک مسأله قیمت کالاها و خدمات و میزان مزد و تغییرات آنها باید نخست روند تولید در جامعه سرمایه داری را بررسی کرد.

مثالی عددی موضوع را روشن تر می کند. برای ساده شدن موضوع فرض می کنیم در جامعه ای تمام تولیدات توسط کارگران مزدی در بنگاه های سرمایه داری صورت گیرد. همچنین فرض می کنیم مقدار کل سرمایه ثابت مصرف شده

در یک دوره گردش سرمایه (مثلا یک سال) در جامعه ای برابر ۶۰۰ واحد و کل سرمایه متغیر (مزد کارگران مولد) در طول یک سال برابر ۲۰۰ واحد باشد. اگر کارگران مولد در سال علاوه بر مزد دریافتی خود ارزش اضافی ای برابر ۲۰۰ واحد تولید کرده باشند، جمع کل کار زنده برابر $400 = 200 + 200$ واحد می گردد. (واحد را می توان میلیارد دلار، میلیارد یورو، تریلیون تومان و غیره فرض کرد). در این حالت نرخ ارزش اضافی یا نرخ استثمار کارگران برابر ۱۰۰٪ خواهد بود: $[100\% = (200:200) \times 100]$ یعنی کارگران در سال ارزشی معادل نصف زمان کار کلی خود دریافت کرده اند و نصف دیگر کار رایگانی بوده که توسط سرمایه داران استثمار شده است. با این فرض ها در پایان سال کل تولید برابر $1000 = 200 + 200 + 600$ واحد خواهد بود که ۶۰۰ واحد آن ارزش سرمایه ثابتی است که وارد محصولات (کالا و خدمات) تولیدی شده است، ۲۰۰ واحد آن صرف پرداخت مزد کارگران مولد گشته و ۲۰۰ واحد آن به عنوان ارزش اضافی به جیب سرمایه داران و دیگر استثمارگران سرازیر شده است. حال اگر کارگران در اثر مبارزات خود موفق شوند میزان کل مزد دریافتی خود را از ۲۰۰ واحد، به ۳۰۰ واحد برسانند، در این صورت به شرط ثابت ماندن سایر عوامل، ارزش اضافی سرمایه داران از ۲۰۰ واحد به ۱۰۰ واحد کاهش خواهد یافت (یعنی معادل پولی کار زنده که قبلا به صورت ۲۰۰ واحد برای سرمایه داران و ۲۰۰ برای کارگران بین آنها تقسیم می شد اینک به شکل ۱۰۰ واحد برای سرمایه داران و ۳۰۰ واحد برای کارگران تقسیم خواهد شد) و در ارزش کل تولیدات (و بنابراین در قیمت کل تولیدات که بیان پولی ارزش آنها است) هیچ تغییری به وجود نخواهد آمد زیرا در این حالت نیز ارزش کل محصولات تولید شده برابر خواهد بود با $1000 = 100 + 300 + 600$ که همان مقدار گذشته است. بدین طریق اگر کارگران ۳۵۰ واحد و سرمایه داران ۵۰ واحد ببرند باز هم قیمت ها تغییری نخواهند کرد: $1000 = 50 + 350 + 600$. همچنین اگر کل مزد کارگران کاهش یابد و از ۲۰۰ واحد به ۱۵۰ واحد برسد، به شرط ثابت ماندن سایر عوامل، ارزش اضافی از ۲۰۰ به ۲۵۰ واحد افزایش خواهد یافت و باز ارزش کل کالاها برابر $1000 = 250 + 150 + 600$ خواهد بود. حتی اگر فرض کنیم کارگران ۴۰۰ واحد ببرند و سرمایه داران صفر واحد، یعنی سهم کارگران درست به اندازه تمام کار زنده باشد (یعنی تمام ارزش تولیدی کارگران به خود آنها برگردد و کارگران اصلا استثمار نشوند) باز هم تغییری در ارزش کل تولیدات به وجود نخواهد آمد (البته در این صورت دیگر با نظام سرمایه داری و کارمزدی مواجه نخواهیم بود). بدین سان نه با افزایش مزد کارگران ارزش کل کالاها افزایش خواهد یافت و نه با کاهش مزد آنان ارزش کل کالاها و خدمات کاهش پیدا خواهد کرد (به شرط ثابت ماندن سایر عوامل). خلاصه آنکه تورمی ناشی از افزایش مزد وجود نخواهد داشت. افزایش مردها، هیچ تأثیری، نه کم و نه زیاد بر تورم ندارد. تورم در جامعه سرمایه داری علل دیگری دارد که در اینجا نمی توانیم به آنها بپردازیم. (من در مقاله ای زیر عنوان «علل و پیامدهای اقتصادی و سیاسی تورم شدید و مستمر در ایران» - آذر ۱۳۹۱، به صورت نسبتا تفصیلی به موضوع تورم در ایران پرداخته ام. این مقاله در نشریه خیزش، شماره های ۱۶ و ۱۸ منتشر شده است.)

مارکس در سال ۱۸۶۵ در پایان جزوه «ارزش، بها، سود» به عنوان نتیجه گیری می نویسد:

«پس از این شرح بسیار طولانی که می ترسم خسته کننده هم بوده باشد، و من مجبور بودم وارد آن شوم تا حق موضوع را ادا کرده باشم قطعنامه زیر را پیشنهاد می کنم:

یکم: افزایش عمومی مردها باعث کاهشی در نرخ سود می گردد، اما به طور کلی بر قیمت کالاها اثر نمی گذارد.

دوم: گرایش عمومی تولید سرمایه داری نه افزایش، بلکه پائین آوردن سطح متوسط مردها است.

سوم: اتحادیه های کارگری به عنوان مراکز مقاومت در برابر چپاول و تعدی سرمایه خوب عمل می کنند. آنها قسماً به خاطر کاربرد غیر هوشمندانه قدرت خود دچار شکست می شوند. اما شکست عمومی آنها ناشی از این است که خود را به نوعی جنگ چریکی به ضد معلول های نظام موجود محدود می کنند به جای آنکه همزمان با این کار در راه دگرگونی آن نظام تلاش ورزند، به جای آنکه نیروهای سازمان یافته خود را همچون اهرمی برای رهایی نهائی طبقه کارگر، یعنی الغای نظام مزدی به کار برند.» (مارکس، ارزش، بها، سود، چاپ پنجم، انتشارات خارجی پکن ۱۹۷۵، بر اساس نسخه انگلیسی ۱۸۹۸، ص ۷۵. تأکید بر کلمات از من است. س. ش.)

مارکس همچنین در بی اعتنائی به سیاست (۱۸۷۳)، به نظرات پرودون آنارشویست فرانسوی در مورد نقش مزد در قیمت کالاها می پردازد و می نویسد از دید پرودون و پیروانش «نرخ دستمزدها قیمت کالا را تعیین می کند» یک «اصل ابدی» است. مارکس سپس می افزاید:

«حتی آنهایی که کوچک ترین اطلاعی از اقتصاد سیاسی ندارند و نمی دانند که ریکاردو اقتصاددان بزرگ بورژوا در کتاب «اصول اقتصاد سیاسی»، که در سال ۱۸۱۷ منتشر شد، این اشتباه قدیمی را برای همیشه رد کرده، به هر حال این واقعیت چشمگیر صنعت انگلیس را می دانند که این صنعت می تواند محصولات خود را به بهای پائین تر از هر کشور دیگر عرضه دارد در حالی که دستمزدها در این کشور، به طور نسبی بالاتر از هر کشور اروپائی دیگرند.»

(منبع: مارکس، بی اعتنائی به سیاست، ترجمه سهراب شباهنگ. این متن در سایت آذرخش قابل دسترسی است:

<http://www.azarakhsh.org/doc/magale/Bieetenaei.1106343258.pdf>

دفاع رئیس دانا از تز تأثیر افزایش مزد بر تورم (هرچند «به میزان کم») مانند دفاع او از سطح مزد حداقل در حول و حوش خط فقر مطلق، خواسته یا ناخواسته، دانسته یا ندانسته، پژواک نظر اقتصاددانان بورژواست، و آن هم نه اقتصاددانانی مانند ریکاردو که دست کم از بینشی عینی در مسأله ارزش و قیمت و عوامل مؤثر بر آنها برخوردارند.

جمع بندی

- مبارزه برای افزایش مزد یکی از خواست های مهم و دائمی کارگران در نظام سرمایه داری است.
- تا نظام کار مزدی و سرمایه داری ادامه داشته باشد هیچ میزانی از افزایش مزد باعث تغییر موقعیت کارگران از طبقه ای استثمار شونده و زیر ستم به انسان هائی آزاد از ستم و استثمار نمی شود.
- افزایش مزد می تواند تا اندازه ای وضعیت اقتصادی کارگران را بهبود بخشد و اگر مبارزه برای افزایش مزد با آگاهی طبقه کارگر از وضعیت خود و جامعه و تحول آن و چشم اندازی روشن برای دگرگونی جامعه در جهت محو استثمار همراه باشد، می تواند زمینه را نه تنها برای بهبود نسبی وضع کارگران، بلکه برای گسترش مبارزه آنان نیز فراهم سازد و در نهایت تلاش تاریخی کارگران برای برانداختن سرمایه داری و نظام کار مزدی را تقویت کند

- خواست افزایش مزد به تناسب نرخ تورم در بهترین حالت بیانگر حفظ وضع موجود یعنی محافظه کارانه است. اما در واقع خواستی قهقرائی است.
- در ایران چنان انباشتی از تورم و پسرقت مزد واقعی وجود دارد که نه تنها افزایش مزد به نسبت تورم، بلکه به نسبتی چند برابر تورم نیز برای یک زندگی عادی (متوسط هزینه زندگی خانوار شهری براساس آمار خانوار بانک مرکزی) کافی نیست.
- کارگران ایران بزرگترین طبقه اجتماعی و تولید کننده بخش اعظم ثروت اجتماعی اند از این رو طبیعی است که مزدی معادل هزینه متوسط یک خانوار شهری داشته باشند. بر همین مبنا مزد حداقل برای سال ۱۳۹۵ معادل سه و نیم میلیون تومان در ماه خواهد گردید.
- اعلام این خواست محصول تلاش، تفکر و تجربه دست کم هزاران کارگر پیشرو و فعال کارگری در سراسر ایران طی چند دهه اخیر است و نتیجه فائزتری و یا انعکاس بیماری کودکی چپ روی یا چپ نمائی نیست.
- مبارزه اقتصادی پرولتاریا مانند دیگر عرصه های مبارزه او امری دراز مدت است و باید هم خواست ها و منافع مبرم و هم منافع آتی این طبقه و توده های زحمتکش را در مد نظر داشته باشد.
- پیشبرد خواست مزد حداقل به میزان سه و نیم میلیون تومان در ماه و توضیح و ترویج آن در میان توده های کارگر یکی از وظایف مهم فعالان کارگری و کمونیست ها در شرایط کنونی است. باید از فرصت های پیش رو برای این کار مهم بهره برداری کرد.
- مبارزه طبقه کارگر برای خواست های اقتصادی و از جمله مبارزه برای افزایش مزد از کل مبارزه طبقاتی پرولتاریا جدا نیست. مبارزات اقتصادی طبقه کارگر برای به ثمر رسیدن باید با مبارزات سیاسی طبقه کارگر برای استقرار دموکراسی و برانداختن نظام سرمایه داری پیوند یابند و همسو شوند همان گونه که مبارزه سیاسی طبقه کارگر برای ریشه دار شدن و توده گیر شدن باید خواست های اقتصادی و مبرم توده های کارگر را در مد نظر داشته باشد.
- این دو عرصه مبارزه، یعنی مبارزه اقتصادی و مبارزه سیاسی طبقه کارگر به ابزارها و اهرم های سازمانی آگاه، رزمنده، مصمم و متکی بر توده ها نیاز مندند.
- در شرایط کنونی تلاش برای ایجاد حزب سیاسی انقلابی طبقه کارگر و سازمان های توده ای پرولتاریا برای پیشبرد مبارزات اقتصادی - اجتماعی کارگران و در همان حال پشتیبانی این سازمان ها از مبارزات سیاسی کارگران دو وظیفه حیاتی و اجتناب ناپذیر جنبش کارگری را تشکیل می دهند.
- ایجاد هسته های کمونیستی در میان کارگران، به ویژه در واحدهای بزرگ تولیدی، و تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل طبقه کارگر (مستقل از دولت، کارفرما، نهادهای دینی و احزاب سیاسی) در متن مبارزات سیاسی و اقتصادی یاد شده، دو محور مبارزات روزانه برای ساختارهای تشکیلاتی پرولتاریا در مبارزات حال و آینده اند.

پیوست

مزد حداقل اسمی (تومان در ماه) و نرخ تورم در سال های 1358 تا 1394

سال	1358	1359	1360	1361	1362	1363	1364	1365
مزد حداقل	1701	1905	1905	1905	1905	1905	2160	2160
نرخ تورم (درصد)	11.40	23.5	22.8	19.2	14.8	10.4	6.9	23.7
سال	1366	1367	1368	1369	1370	1371	1372	1373
مزد حداقل	2280	2490	2490	3000	5031	6801	8982	11682
نرخ تورم (درصد)	27.7	28.9	17.4	9.0	20.7	24.4	22.9	35.2
سال	1374	1375	1376	1377	1378	1379	1380	1381
مزد حداقل	15999	20721	25446	30153	36183	45801	56790	69846
نرخ تورم (درصد)	49.4	23.2	17.3	18.1	20.1	12.6	11.4	15.8
سال	1382	1383	1384	1385	1386	1387	1388	1389
مزد حداقل	85338	106600	126678	150000	183000	219600	263520	303048
نرخ تورم (درصد)	15.6	15.2	10.4	11.9	18.4	25.4	10.8	12.4
سال	1390	1391	1392	1393	1394	1395		
مزد حداقل	330300	389700	487125	680910	712425	812166		
نرخ تورم (درصد)	21.5	30.54	43.0	15.6	13-15 (تخمین)			

متحدانه به دفاع از

کارگران در ایران

برخیزیم!

کارگر متشکل، همه چیز، کارگر متفرق، هیچ چیز!



نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران-
خارج کشور
Solidarity Committees with the
Iranian Workers' Movement-
abroad

AWNI



Alternative Workers News-Iran

a fortnightly Newspaper from:

«solidarity committees with iranian workers movment – abroad»

بولتن انگلیسی نهادهای همبستگی را

به سازمانهای کارگری، اتحادیه ها، سندیکاها و تمامی
نهادهای کارگری جهانی و نیز در محلهای کار بدست
کارگران و فعالین کارگری برسانید!

از سری جلسات تجارب و مباحث کارگری

حق و حقوق زنان،

مبارزات و مطالبات زنان

سخنرانان:

منیژه صادقی

پروین ثقفی

استی پیروتی

سحر صبا

جمعه 18 مارس 2016

ساعت 21.00 بوقت اروپای مرکزی

28 اسفند 1394 ساعت 23.30 بوقت ایران برگزار شد.

در زیر سخنرانی منیژه صادقی و سحر صبا را ملاحظه میکنید. سخنرانی دیگر رفقا را بعد از دریافت در شماره های بعد منتشر خواهیم نمود.



متن سخنرانی منیژه صادقی

به تاریخ جمعه 18 مارس 2016 در جلسه پالتالکی نهادهای همبستگی

باعرض سلام وخسته نباشید به دوستان عزیز که این فرصت رو به من داده اید. من میخوام در باره ی کارگرن بخش خدماتی بیمارستانها صحبت کنم. کار در بخش خدماتی بیمارستانها یکی از کارهای بسیار سختی است که هر کسی نمیتواند از عهده آن بر بیاید. زنانی که در بیمارستانها به عنوان خدمه یا کارمند کار میکنند، جزو ضعیف ترین و تحت ستم ترین زنان جامعه هستند، این کارگران زن اکثر اوقات از طرف شرکتهای خدماتی به بیمارستانها معرفی میشوند، تا به عنون خدمه بیمارستان به کار مشغول شوند. شرایط کاری این زنان کارگر به این شیوه است:

1- از حقوقی که بیمارستان به این کارگر داده میشود باید مقداری از آن به شرکت خدماتی تعلق بگیرد.

2- این شرکتهای خدماتی کارگر را مجبور میکنند که قرار داد سفید امضاء کنند. شرکت خصوصی این دادهای سفید امضاء را به کارگران تحمیل میکنند که معمولاً قرار داد شش ماهه یا یک ساله می باشد. بعداً در این قرار داد نوشته میشود که این جانب مثلاً منیژه صادقی کارگر شرکت خدماتی در این سال کاری کل حقوق و مزایا و عیدی و پاداش خود را تحویل گرفته ام و هیچ طلبی در شرکت ندارم. به این طریق هر ساله کارگران باید به عنوان کارگر جدید قرار داد ببندد و عملاً از هر گونه حقوق و سنواتی بی بهره میگردند. اکثر زنان کارگر که در بخش خدماتی به کار مشغول هستند سرپرست خانواده هستند یا همسری مریض دارند یا همسرشان را از دست داده اند چون امکان کار دیگه ای ندارند، مجبورند این شرایط سخت کاری را قبول کنند، در غیر این صورت یا باید گدایی کنند، یا کار خلاف عرف سنتی و مرد سالاری انجام دهند که بعداً مورد تحقیر جامعه قرار میگیرند.

زنانی در بیمارستانها مشغول کار هستند که با وجود اینکه باز نشسته شده اند، اما به خاطر حقوق کمی که میگیرند مجبور هستند با وجود تمام خستگی های ناشی از سالها رنج و نابرابریها باز هم در بیمارستانها کار کنند. کارگران زن مورد هر گونه تحقیر و بی حرمتی قرار میگیرند. اما با این حال اجازه هرگونه اعتراضی را از آنها سلب میکنند و اگر به شرایط موجود اعتراضی کنند سریع او را اخراج میکنند و چون خیلی ها بیکار هستند و همیشه منتظر کار، با هر شرایطی حاضر به کار هستند زیرا نیروی تازه نفس را به جای او سرکار می آورند. در جامعه سنتی ایران زنان همیشه نصف یک مرد به حساب می آیند. پس در محیط کار نیز نصف حقوق یک مرد به او تعلق میگیرد.

زنان بنابه شرایط جسمی که دارند باید در ماه سه روز مرخصی داشته باشند، اما در ایران زیر حاکمیت مرد سالاری، زنان از هر گونه حقوق اولیه انسانی بی بهره هستند. ستم کشی بر علیه زنان در ایران اسلامی به حدی رسیده است که از توان هر انسانی خارج است و هر انسان آگاهی به عمق فاجعه پی میبرد. زنان کارگر شاغل در بیمارستانها جزو زنانی هستند که خیلی بیشتر و زودتر از زنان دیگر پیرتر و شکسته میشوند.

به امید روزی که تمام کارگران در عرصه های مختلف شغلی، بخصوص کارگران بیمارستانهای کشور، به صف مبارزات طبقاتی جنبشهای کارگری به پیوندند تا بتوانیم حق خود را از رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بگیریم.

با تشکر منیژه صادقی

متن سخنرانی جلسه بمناسبت 8 مارس 2016

سحر صبا

موقعیت زن در نظامهای طبقاتی

امروز دیدگاههای مختلفی در رابطه با «موقعیت زن» و ستم بر آن موجود است. ستمی که بر زنان در طول تاریخ تا به امروز روا داشته شده است، در هر مقطع معین از تاریخ، رابطه ستمکشی زن با موقعیت اقتصادی او، ربط مستقیم داشته است. موجودیت اجتماعی بشر در نظامهای کمون، برده داری، فئودالی در گذشته و نظام سرمایه داری حاکم در حاضر، انعکاسی از این نظامهای حاکم بوده و هست. میزان آزاد بودن و یا ستم و تبعیضاتی که بر زنان اعمال شده نه جدا از این روابط اجتماعی بلکه ریشه در روابط تولیدی و اجتماعی نظامهای حاکم داشته و دارد.

خیلی ها منشاء این بی حقوقی های زن را به جنسیت او ربط میدهند. وقتی زنان و مدافعان حقوق زن به مبارزه علیه فشار ستمی که بر آنها اعمال شده، برمی خیزند؛ وقتی تلاش میشود تا روابط برابری را بین مرد و زن برقرار کنند، در تقابل با این مبارزه استدلال هایی قد علم می کند؛ از جمله اینکه: بی حقوقی زن و عدم برخورداری وی از برابری با مرد، غیر قابل تغییر است؛ آنهم به این دلیل که این مسئله نسلاً به همین شکل از نظر تاریخی به قوت خود باقی بوده است، وابستگی زن و موقعیتی که او را تحت سلطه مرد قرار داده، همواره وجود داشته و همیشه نیز وجود خواهد داشت.

حقیقت این است، دلیل واقعی بی حقوقی، وابستگی و نابرابری زن را نه در خصوصیات طبیعی و بیولوژیکی اش، بلکه در مناسبات و روابط کاری باید جستجو نمود که جامعه به او تحمیل می نماید. شرایط و اشکال تولید، زنان را در طول تاریخ بشریت تحت انقیاد در آورده که سرکوب، وابستگی بیشتر و نابرابری را برای آنها به همراه داشته است.

عده ای بر این باوراند که رهایی زن به تکامل فرهنگ و علم مربوط است، این نمی تواند یک فاکت واقعی باشد. هیچگاه وضعیت بهتر زنان و آزاد بودنشان به میزان تمدن و برتری آن نه تنها ربطی نداشته بلکه این تفکر متفکران و مدافعان حقوق زن است که نابرابری زن را در جامعه پیشرفته و یا عقب مانده ارزیابی می کنند. بعنوان مثال، در کمون اولیه، زنان چیزی از بردگی، وابستگی و یا ستم نمی دانستند؛ درست همانطوریکه، بشریت چیزی از طبقه، استثمار کار و مالکیت خصوصی نمی دانست. و بشر، هزاران سال، با همین شرایط، زندگی کرد. در نتیجه، زن در دوران کمون اولیه، به دلیل پیشرفتش چه از جهت دانش و تمدن بشری، نه تنها با مرد برابر بود بلکه، حتی، در بسیاری موارد جلوتر بود؛ آنهم به دلیل خلاقیت زن در کشفیات و اختراعات و نقش او از نظر اجتماعی- اقتصادی که به سود بشریت تمام شده بود.

با اختراع کشاورزی زن در قبایل کشاورزی موقعیت مسلطی یافت، این نقش مادر بودن او نبود، بلکه نقش زن بعنوان تولید کننده اصلی در اقتصاد بود که این جایگاه را به وی اختصاص داد. به همین ترتیب می توانیم مشاهده نماییم که یک پدیده ثابت، مثل "مادری"، یعنی خصوصیت طبیعی زن را در بر می گیرد در طول تاریخ، تا به امروز تغییری نکرده است اما در موقعیت زن در شرایط و مناسبات مختلف اقتصادی بوده، که دستخوش تغییر شده است.

آنجا که زن به عنوان تولید کننده اصلی در اقتصاد نقش کلیدی داشت، دارای ارزش و حقوقی هم بود؛ زمانیکه در اقتصادی که کار او نقش فرعی را یافت، بتدریج، وابستگی و بی حقوقی او بیشتر شد و تبدیل به خدمتکار و حتی برده مرد شد.

اما، بتدریج که سیستم اقتصادی تغییر کرده و با بارآوری کار و انباشت ثروت روابط پیچیدهتری می یابد به نوع زندگی کمونی و مناسبات آن در قبایل بسته خاتمه داده میشود، بجای کمون اولیه، یک سیستم اقتصادی جدید، مبتنی بر مالکیت خصوصی و تجارت و مبادله روزافزون شکل می گیرد و جامعه به طبقات تقسیم می شود.

ستمکشی زن با تقسیم کار بر اساس جنسیت شکل گرفت؛ که در آن کار مولد به مرد و کارهای پاییین و حاشیه ای به زن محول شد. با تکامل و رشد تقسیم کار، وابستگی زن نیز شدت بیشتری گرفت؛ تا جائیکه بردگی او را تثبیت نمود. پیدایش مالکیت خصوصی رسماً روند جدایی زن از کار تولیدی را تسریع کرد. حتی عده ای بر این عقیده اند که مالکیت خصوصی به تنهایی نمی توانست عامل اصلی این نابرابری بین افراد جامعه باشد، می توان گفت که وجود آن مستقیماً منجر به تثبیت نابرابری مرد و زن و وابسته نمودن و تحت ستم درآوردن زن گردید. پیدایش مالکیت خصوصی در درجه اول سبب شد تا اقتصاد خانگی از اقتصاد اشتراکی و یکسان قبیله جدا گردد. در ضمن، وجود این واحدهای خانگی مستقل و مجزا، منجر به تقویت شکل "خانواده بسته" شد. اما، در این اقتصاد خانگی محدود، یک نوع تقسیم کار دیگری نیز به وجود آمد: تمام کارهای تولیدی خارج از خانه به مردها اختصاص داده شد، در حالی که وظیفه زن مادر بودن و کار در آشپزخانه شد. مالکیت خصوصی که وجود اقتصاد خانگی را امکان پذیر نمود، با کار خانگی محدود و غیر تولیدی و دائمی، زن را به اسارت کشید. به این ترتیب، از نقطه نظر اقتصادی، اهمیت کار زن کاهش یافت و این نظر که زن موجودی بی ارزش و وابسته به مرد است و مرد در تولید نقش دارد و ارزشهای جدیدی ایجاد می کند، شدت یافت.

در دوران برده داری مرد و زن، به طور یکسان، از حقوق اجتماعی و آزادی محروم بودند و به یک میزان، ستم می دیدند. آنان در سهمی که از کار مداوم، سنگین، قابل فرسایش انجام میدادند برابر و همانند هم گرسنگی و زجر دائم را متحمل میشدند. علت وجود چنین روابطی، در میان بردگان، ناشی از موقعیت اجتماعی و شرایط بی حقوقی آنان بود.

در این دوره، زن برای انجام کارخانگی تربیت می شد و وظیفه اش این بود که عفیف، نجیب، بی سواد و نادان باشد. اگر زن با مرد دیگری رابطه می داشت، همسرش می توانست او را مثل برده بفرودشد؛ برعکس، اگر مرد از همسر پاکدامنش خسته می شد، حق داشت معشوقه بگیرد. در یونان، در کنار تک همسری قانونی، نوعی چند همسری غیر قانونی ولی مورد قبول همگانی رایج بود: "یک همسر قانونی برای زاد و ولد و کارهای خانگی، یک معشوقه برده برای ارضای هوسها.

در این دوره تعدادی از زنان، ستم بی حقوقی را شدیداً حس و درک کردند؛ و تلاش نمودند از طریق اعتلای فرهنگی تغییراتی بوجود بیاورند اما، از آنجائیکه هیچ نقشی در اقتصاد جامعه نداشتند، نتوانستند شرایط زندگی زنان را تغییر بدهند.

در مقابل هم اکثریت زنان، به عنوان بردگان مرد و خانواده باقی ماندند.

در نظام فئودالی یا ارباب و رعیتی موقعیت زن و مرد دهقان تفاوت چندانی نداشت. هر دو آنها مجبور بودند تا هر روز به طور مستمر کار شاق کنند؛ بی آنکه از احترام یا حقوقی برخوردار باشند. در واقع فقط ارباب مالک زمین بود که حقوقی داشت و مورد احترام بود. مرد دهقان و همسرش، هر دو مشترکاً و متفقاً در بند ارباب اسیر بودند. اما در درون خانواده، همان مرد رعیتی که هیچ حقوقی نداشت و وابسته به ارباب بود، ارباب همسرش بود. مرد دهقان، با همسرش از همان موضع برتری برخوردار می کرد که یک فئودال، با همسرش که از ناز و نعمت و ثروت برخوردار بود. اگر فئودال و صاحب زمین می توانست همسر خود را هم چون یک کالا در جریان قمار بیازد یا او را به صومعه و کلیسا بفرستد، مرد دهقان هم به خود حق می داد که همسرش را از خانه بیرون بیاندازد یا او را در بازار معاوضه کند. هم زمان با تثبیت مالکیت خصوصی در بین طبقه دهقان "حق پدری" و بدین وسیله قدرت مرد بر همسر و فرزندان نیز افزایش و تثبیت شد.

بنا به آنچه تاریخ نویسان ثبت نموده اند، زنان دهقانان در این دوره به اعتراض به وضع موجودشان دست به شورشهایی زده اند. در این شورشها، زنان شورشی دهقان در امر مبارزه اشان بسیار مصمم و انتقامجو بودند. آنها نمی‌توانستند غیر از این باشند؟ آنها در مقابل ارباب از هیچ حقوقی برخوردار نبودند و در آداب و رسوم مبتنی بر "حق پدری" اسیر بودند. هیچ کار سنگینی وجود نداشت که بر عهده زنان دهقان گذاشته نشده باشد. زنان دهقان، علیرغم آن که دقیقاً به اندازه مردان دهقان کار تولیدی می‌کردند، اما هیچ حقوقی در جامعه نداشتند.

ببینیم که دلایل پایه‌ای و اصلی که این مسئله را ایجاد میکرد چه چیزهایی بودند: جایی که مالکیت خصوصی حاکم است، به کار و نتیجه مستقیم آن یعنی، به تولید ضروریات زندگی، ارزش و احترامی گذاشته نمی‌شود؛ بلکه، به درآمد و سودی ارج نهاده می‌شود که از طریق حق مالکیت خصوصی به دست می‌آید.

هر رعیتی قطعه زمینی داشت و این زمین متعلق به زن نبود، بلکه به مرد، شوهر، پدر و برادر تعلق داشت و تثبیت این قوانین ارتجاعی کاملاً ریشه اش در آداب و رسوم پدر سالاری بود. حاکمیتی که در این دوره اقتصادی، بر نظام ارباب رعیتی و مالکیت خصوصی زمین استوار بود. چه زنان اشراف و چه زنان دهقان در آن زمان از حقوق برابر، استقلال و حقوق کامل انسانی برخوردار نبودند و علت هم در موقعیت اقتصادی نابرابری بود که بر زنان تحمیل شده بود.

البته، در این دوره وضعیت زن فنودال متفاوت از همسرش بود. دانش و وظایفی که زن فنودال در سازمان دادن اقتصاد قلعه به عهده داشت، نیاز داشت از نظر فکری و ذهنی ارتقاء یابد و بر آوردن این نیاز او را باهوش تر از همسرش کرده بود. در واقع، این شرایط اقتصادی بود که همه ابتکارات زن را گرفت و او را مطیع و سربر زیر ساخت و فعالیت های شخصی و فکریش را خفه کرد.

فرقی که زن اشراف با زن رعیت داشت سازمانده تولید بود، و بهمین دلیل از امتیازات مالی و حقوقی مشخصی برخوردار بود. ولی همین زن در مقایسه با همسرش و در برابر قانون کاملاً زیر دست بود و هیچگونه حقوق برابری بین این دو وجود نداشت.

در دوره فنودالیسم اقتصاد بسنه خانواده که بر تولید فردی متکی بود، زن را از تولید جمعی باز داشته بود و فقط این امکان را برایش فراهم کرده بود که تنها به آن دسته از کارهای تولیدی بپردازد که نیازهای خانواده اش را برآورده نماید. زن علیرغم اینکه وقت و انرژی خیلی زیادی برای کار خانگی صرف می‌کرد، اما برای کارش ارزشی قائل نبودند؛ آن هم به این دلیل که محصول کارش جهت فروش به بازار عرضه نمی‌شد.

با رشد و توسعه مبادله تجاری و تولیدات پیشه‌سوری از همان دوره فنودالیسم، اقتصاد طبیعی از دور خارج شد. سیستم پولی قدرت گرفت و تعداد افراد مزدگیر که در ازای دریافت پول خدماتی را انجام می‌دادند، افزایش یافت و زن نقش خود را به عنوان سازمانده اقتصاد که مسئولیت انبار کردن و کنترل تولیدات قلعه را به عهده داشت را از دست داد. اقتصاد جدید که بیشترین سود آوری را در مبادله و تجارت جستجو می‌کرد با کمک قوانین اجتناب‌ناپذیر تکامل اقتصادی، سیستم اقتصادی پیشین را منحل کرد و سیستم جدید، یعنی سرمایه‌داری را که از دل مبادلات تجاری رشد کرده بود، مستقر نمود.

باید به این نکته هم توجه داد که سرمایه داری در طی پروسه ایی مراحل مختلفی را طی کرد و تکامل یافت. در طول قرن نوزدهم، ادغام شرکت ها و ظهور تراست ها هم زمان با رشد تولید انبوه ظاهر گردیدند و تثبیت شدند. اقتصاد سرمایه‌داری "سرمایه مالی" نام گرفت. بار آوری کار و ارزش اضافه در کشور های پیشرفته صنعتی و جستجو برای پیدا کردن راه های مناسب برای استفاده از سرمایه‌های متمرکز، دولت های بزرگ سرمایه‌داری را به طرف سیاست اشغالگرانه کشور های تحت سلطه برای استفاده از نیروی کار ارزان سوق داد.

وجود همین تقاضای گسترده به نیروی کار ارزان باعث شد تا پای زنان به "تولید" باز شود. اولین مرحله تکامل سرمایه‌داری یعنی بین قرن ۱۴ تا ۱۷ و ۱۸ ایام سختی برای مردم عادی و دوران پیشرفت ناگهانی برای کل بشریت و بویژه سرمایه داران بود. اولین قربانی این شرکت‌های در حال رشد، زنان بودند که محافظت و حمایت نمی شدند.

بورژوازی در حال رشد، که طالب فردیت بود حقوق فردی شهروندان را به رسمیت شناخت. در نخستین دوره رشد سرمایه‌داری که با تمرکز و تجمع سرمایه همراه بود، کار فردی، ابتکار، استعداد، ثبات، قدرت جسمی و روحی موجودیت صاحبان شرکت‌های سرمایه‌داری را تضمین میکرد.

به این ترتیب، انسان و خصوصیات وی، از جمله فردیتش مورد توجه قرار گرفت. این ارزش جدید انسانی، در رابطه با زن فقط تا حدودی در بین بورژواها خود را نشان داد. در بین بورژوازی در حال رشد، شخصیت زن تا حدی مورد پذیرش قرار گرفت و زن هم سهمی از آزادی بدست آورد و توانست به دانش و علم دسترسی یابد.

همزمان با رشد طبقه کارگر مزدبگیر که دائماً رو به افزایش بود زن وارد دوره تاریخی جدیدی شد، که مشخصه‌اش ستم چندگانه بود. ستم و بی‌حقوقی‌هایی که از جانب دولت و جامعه بر وی اعمال می‌شد، ستمی که ناشی از بردگی و کار خانگی و وابستگی او در خانواده بود و ستم طبقاتی که ریشه در استثمار بیرحمانه نظام سرمایه‌داری داشت. سرمایه بر بردگی زن مهر خود را کوبید. زنی که به کارخانه راه می‌یافت، به طبقه استثمار شدگان و بردگان مزدور سرمایه تعلق داشت که در چشم دنیای بورژوازی مورد تحقیر بود.

در این دوران، بی‌حقوقی زن در درون خانواده و جامعه فراتر رفته، و با اضافه شدن قدرت صاحبان شرکت و سرمایه شدت گرفت. ولی درست به همین دلیل هم بود که سرنوشت تلخ و بی‌حقوقی زن کارگر، با سرنوشت مرد کارگر همسطح و عجین شد و شرایطی بوجود آمد که فقط بوسیله هر دوی آنها رهایی زن ممکن گردید. زن وارد یک مرحله جدید شد و سرنوشت او با سرنوشت طبقه کارگر پیوند گسست‌ناپذیری پیدا کرد. کار او که به آن ارزش کمی داده شده بود در اقتصاد ارزش جدیدی یافت. برابری حقوق زن که قرن‌ها زیر پا گذاشته شده بود، توانست فقط بوسیله مبارزه طبقه کارگر تضمین شود.

در طول پروسه ای که زن از نظر تاریخی پشت سر گذاشته، جنبشهایی در رابطه با حقوق زنان شکل گرفته اند، که هر کدام از آنها با اهداف و بر نامه های متفاوتی خواستار رفع نابرابری و ستم بر زنان بوده اند. با پیشرفت صنعت و شکل گرفتن جامعه سرمایه داری در طول صد سال گذشته دو جنبش مختلف زنان در عرصه اجتماعی فعال بوده و در تلاش اند تا زنان را از ستم جنسی و طبقاتی که بر آنها روا شده است رها سازند: مارکسیسم و فمینیسم. خواست هر دو خاتمه دادن به نابرابری و موقعیت تحت ستم زنان در جوامع امروزی و استقرار موقعیتی با برابری کامل زن و مرد می باشد. اما این دو جنبش، ستم بر زنان را با دیدگاههای کاملاً متفاوتی بررسی و مشاهده نموده و استراتژی‌هایی را برای این رهایی دنبال می کنند که کاملاً در تقابل با یکدیگر قرار دارند.

فمینیستها در جستجوی برابری در چهارچوب جامعه طبقاتی موجود هستند؛ آنها بهیچوجه مناسبات استثمارگرانه جامعه را مورد تعرض قرار نمی دهند؛ آنها فقط برای حقوق ویژه خود می جنگند، بدون اینکه ساختارهای اقتصادی اجتماعی جامعه را مبنای این نابرابری بدانند و بر علیه آن به مبارزه برخیزند، در پی کسب حقوق ویژه و امتیازات خود در چهارچوب مناسبات جامعه موجود هستند. بدنبال رفرفرمهای بورژوازی هستند که بتواند زنان را از نظر حقوقی با مردان برابر نماید.

به هر حال، هر قدر هم مطالبات فمینیستها ظاهراً رادیکال باشد، نباید این واقعیت را نادیده گرفت که فمینیستها به دلیل جایگاه طبقاتیشان نمی توانند برای تغییر اساسی ساختار اقتصادی و سیاسی کنونی جامعه مبارزه کنند؛ تغییری که بدون آن، نمی تواند تضمین کننده آزادی زنان از ستم جنسی و طبقاتی باشد.

برای فمینیستها کسب حقوق برابر با مردان در چهارچوب جهان سرمایه داری معاصر، به خودی خود پایانی کنگرت و مناسب را نمایندگی می کند، برای زنان کارگر اما برابری حقوق در دوران کنونی، تنها ابزاری است برای پیشرفت مبارزه علیه برده گی اقتصادی طبقه کارگر. فمینیستها، مردان را به عنوان دشمنان اصلی می بینند، زیرا مردان همه ی حقوق و امتیازات اجتماعی را تصاحب نموده و فقط اسارت و بردگی را برای زنان باقی گذاشته اند. مساله ی زن برای زن بورژوا، تقریباً در اواسط قرن نوزدهم، یعنی دوران قابل ملاحظه ای بعد از ورود زنان کارگر به عرصه کار، از اهمیت برخوردار شد. تحت تاثیر رشد سرمایه داری، طبقات متوسط با موج وسیعی از نیازها مواجه شدند. تغییرات اقتصادی، وضعیت مالی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط را بی ثبات کرد و زنان بورژوا با شرایطی تهدید کننده روبرو گشتند: یا قبول فقر و یا کسب حق کار. زنان متعلق به این طبقه شروع به وارد شدن در دانشگاه ها، سالنهای هنر، اماکن روزنامه نگاری و دفاتر موسسات دیگر کردند.

زنان بورژوا از همان اول با مقاومت سفت و سخت مردان روبرو شدند. یک نبرد سرسختانه بین مردان شاغل، و زنانی که قدم به بازار کار روزانه گذاشته بودند، در گرفت. این مبارزه، زمینه ظهور "فمینیسم" را فراهم کرد که به معنی کوشش زنان بورژوا برای در کنار هم قرار گرفتن و به کار بردن قدرت مشترک علیه دشمن خود یعنی علیه مردان بود. این زنان به محض ورود به عرصه ی کار، خود را با افتخار "پیشروان جنبش زنان" خطاب کردند. و فراموش نمودند، که کسب استقلال اقتصادی در عرصه های اجتماعی، را بدون حضور زنان کارگر نمی توانستند بدست آورند.

دستاوردهایی که زنان کارگر در زمینه ی بالا بردن استانداردهای زندگی خود کسب کرده اند، نتیجه ی کوشش طبقه کارگر به طور عموم و خود زنان کارگر بطور اخص می باشد. تاریخ مبارزات زنان کارگر برای شرایط بهتر کار و برای یک زندگی شایسته ی انسان، بخش مهمی از تاریخ مبارزه طبقه کارگر برای آزادی خود است.

در عصر سرمایه داری طبقات استثمار شونده و تحت ستم زن و مرد همانقدر "موضوع" تاریخ اند که طبقات حاکم. مبارزه طبقاتی بین استثمار کنندگان و استثمار شوندهگان صرف نظر از جنسیت شان، نیروی محرک دگرگونی های تاریخ بوده است. ستم جنسی و طبقاتی بر زنان تنها در متن و مناسبات روابط گسترده تر استثمار طبقاتی قابل درک است. تنها مبارزه طبقاتی است که میتواند به هر نوع ستم طبقاتی و جنسی خاتمه داده و با برقراری سوسیالیسم نه تنها رهایی زنان بلکه رهایی بشریت را برقرار و تضمین سازد.



اطلاعیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران)

🌹🌹🌹🌹 شادباش و تبریک بمناسبت آزادی رسول بداقی

هفت سال زندان، با پایان دوره رسول بداقی، عضو ارشد کانون صنفی معلمان ایران، پس از تحمل درد و رنج شد. در این سال های پر درد همسر و فرزندان رسول شرایط بسیار سختی محکومیتش، شب گذشته از زندان اوین آزاد نیرو را دادند که بتواند این سال های پر محنت پشت سر گذاشتند آنها با تحمل و پایداری خویش به رسول این قدرت و را نازنین رسول مختلف از اوین تا گهر دشت تحمل نماید. دیشب شکبیا و ستایش دو قلوهای را در زندان ها و بندهای خویش را آزادانه در آغوش کشیدند. ما آزادی رسول بداقی را بداقی پس از هفت سال دوری از پدر، برای اولین بار پدر ستایش و شکبیا تبریک و شادباش بیش از همه به همسر فداکار و صبور وی و دختران فهیم و نازنینش، شبنم، پیش و می گوئیم

فعالین صنفی، کانون های صنفی سراسر کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، از همراهی و پیگیری تمام معلمان، سراسر ایران، سایر افراد و تشکل های حقوقی، مدنی و صنفی در ایران کشور، شورای هماهنگی تشکل های صنفی تلاش نموده اند، تشکر و قدردانی می ونهادهای بین المللی آموزشی و صنفی که در این سال ها برای آزادی رسول قدردانی می کنیم. و آزادی های وکلای آقای بداقی، خانم اسدخانی و آقای عطار، صمیمانه کند. همچنین ما از تلاش ایران زمین، فعالین صنفی و مدنی و هرکس که خواهان بهبود وضعیت رسول بداقی را به تمام هموطنان، معلمان کودکان است صمیمانه تبریک می گوئیم آموزش

اتهام امنیتی به فعالین صنفی را از اساس کانون صنفی معلمان تهران به صفت یک تشکل مستقل صنفی و آموزشی، زندان شود. هیچ معلمی نباید بخاطر پیگیری مسایل صنفی و آموزشی متحمل درد و رنج قبول ندارد. ما معتقدیم که ضمن تحقق خواسته ها و مطالبات بر حق معلمان، زمینه را زندان نباید پاسخ به مطالبات معلمان باشد و مسئولین بایستی همکاران دربند ما فراهم نمایند برای آزادی سایر

به امید تحقق مطالبات صنفی و آموزشی ایران

به امید آزادی معلمان دربند

به امید آرزوی سلامتی و شادی برای رسول و خانواده محترم ایشان

کمیته اطلاع رسانی کانون صنفی معلمان ایران (تهران)



به مناسبت 28 آوریل، روز جهانی حوادث محیط کار



چه کسی پاسخ‌گوست؟ مقصر اصلی کیست؟؟؟

نظام سرمایه تنها در پی سود و چرخش چرخ استثمار است، این سود و سرمایه را به شیوه‌هایی مختلف چون ترویج بیگاری، ایجاد ترس و وحشت در میان کارگران و محول کردن وظایفی نا متناسب به توان کارگر، از گرده همان کارگر حاصل می‌کند. کارگر در این نظام فاقد حتما نام انسان است بلکه در چشم، مهره ایست قابل تغییر و ارزان.

حوادث معمولاً نتیجه شرایط و عملیات نا مطمئن و نا امن است و تنها و تنها مثل همیشه این طبقه محروم و استثمار شده زحمتکش است که زیر بار چنین حوادثی می‌رود. حادثه‌ای که حتماً اگر جانی از آن در ببرد، جانی است ناقص و معلول که آن هم خود دردیست فرای دردهای دیگر. معلولیت کاری، فرسودگی کار و عدم توانایی لازم بعد از حادثه هم از پیامدهای حوادث محیط کار می‌باشد که معمولاً به فروپاشی خانواده و یا خودکشی کارگر آسیب دیده منجر می‌شود.

علاوه بر خسارت جانی و جسمی، خسارات مادی چنین حوادثی برای قربانیان آن و خانواده‌هایشان، فاجعه بار و خانه خراب کن است. طبق آخرین خبرسازمان پزشکی قانونی در چهارشنبه 8 اردیبهشت ماه 1395: 1494 کارگر بر اثر حوادث کاری در سال 1394 جان باختند. اگر حداقل هزینه تأمین وسائل ایمنی یک کارگر در سال را 500 دلار یعنی تقریباً 675000 تومان حساب کنیم که به عهده کارفرماست، کارفرمایان صاحب واحدهایی که در آنها این حوادث مرگبار روی داده، در سال گذشته، با "صرفه جوئی" و هزینه نکردن این مبلغ به قیمت جان 1949 کارگر، مبلغ 1008450000 (یک میلیارد و هشت میلیون و چهارصد و پنجاه هزار) تومان سود جسته اند! که می‌توان روشن‌تر فهمید سرمایه چگونه به قیمت خون و جان و سلامت کارگران فربه و فربه‌تر می‌شود!!!

رفتن تیغی به انگشت کارگر به سان تیریست در قلب تکا تکا ما. با روشنگری، افشاگری و حمایت از تمامی کارگران و زحمتکشان در حفظ جان و سلامت آنها بکوشیم

حوادث محیط کار

دوام و بقاء نظام سرمایه داری در انباشت هرچه بیشتر و حریصانه تر سود و سرمایه از طریق استثمار و غارت هرچه وحشیانه تر است. کار هرچه ارزانتر، دستمزد ناچیز، تأخیر یا عدم پرداخت دستمزدها، افزایش ساعات کار، افزایش سرعت کار، قطع مزایا و سایر پرداخت های جنسی یا سوبسیدها، عدم پرداخت تعهدات و وظایف از جمله سهم بیمه کارگران، عدم رعایت وظایف تصریح شده در قانون کار از جمله تأمین وسایل ایمنی کار و یا پرداخت خسارت به آسیب دیدگان، مخالفت و ممانعت از ایجاد تشکلات کارگری و به رسمیت نشناختن نمایندگان واقعی کارگران تا آزادانه و بدون مانع و مخالفتی به غارت خود از حاصل کار کارگران ادامه دهند، توسل به زور و سرکوب و تعقیب و دستگیری و زندان و شکنجه و حتا اعدام به پشتوانه دولت سرکوبگر و ضد کارگری که منافع سرمایه داران را نمایندگی می کند، جلوه ها و اشکالی از این استثمار وحشیانه است.

اما فجع تر و وحشیانه ترین نوع ضد انسانی این استثمار، کشتار آشکار کارگران در نتیجه حوادث محیط کار به سبب فقدان ایمنی محیط و وسایل محافظتی ضروری است، تا با صرفه جویی! در پرداخت این هزینه ها، به قیمت جان انسان هایی شریف، باز هم سودجویانه به سرمایه های غارت کرده خود بیافزایند. سال گذشته نیز حوادث کار قربانی بیشمار داشت و هزاران حادثه منجر به جراحات، قطع عضو و از کار افتادگی اتفاق افتاد. مطابق آمار سازمان جهانی کار: هر 15 ثانیه یک کارگر در جهان بخاطر فقدان تجهیزات ایمنی و یا عدم رعایت مقررات مربوطه و یا به خاطر امراض ناشی از شرایط کاری جانش را از دست می دهد، یعنی سالانه 2102400 کارگر زحمتکش جان می دهند تا سرمایه بیشتر جان بگیرد!

اگر هزینه سرانه برای تأمین ایمنی هر محیط کاری را به ازای هر نفر حداقل 500 دلار در سال، فرض کنیم که سرمایه دار از پرداخت کامل آن خودداری می کند، می توانیم محسم کنیم که سرمایه و سرمایه دار به ازای این قتل عام آگاهانه کارگران، چه سرمایه کلانی را به دست می آورد که شاید بتوان حتا آن را یکی از راه های عمده و کم هزینه کسب سود هرچه بیشتر نامید! طبق این محاسبه تقریبی، سرمایه داران مبلغ 1051200000 (یک میلیارد و پنجاه و یک میلیون و دویست هزار) دلار در عرض یک سال به ازای جان دو میلیون و صد و دو هزار و چهارصد نفر، "صرفه جویی" کرده اند!

مبارزه برای تأمین ایمنی محیط کار و فشار بر کارفرمایان برای رعایت مقررات کار جهت جلوگیری از حوادث، تنها یک تلاش خیرخواهانه و انسان دوستانه برای کاهش تلفات نیست، بلکه عرصه مهمی از مبارزه طبقاتی و جدال طبقه کارگر علیه سرمایه در کاهش شدت استثمار به قیمت جان انسانها و دفاع از منزلت انسانی و جایگاه اجتماعی طبقه کارگر است که بی ارزش شمردن جان آنها اینگونه بشماره مورد تحقیر و توهین نیز قرار میگیرند.

با یاد جانباختگان عرصه کار، برای حفظ جان زندگان و جلوگیری از دادن قربانی های بیشتر و تأمین زندگی بازماندگان، فعالانه، گسترده و متحدانه علیه نظام سرمایه تا به آخر بجنگیم.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



مصوبات

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران

خارج کشور

الف: اشتراکات ما "

- 1- نهادهای همبستگی با کارگران ایران دفاع از خواسته ها، مبارزات و تشکلات مستقل کارگری در همه اشکال آن را مهمترین وظیفه خود می دانند. انعکاس اخبار و مبارزات کارگری و سایر جنبش های اجتماعی در ایران از دیگر وظائف این نهاد ها می باشد.
- 2- این نهادها در مقابل نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و کلیه نیروهای ارتجاعی و ضد کارگری و عوامل آنها در سطح کشوری و بین المللی مرزبندی قاطع و روشن دارند. افشا و مبارزه بر علیه این نیروهای ارتجاعی و همچنین افشا و جلوگیری از بهره برداری های نیروها و نهادهای راست و امپریالیستی از مبارزات کارگری از جمله دیگر وظائف این نهادها می باشد.
- 3- تلاش برای ارتباط گسترده تر جنبش کارگری ایران با جنبش بین المللی کارگری و جلب حمایت و همبستگی وسیعترین نیروهای مترقی بین المللی از جنبش کارگری ایران، دفاع از مبارزات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی کارگران و سایر اقشار محروم اجتماعی در سطح جهان و شرکت فعال در این مبارزات وظیفه نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.
- 4- تبلیغ ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و حاکمیت سرمایه در ایران نیز از جمله وظائف ماست.
- 5- تبادل نظر و اطلاعات در جهت خدمت به کار مشترک و نیز حفاظت از نهادهای همبستگی کارگری در خارج از کشور به صورت مشترک در برابر دشمنان طبقه کارگر و به ویژه رژیم جمهوری اسلامی از جمله وظائف مشترک ماست.
- 6- جمع آوری کمک مالی برای تشکلات مستقل کارگری در ایران یکی دیگر از وظائف نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.

ب: " ارگان ها "

یک: مجمع عمومی

- 1- مجمع عمومی عالی ترین ارگان برنامه ریزی و تصمیم گیری نهاد های همبستگی کارگری است. این مجمع عمومی هر 6 ماه یک بار تشکیل می یابد. نشست و یا مجمع عمومی حضوری سالی یکبار برگزار میگردد.
- 2- مجمع عمومی بررسی گزارش های هئیت هماهنگی و واحد ها، پیشنهادات، تغییر یا تکمیل مواد یا مبانی همکاری ها، برنامه ریزی آینده و انتخاب هئیت هماهنگی آینده را بعهدہ دارد.
- 3- مجمع عمومی با حضور دو سوم نهادها رسمیت می یابد. حضور تمامی اعضا نهادها در مجمع عمومی ضروری و آزاد است.
- 4- به پیشنهاد نصف بعلاوه یک نهادها و شرح ضرورت آن مجمع عمومی فوق العاده فراخوانده میشود.

5- بررسی و پذیرش تقاضای پیوستن نهادهای جدید براساس قبول موازین مشترک جمع و حداقل معرفی یک نهاد صورت می گیرد. این تقاضا از طریق کمیته هماهنگ کننده برای همه نهادها ارسال می شود که در صورت توافق نصف به علاوه یک نهادها در مدت یک ماه، آن نهاد به عضویت در می آید.

تبصره - در صورت ارائه سند از جانب نهادی در مورد عدم صلاحیت نهاد متقاضی عضویت، تصمیم گیری برعهده اولین مجمع عمومی می باشد.

6 - میهمانان در مجمع عمومی عبارتند از:

الف - رفقانی که هیئت هماهنگ کننده از فعالان کارگری داخل و خارج از کشور دعوت به عمل می آورند. شرکت این میهمانان در مجمع عمومی با تأیید دوسوم هیئت هماهنگ کننده صورت میگیرد.

ب - رفقانی که در رابطه با مناسبات همبستگی بین المللی و ارتباط با گرایشات چپ کارگری شهری از طریق رفقای تدارک دهنده مجمع عمومی دعوت می شوند. رفقای دعوت شده میتوانند در تمامی طول جلسات حضور نمایند. با بحث و تبادل نظرات و بعنوان مشاور و انتقال تجربه درمباحث شرکت نمایند و رای مشورتی دارند.

7 - همه اعضای حاضر در مجمع عمومی از حق رای مساوی برخوردار هستند.

8 - نهاد محلی به نهادی گفته می شود که حد اقل از سه عضو تشکیل شده و در پیوند با محیط استقرار خود (کشور یا شهر) فعالیتی مستمر برای جلب حمایت از جنبش کارگری در ایران داشته باشد.

دو : هیئت هماهنگ کننده

1- مجمع عمومی برای هماهنگ کردن فعالیت ها و پیگیری مصوبات، برنامه ها و رابطه بین نهادها یک هیئت هماهنگ کننده سه نفره انتخاب میکند.

2- هیئت هماهنگ کننده هر 14 روز یکبار تشکیل جلسه داده و وظایف را بر حسب مورد بین خود یا اعضای دیگر تقسیم میکند. سایر اعضای نهادها نیز میتوانند بدون حق رای و تنها با حق مشارکت در این نشست ها شرکت کرده و در چهارچوب دستور جلسه تعیین شده توسط هیئت هماهنگ کننده و در محدوده زمانی که برای اظهار نظرات آنها معین می شود، نظرات مشورتی خود را ابراز کنند.

3- هیئت هماهنگ کننده مجاز نیست به اقدامات یا برنامه هایی خارج از مصوبات مجمع عمومی بپردازد. همچنین حق نقض و یا تغییر تصمیمات مجمع عمومی را ندارد. هر پیشنهاد یا برنامه جدید باید به اطلاع تمامی نهادها رسیده و با توافق نصف به علاوه یک آنها قابل اجرا خواهد بود.

4- هیئت هماهنگ کننده راسا مجری هیچ برنامه ای نیست بلکه میکوشد با درگیر کردن تمامی رفقا و تقسیم کار مناسب از طریق تشکیل گروه های کاری فعالیت های عملی را هماهنگ کند.

5- گزارشات مجامع عمومی، مصوبات، اطلاعیه ها و اخبار مربوط به مجموع نهادها تنها از طریق هیئت هماهنگ کننده انتشار بیرونی می یابد و از طریق ایمیل گروهی توزیع درونی می شود.

6- با توجه به نیاز و ضرورت، جلسات عمومی از اعضای نهادها برگزار میشود. در این جلسات که معادل مجمع عمومی نبوده و از اختیارات مجمع عمومی برخوردار نیستند، نهادها گزارش فعالیتهای خود را ارائه داده و نیز بحث، تبادل نظر و مشورت پیرامون پیشنهادات و فعالیتهای جاری صورت میگیرد. اداره این جلسات عمومی بعهد هیئت هماهنگ کننده بوده و گزارش این جلسات را تهیه و به نهادها ارسال میکند.

7- هر شش ماه یکبار در مجمع عمومی سه نهاد به طور دوره ای و چرخشی برای تشکیل هیئت هماهنگ کننده انتخاب میشوند. هر یک از این نهادها یک نفر را برای شرکت در هیئت هماهنگی معرفی میکند.

8- هیات هماهنگ کننده می باید بصورت کاملاً پیگیر خواهان ارسال گزارشات شش ماهه نهادها بشود و بعد از بررسی، آن گزارشاتی را که برای انتشار بیرونی مناسب هستند به مجمع عمومی ارائه دهد تا در مورد آنها تصمیم گیری شود.

9- بمنظور انتقال تجربه از هیات هماهنگ کننده قبلی به هیات جدید، ضروری است یک نفر از اعضای هیات پیشین، در جلسات هیات هماهنگ کننده جدید به مدت یکماه بعنوان مشاور حضور داشته باشد.

10- مسئولیت انتشار بیانییه و اطلاعیه ها با هیئت هماهنگ کننده بامکانیزم 48 ساعت گردش و نظرخواهی در درون نهادها میباشد.

تبصره یک: اطلاعیه و بیانییه ها بایستی حتی الامکان کوتاه و روشن در چهارچوب مصوبات و سیاست کلی نهادها و بدون وارد شدن به مباحث پلمیک و نظری باشند.

تبصره دو: اطلاعیه ها بصورت پیش نویس به هیئت هماهنگ کننده ارسال و از آنجا به همه نهادها و منفردین برای نظردهی فرستاده می شوند. اگر نهادی مخالفت یا ملاحظه ای در مورد بیانییه و اطلاعیه داشته باشد، بایستی مورد اصلاحیه اش را مشخص نماید و ارائه دهد. چنانچه نهادی با کلیت بیانییه و اطلاعیه مذکور مخالف باشد، می باید اطلاع دهد، تا نام و امضای آن نهاد در پائین بیانییه درج نشود و اگر نهادی در این رابطه جواب نداد، دلیل بر موافقت با بیانییه پیشنهادی است. زمان مورد نظر برای نظردهی درباره بیانییه و اطلاعیه ها 48 ساعت می باشد.

تبصره سه: در صورتی که نهادی با بیانییه یا اطلاعیه ای توافق نداشته باشد، اسامی سایر نهادها بدون ذکر نام نهاد مخالف، در زیر بیانییه و اطلاعیه آورده می شود. در صورت توافق اکثریت نهادها، ذکر نام تمامی نهادها ضرورتی ندارد.

پ - ضوابط همکاری ها

1- هریک از نهادها متشکل از افرادی با گرایش‌های سیاسی گوناگون می‌باشند، لذا این مجموعه، جریانی چندگرایشی و مستقل از احزاب و سازمانهای سیاسی است و به هیچ وجه گرایشی مجاز نیست خود را بر این مجموعه تحمیل کرده و یا به نوعی این نهادها را زیر مجموعه خود محسوب نماید.

2- مناسبات بین نهادها بر اساس همکاری جمعی است، سمت و سو و تمرکز اصلی آنها بر شرکت در فعالیتهای و همکاری عملی است. در چنین روندی جهت انسجام و صیقل بخشیدن به مسائل فکری در زمینه های نظری، مباحث سیاسی - اجتماعی بر مبنای اهداف جنبش کارگری را در مسیر همکاریهای خویش قرار خواهیم داد ولی تصمیمات سیاسی - نظری گرفته نمیشود.

3 - نهادها در سطح محلی کاملاً مستقل بوده و میتوانند راساً و یا با شرکت هر نهاد مترقی دیگری فعالیتهایی داشته باشند. همچنین در صورت عدم توافق با یک برنامه جمعی پیشنهادی به هیچ وجه ملزم به تبعیت و اجرای آن نیستند.

4 - تصمیم گیریها بین نهادها بر اساس تفاهم، اعتماد متقابل، احترام، بحث و اقناع می باشد. در مواردی که نیاز به رای گیری باشد، توافق نصف به علاوه یک اعضای شرکت کننده در نشست ضروری است.

5 - نهادها داوطلبانه در فعالیتهای عملی مشترک شرکت میکنند، و در صورت شرکت، متعهد به انجام آن و سپس دادن گزارش کتبی فعالیت های خود به مجمع عمومی می باشند.

6 - هیچ نهادی حق ارائه بیرونی اسناد و گزارشات جلسات درونی نهادها و همچنین سمینارها و جلسات عمومی در سطوح مختلف، بدون توافق کلیه نهادها را ندارد.

7 - نهادها موظف به ارائه گزارش اقدامات شش ماهه خود میباشند. این گزارشات می باید یک ماه پیش از مجمع عمومی حضوری یا پالتاکی به هیئت هماهنگ کننده ارسال شوند تا برای اطلاع در اختیار نهادها گذاشته شود.

8 - نهادهای همبستگی باجنبش کارگری، بنا به تعریف، جمع نهادهاست و ترجیح و تشویق آن برای نهادهای متشکل درکشورها و شهرهای مختلف و پرهیز از انفرادی و تک یاختگی است. با این حال خود را از توان و تجربه فعالین کارگری در خارج از کشور که به هر دلیل بصورت نهاد محلی عمل نمیکنند بی نیاز نمی داند و آنان را به همکاری دعوت می کند.

واحد های محلی نهادها ی همبستگی در سطح کشورها برای امکان همکاری و هماهنگی میان نهادها ایجاد شده اند تا یک جمع بزرگتر و فراگیرتر از تک نهادها ایجاد شود، یعنی روش کار نهادها نباید در جهت تانید انفرادگرائی و میدان دادن به آن باشد. همکاری منفرد بین باجمع نهادها بر قبول این اصل بنیادی و بدیهی استوار است که نهادها شالوده این تجمع و همکاری را تشکیل میدهند و موازین و شرایط کار و همکاری با منفردین در هیچ موردی نباید اساس موجودیت نهادی را تحت الشعاع قرار دهد.

9 - هر متقاضی عضویت انفرادی را می باید حد اقل یکی از اعضای نهادها معرفی کند.

10- عضو منفرد می بایست بصورت فعال در یکی از فعالیتهای عمومی نهادها از جمله کمیسیونها شرکت داشته باشد. عضومنفرد در صورت غیرفعال بودن در فعالیتهای عمومی نهادها، تنها برخوردار از حق رأی مشورتی است. توصیه می شود بمنظور اهمیت فعالیت دسته جمعی ونهادی و پیشبرد بهترین نوع فعالیتهای آنها، از هر نهاد حداقل یک رفیق در یکی از فعالیتهای عمومی شرکت فعال داشته باشد.

11 - عضومنفرد نمی تواند به عضویت هیئت هماهنگ کننده نهادها انتخاب شود اما میتواند مسئولیت کمیسیون های و گروههای کاری را برعهده گیرد.

12 - مناسبات در درون نهادها می باید بر شفافیت و صداقت و صراحت استوار باشد. هنرها و عضونهاد و هر عضومنفرد حق دارد در رابطه با مباحث و تدارکات تصمیمات و یا اختلافات موجود، به طرح آزادانه نظرات خود و جلب نظر دیگران بپردازد اما این کار باید با انتشار علنی متن مربوطه در جمع نهادها و دعوت عمومی به امضای موافقین آن باشد.

13 - کسانی که از نهادها اخراج و یا به هر دلیلی جدا می شوند، برای پذیرش دوباره در نهادها پروسه عضویت منفردین مستقل را طی می نمایند.

14 - هر عضو و هر نهادی که در هر نشست امپریالیستی و آلترناتیوسازی بورژوازی که در چهارچوب تائید نهادها قرار ندارد، شرکت کند، بایستی پاسخگو در برابر نهادها باشد.

چنانچه رفیق یا نهاد شرکت کننده در چنین جلساتی، با آگاهی از ماهیت نشست در آن شرکت کرده و از این عمل خود دفاع نماید، بلا فاصله عضویت فرد یا نهاد مربوطه از طرف هیئت هماهنگ کننده تا مجمع پیش رویه تعلیق درمی آید و تصمیم قطعی در مجمع عمومی گرفته خواهد شد.

اولین مجمع عمومی پس از تعلیق، وضعیت قطعی رفیق یا نهاد مربوطه را تعیین خواهد کرد و صورت مسئله برپایه گزارش هیئت هماهنگ کننده در سطح جنبش انتشار داده می شود.

در صورت برگزاری چنین جلسه ای، فرد یا نهادی که تمایل به شرکت در آن را دارد، چنانچه به صورت نهاد همبستگی شرکت میکند، می بایست به هیئت هماهنگ کننده اطلاع دهند تا آن اجلاس و یا نحوه شرکت در آن، مورد توافق مجمع عمومی نهادها قرار گیرد.

چنانچه در شرایط ایجاد شده کوچکترین ناروشتی وجود داشته باشد، هیئت هماهنگ کننده موظف است پیش از هر عمل یا تصمیم گیری، فراخوانی جهت برگزاری مجمع عمومی فوق العاده بدهد تا مسئله در آن مجمع، مورد بررسی قرار گیرد.

15 - نهادها حتماً باید در پنج مقطع زمانی معین، واکنش مقتضی را در قالب بیانیه و اطلاعیه و یا در دستور گذاشتن یک کمپین، نشان دهند. اینها عبارتند از: اول ماه مه، سالگرد کشتار زندانیان سیاسی دهه شصت، سالگرد کشتار کارگران خاتون آباد، هشت مارس، کمپین برای آزادی کارگران زندانی.

برای آزادی فوری، بدون قید و شرط کارگران زندانی

و دیگر زندانیان سیاسی به هر شکل که میتوانیم، بکوشیم!

رژیم ضد کارگر در ایران به وحشیانه ترین شکلی
با زندانیان سیاسی رفتار می کند.
رژیم سرمایه داری
شکنجه های جسمی و روحی قرون وسطائی،
علیه زندانیان سیاسی اعمال میکند.
رژیم ضد کارگر در ایران احکام سنگین و
سالها بازداشت برای کارگران زندانی و
شروط و وثیقه های سنگینی
برای آزادی موقتی کارگران تصویب می کند.
رژیم حامی سرمایه برای خالی تر کردن سفره کارگران، جریمه های نقدی سنگینی را بر
کارگران برای آزادی از زندان تحمیل می کند.
رژیم انسان کش، زندانی می کند، شکنجه میکند، اعدام می کند.
تا طبقه کارگر و جامعه را به سکوت وا دار نماید.
باید بر علیه این وضعیت برخاست. باید و می توان رژیم را بعقب نشینی وا داشت.
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور
همه کارگران و فعالین کارگری، سازمانها، تشکلهای، گروهها و ... را فرامیخواند که به
هر شکل و با هر توانی که دارند
کمپینهای سراسری برای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی سازماندهی
نموده و شرکت نمایند،
تا شرایط آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان
سیاسی هرچه بیشتر، فراهم گردد.

به کمپنهای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید!
کمپین آزادی کارگران زندانی را تقویت کنید و خواست آزادی کارگران
را هر چه بیشتر به گوش جهانیان برسانیم!

همبستگی جهانی کارگران مرزی ندارد!

همبستگی و پشتیبانی کارگران،
سندیکاها، اتحادیه های کارگری،
نهادهای مترقی و سوسیالیستی و ...
برای آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی
ضروری است!

باور داریم که در ایران نیز طبقه کارگر متشکل در شکل های طبقاتی
و توده ای اش، پایان دهنده زندان، شکنجه، اعدام و کلن نظم موجود
اجتماعی است. برای کمک و یاری رساندن به این مبارزه، در جهت
آزادی کارگران زندانی با هر توانی که داریم در خارج و داخل ایران
بکوشیم. این یک گام واقعی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
سرمایه داری است.

آزادی کارگران زندانی

و تمامی زندانیان سیاسی

درگرو

گسترش مبارزه متحدانه ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با شکست انقلاب، به اعدام، زندان، شکنجه، ستم، استثمار و ... که در زمان شاه و سلطنت پهلوی نیز رایج بود، ادامه داد. این رژیم از بدو به قدرت رسیدنش، حمله و سرکوب کارگران و تشکلهای کارگری و دیگر نیروهای اجتماعی مترقی را در دستور داشته است و اکنون در بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی فرو رفته است، اما برای نجات خود بار بحران را با بیکاری، گرانی، فقر، گرسنگی و بی خانمانی بردوش اکثریت جامعه گذاشته است. هیچ جناح و دسته و گروه و جمعی از این رژیم دوست کارگران و زحمتکشانش نیست. کلیت این نظام باید برچیده شود.

زندانیهای رژیم مملو از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، کارگران و فعالین کارگری، نهادها، تشکلهای، سازمانها، احزاب مترقی و تمامی دوستداران و هواداران جنبش کارگری را فرامیخواند که در هر محل کار، منطقه، شهر و کشوری که هستند، در همراهی با نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران-خارج کشور، آکسیونها، پیکتهای اعتراضی، تظاهرات و تجمعات اعتراضی و ... را سازماندهی کرده و خواهان آزادی کارگران دستگیر شده، کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شویم.

تا آزادی تمامی کارگران دستگیر شده، سایر زندانیان سیاسی، مبارزه بیوقفه ادامه دارد.

برای همبستگی و همیاری بیشتر با جنبش کارگری در ایران به نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور بپیوندید!

کمپینها و کارزارهای دفاع از آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی، تا آزادی همگی این عزیزان، بیوقفه ادامه دارد!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران و دیگر فعالین، هوادارن و دوستداران جنبش کارگری تا کنون کمپینها و کارزارهایی بیشماری را با خواست آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی برگزار کرده و نیز در جریان است، سازمانها و نهادهای بین المللی بیشماری به این کمپینها و کارزارها پیوسته و علیه رژیم ضد کارگر در ایران اعتراض کرده و میکنند. این کمپینها و کارزارها تا آزادی تمامی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی ادامه خواهد داشت. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران همگان را فرا میخواند که به هر شکل که میتوانند، در هر کجا که هستند، با هر توانی که دارند به ایجاد نهادهای همبستگی با جنبش کارگری پرداخته و به هر شکل که میتوانند به ادامه کمپینها و کارزارهای همبستگی با جنبش کارگری در خارج کشور یاری رسانند.

برای آزادی کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی بیوقفه به هر شکل و نامی که میتوانیم، بکوشیم.

به کمپینها، کارزارها، اکسیونهای اعتراضی و مبارزاتی، برای همبستگی هرچه بیشتر با جنبش کارگری در ایران و نیز آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید و به هر شکل که می توانید صدای خواسته ها و اعتراضات جنبش کارگری را به گوش همگان برسانید.

اتحاد مبارزاتی ما، رمز پیروزی ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

The statement by the solidarity committees with the Iranian workers movement- abroad

Be auspicious May Day,
the international workers ‘
solidarity day

We are on the eve of May Day, the day of working class's battle against the capitalist, the day to reaffirm for revolution and the overthrow of the colonial rule, the international solidarity day of the working class, the day for commemorating the dedicated Chicago workers, who died this day, for struggle, and the joy of the world's workers achievements.

This year the workers of the many counties across the world, have spoken out against the capitalist's abuses, protested and organized demonstrations, and they turned the streets and the squares into the battle zones, along with other progressive people. The French workers, along with other freedom fighters, have challenged France's capitalist regime, and its reactionary social democrat government, and have stood firmly against the government's proposed legislations. The workers even in many western countries such as America, Germany, Sweden, Spain, and Greece have opposed the reactionary economic policies, and have pursued their demands persistently. The workers in many countries known as peripheral countries, including South Korea, Tunisia, Bangladesh, Mexico, Argentina, Turkey, have had strikes and protests, in order to achieve their demands. Now the Kuwait oil workers are on strike against the capitalist's abuses and its government.

Whilst in many countries of the world, as tens of thousands of workers march against the capitalists' abuses, and discuss their demands freely, the Iranian workers are deprived of their free gathering and announcing their guilds and political demands. The government made rally under the supervision of the mercenaries of the "worker's house", must not be known as workers' gathering.

The rally which is praising the capitalist's rule and with its fascistic slogans, is against the Afghan migrant workers & not only doesn't have the workers' content, but also, it is an anti workers one.

The noble Iranian workers, despite all the government pressures, this year with all the problems imposed on them, will hold their independent gatherings in private locations, and like the past years, they will discuss the ways to emancipate from capitalist's exploitation and oppression. They will sing the revolutionary songs, they will consolidate their solidarity pact, and they will celebrate, by enjoying their day distributing sweets, and other snacks. Let's enjoy their happiness, and make our covenant stronger with them.

The workers in Iran in the past year, between May 1st last year, and this year, have driven a brilliant campaign. The Iranian workers' protests in the past year, has developed and increased, so much can be said safely, & it has been the highest rate in the world. The average labor protests in Iran is five protests a day. One of the most precious achievement of the last year of the Iranian workers movement, is the joint announcements by the seven independents and advocates of the labor movement, five independent workers group, and the Wahed syndicate (The Tehran's bus workers' syndicate and suburbs), with the same content on wages and pointing to the needs for an independent national workers' organization.

The uninterrupted continuous struggle of these cooperations, are deepening and developing and the intensive communication with the factories' workers cells and the workshops, could lay down the foundation of the

independent national organization. Besides other labor campaigns, the main task and central to each labor activist and worker advocate, is to try for a united struggle in the establishment of the national and independent organization. Without such an organization, there will not be any permanent improvement in the workers' life, especially, in their wage increase and their unpaid wages, and their small achievements will be in danger by the capitalist's larceny, and its pro - capitalist government. Let's hope that this year's May Day, will be registered as the day of solidarity and joint action of the revolutionary alliance of the workers and labor activist of Iran, and for serving the realization of the main and central task.

May Day is the international day of the proletariats, but it doesn't mean that the proletariats in its continuous struggle against capitalist in this day would think about its own class only. The proletariats in this day, and in its struggle, is worrying about other oppressed segments of the society, and defends their rightful guild and political demands, and counts on them as their own partners alter ego, in its struggle to overthrow the colonial and oppression rule.

The Iranian labor activists in the year that has elapsed, and in addition to issues related to the workers, have continued defending & supporting the righteous demands of other oppressed segments of society. This includes exposing & revealing, the fascist and racist actions taken against the anti- Afghan migrant workers, defending the struggle of teachers, nurses, students, and environment campaigners ... and they have supported the national minorities' rights and vigorously exposed the government's crimes against humanity. The labor activists in Iran have linked the necessity conduit, between the labor movements with the righteous struggle of other oppressed layers of society properly. That is why this May Day is a launching board for cooperation and partnership, responding to our united workers' demands and the accumulated demands of the massive force of the teachers & the outcry for the freedom of the imprisoned workers and teachers. This shows the signs of our labors' struggle link with other oppressed segments in Iran.

Some of the most important tasks of the defenders of the labor movement – abroad, is to support the workers' struggle in Iran, revolutionary workers' activists, political prisoners, and the families of political prisoners' righteous struggle for freedom and justice.

We, the solidarity committees with the Iranian workers movement- abroad, will continue our tasks as per usual. We know and we see that some other forces and the militant Iranians are doing so, but we believe strongly that these struggles in overseas countries, despite its positive effects & because of its fragmentation and the lack of its simultaneousness, without cooperation, would not have fruitful results. Therefore, like before we are ready to cooperate in fixing these deficiencies. In doing so, we are inviting all of those forces and activists, who are worrying about the workers movement in Iran, to participate in, for the essential links of solidarity in long or short term, or casual united cooperation. Let's hope that May Day, the day of workers' solidarity, help us in thinking seriously and replace self centeredness and sectarian, with cooperation and communion.

- Long live May Day, the day of international solidarity of the working class, the international proletariat's Day

- Long live socialism

- Down with the capitalist regime of the Islamic republic in Iran

Solidarity committees with the Iranian workers movement- abroad

23 April, 2016

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>